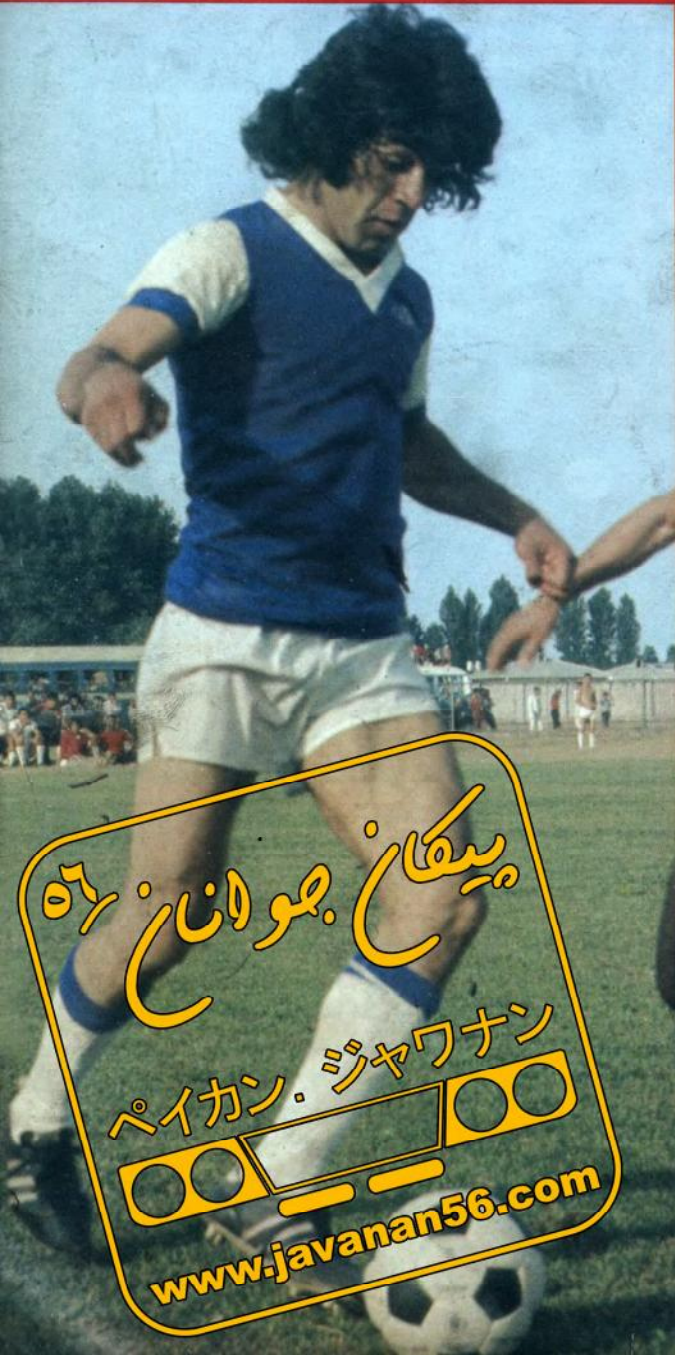


# کمیگان ورزشی

شماره ۱۲۷ - شنبه سیزدهم دیماه ۵۴ - بهار ۱۳۵۱ ریال

شمشیر هار اغلاف کنید  
شاهین برای دوستی میآید  
عادلخانی به دروازه تاج  
حمله میکند و حجازی  
جلو فروردهای تاج میایستد



کمیگان جوانان ۵۶

ペイカン・ジャワナン

www.javanan56.com

# هما

## مینیاتور کاری که قلمش لرزید



هما همیشه جلو دروازه غوغا می کرد و با ظرافت در همکاری های این منطقه و پیشروی مرحله به مرحله ، ظرافت یک مینیاتور را به نمایش می گذاشت اما افسوس که در میانه راه ، « اختلافات » ، قلم این مینیاتور کار را لرزاند ، و گرنه بعید نبود که پرسپولیس را در تشویش از تهدید هما ببینیم .

با این حال ، هما در آخرین دیدارش حریفی سرسخت چون ملوان را در خانه حریف پیش روی دید و پیروزی بر ملوان بود که مقام سومی دوره دوم را به مقام دومی دوره سوم بدل ساخت و این چهره تیم دوم جام تخت جمشید است :

ایستاده از راست : علی رضا خورشیدی ، حسن نایب آقا ، محمد توانایی ، ناصر نورایی ، سهام الدین میرفخرایی .  
نشسته از راست : سجاد صادقی ، علیرضا عزیزی ، مهدی غزال ، مهدی خبیری ، ان الله نقدی و حبیب عزیزاده



# دکتر اکرامی: شمشیرها را غلاف کنید، ما برای دوستی می آئیم

## درفوتبال ما مظهر و بزرگتر از ظرف است

# نگذارید آئین اخلاقی ورزش بمیرد!

قصدم این نیست که شاهین را بشناسم زیرا این از عهد من خارج است و شاید شاهین نیازی به شناخته شدن نداشته باشد. و نیز قادر نیستم از کنار نام شاهین بی تفاوت بگذرم. زیرا وجدان من مسئول است چنانکه حق مطلب در مورد شاهین ادا نشود. لیکن ترسی هم در وجود موج می زند. بیم دارم که تاجران و تاجر پیشه های عالم ورزش ما نیاز باز شناساندن شاهین را وارونه جلوه دهند و حمل برومی بازار با بی برای آینده مجله کنند با نوعی دستاویز و وسیله همبستگی علیه دشمنان دیرینه نشریه ما بپردازند. و باز بیم دارم. از اینکه طرح مسئله شاهین از زبان ما حمل بر جبران نوعی عذاب وجدان باشد که شاید در رابطه گذشته خود با شاهین گرفتار آن شده ایم. اما بهر صورت هر کسی مسئول خویش است و من به عنوان یک نویسنده که انگیزه طرح مسئله شاهین را از زبان خود خواهم گفت - نه کناره گناهان کسی را میدهم و نه کیسه بی برای تیراژ مجله دوخته ام...

\*\*\*

... شاهین رانمی شود از «کرامی» جدا کرد حتی اگر دست اکرامی در کار نباشد. روح شاهین تجلی روح اکرامی در ورزش ماست. آنهایی که بنام بازیکن شاهین توپ می زند، آنهایی که مسئله کارشاهین را راه می اندازند، بهر حال روحی تسخیر شده از افکار دکتر اکرامی دارند و امروز هر شاهینی دست کم در زمینه فوتبال یک دکتر اکرامی است و هر کس شاهینی فکرمی کند بیرون عقاید شخصی بنام دکتر اکرامی است. اما افکار خود اکرامی از روح ورزش سرچشمه می گیرد.

این مرد سرد و گرم روزگار چشیده، زیرویم زمان را دیده و اهریمنان و فرشتگان ورزش ما را خوب می شناسد. خوشبختانه آفتدر عشق و حرارت دارد که اجازه ندهد مکتب ورزشی اش در ایران با نام او و منهای عقاید او قفسی بردارد. و نیز خوشبختانه این اعتقاد آفتدر به او هست که خلاف رأیش کسی لب به سخن نکشاید و قفسی بر ندارد. انگیز من در مصاحبه با شاهین و شاهینی ها احساس یک ضرورت بهنگام سرگ آئین اخلاقی در ورزش ایران بود.

می خواستم ببینم آن خدایان ورزش آیا هنوز همان خدایانی هستند که من نیز چون خیلی از جوانان دیروز و امروز عقایدشان را آسمانی می پنداشتم.

آن روزها که فارغ از فلسفه و شناخت ورزش فقط برای روح خودم و برای نشاط درونم توپ می زدم، تا آن موقع که بزرگتر شدم و روزنامه و کتاب را شناختم و بالاخره از آن موقع که قلم بستم و برای ورزش نوشتم، همیشه و هر زمان بنا به استطاعت فکری و پیش خود احترامی عمیق و آمیخته به ترس نسبت به شاهین داشتم. شاید بنیان فکری مرا همین شاهین ساخت زیرا هر چه از زندگی آموختم با در زمین ورزش بوده یا در کنار زمینهای ورزشی و ارتباط با ورزش، بیشتر زمانی بود که چیزی بنام روح شاهین بر جوانان این کشور حکومت میکرد. پس اگر کسی با «ورزش» بوده چگونه می تواند بدون «شاهین» بوده باشد؟

شاید شاهین همان تعالی روح ورزش یا همان قطب و مراد فلسفی هر ورزشکاری باشد.

\*\*\*

... اما نگران بودم نگران از اینکه نکنه تدابیری در کار است که از این روح و از این نام سوءاستفاده شود. از که می شد پرسید که پیدایش دوباره شاهین یک ضرورت است یا یک توطنه برای گسستن تمام علائق و جنبه های انسانی ورزش ما با یک دک کان جدید برای برداشت بیشتر و با حقیقتاً زندگی دوباره شاهین برای آن بلند پروازی در آسمان با کله و نیلگون ورزش؟

براستی از که می شد پرسید؟ آیا باید صبر کرد و بی چشم دید؟ نه این شیوه یک روزنامه نگار متعهد نمی توانست باشد. بهترین جواب را از خود شاهینی ها میشد گرفت زیرا اگر شاهین غیر از آنچه می گوید بکند، چون گفته هایش ثبت می شود. حداقل تکلیف آیندگان را در مورد گذشتگان روشن می کند.

انگیزه این بود؛ شناخت شاهین که چه می گوید و چه می خواهد و چه چیز تازه می با پیدایش مجدد به اربغان آورده است. تا چه حد به سنت ها پای بند است اما مهم تراز همه بافتن یک انگیزه آرامش برای خودم. آخری دانید من آدم بدبینی هستم چون به تاریخ علاقه خاصی دارم.

\*\*\*

تصمیم خود را گرفتم؛ تلقن به منزل دکتر برومند و نگاه یک قرار تلفنی. گفتم قصد ندارم به عینجالهایی که با آمدن شما خود بخود پیش می آید، دامن بزنم. اما اینرا هم نمی پسندم که ساده از کنار اسم شاهین بگذرم. کار خبری هم مقصود من نیست. برداشت و آگاهی سطحی از قدرت تیمی که میدان می آورد نیز نمی تواند مرا قانع کند.

منظور همه اینهاست بخصوص اینکه حرفهای تازه ای از روابط تاج و پرسپولیس شنیده ام اما بیشتر از همه میخواهم روح کارشما را بشناسم.

حرفهای صادقانه بود، به دلش نشست و با تمام گریزها و محافظه کاری ها، بالاخره رهنمون من به ستاد فرماندهی شاهین شد. ستادی که در آنجا یک فلسفه حکومت می کند، آنجا که دستورهای این مکتب به معتقدان و پیروان آن صادر می شود، آنجا که شاید در آینده راهبر غیرمسئول ورزش ما باشد آنجا که پای رسالت و ارشاد مطرح است، آنجا که همه خود را متعهد میشناسند و آنجا که بالاخره منم راه یافته.

\*\*\*

با پول یا نیتی غیر از پول و با یک راه سوم در ردیف پول برای تحقق یک نیت. شاهین امروز، کدام یک از این هدف ها را دنبال می کند؟ این مسلماً پول نیست زیرا رهبرانی که من شناختم همه بی نیاز از پولند. پس این هدف چیست؟ هدف استعمار فکری، هدف تشخیص؟ نه اینان که روح و جسم خود را با ورزش جلا داده اند، هرگز نمی توانند اینگونه فکر کنند. پس اینان آنچه از ورزش آموخته اند و با آن در زندگی مادی و معنوی خود سر بلند شده اند. حالا می خواهند به جوانان مملکت بیاموزند که این یک عشق است، این آگاهی است و این هدف انسانهای معنایی است.

\*\*\*

... روح اکرامی حکومت داشت. شاگردان هر چند اکنون خود پدران فرزندان دانشگاهی هستند اما پدران به اکرامی می نگردند. یک پدر دانا، پرمعاطفه و هسانقدر عصبی وی گذشت.

قرآن از جیب درمی آورد و قسم میدهد که سخنی از او در میان نباشد. گاه چنان می نماید که از دست خودش بشدت عصبانی است شاید می گوید: «چرا مجبورم که مطرح باشم چرا نمی توانم این عشق را رها کنم؟»

خیلی راحت توانستم به او بفهمانم که منهای او این مصاحبه یعنی هیچ. بعد از

لطفاً ورق بزنید

مدتی در حین تحصیل در تسمهای حرفه ای آلمان توپ می زد. و در چهار سالی که به ایران بازگشته بازیکن تیم تاج و بار تیم ملی بوده است.

\*\*\*

تالار ورزشگاه محمد نصیری - جام پاسارگاد: تهران جوان در دیدار این هفته خود شکست خورد اما با چهره ای بهتر از گذشته هما را در «ست» سوم با خطر شکست مواجه ساخت. این صحنه ای است که شهدی بابایی و رود باری به دفاع آشبار اصغر زالی (مهاجم هما) رفته اند. و دووئر جمشید قدری (شماره ۵) و مصطفی اهری نگران نتیجه هستند.

## کیمیا ن ورزش

شماره ۱۲۷ - سال بیست و یکم  
صاحب امتیاز: محمود مصنفی  
سردبیر: کاظم کیلانپور  
نشانی: خیابان فردوسی جنوبی  
کوچه کیهان

## شرح عکسهای روی جلد

عادلخانن به دروازه تاج حمله میکند

## وحجازی جلو فروردهای تاج

می ایستد

بهترین شایعاتی که هفته گذشته در مورد نقل و انتقالات پرسر زبانها بود، به دو بزرگ فوتبال ما مربوط میشد. اولی ناصر حجازی که از این پس راه را بر توپهای تاج خواهد بست و با احتمال زیاد درون دروازه شاهین (شهباز) خواهد ایستاد. دومی محمد رضا عادلخانن که این نیز دروازه تیم پیشین خود را نشانه خواهد رفت اما اینکه همراه کدام تیم بدرستی معلوم نیست.

حجازی و عادلخانن از ستاره های پر فرج سالهای اخیر فوتبال ایران هستند. حجازی کار فوتبال را از تیم نادر آغاز کرد آنگاه به تاج پیوست و در طول اینمدت (شش سال) دروازه بان اول تسمهای ملی فوتبال ایران بوده است. عادلخانن فوتبال را از تاج شروع کرد.



ده سال آندام که زبان او را بکشایم . باید گذشت داشته باشد باید تا حدودی برای ادامه مجدد کار با جنجال ها بسازد . او عارف است و پیش از من خود این را دریافته است گاه رویه دوستان و همراهان امروزی هشارگردان قدیم می کنند و با عصبانیت می گوید : « دیدید گفتم ، من نمی خواهم ، من ... »

شاکردان که خوب میدانند پنهان داشتن رهبری دکتر برای همیشه ممکن نیست ، او را به حرف زدن ترغیب می کنند .

آنجا بهنگام رسیدن اسماعیل زرافشان و من تنها اکرامی و غفاری بودند . محل ملاقات دفتر خسرو غفاری و کیل دادگستری و رئیس هیئت مدیره باشگاه جدید است . پشت سر من سرهنگ ایران بنام می رسد ، بعد دکتر رضوی ، دکتر برومند ، دکتر مدنی ، دکتر شهردار ، شاهپور سرحدی و دکتر لنگرانی .

پیش از رسیدن اینان من پاره ای از سوالات را مطرح کرده ام اما این گفت و گویا شخص بخصوصی به عنوان پاسخگویی سازمان شاهین نیست . تقریباً همه در جریان مصاحبه قرار می گیرند و تقریباً همه جواب میدهند . منتهی من می خواهم جواب آخر هر سوالی را از دکتر اکرامی بشنوم . و گاه این خود استاد مکتب است که پاسخگویی را به شاکردان محول می کند اما باز آخر سر ، خود اوست که جوابها را تکمیل و خلاصه بازگویی کند .

حقیقت اینست که شکل مصاحبه منظم من و روشی که از پیش گزیده ام با حضور اینهمه پیر فوتبال بهم می ریزد و روال از پیش ساخته پی را دنبال نمیکند . لیکن اساس این مصاحبه را می سوال تشکیل میدهد . سوال و جوابی که اگر خود خواننده قادر به تنظیم و ترکیب آنها باشد . یک مطلب کلی از مکتب شاهین رخواهد یافت .

\*\*\*

دو اتاق تودرتو خیلی شسته رفته و تمیز به عنوان دفتر کار خسرو غفاری محل این گفت و گو و محل گردهم آبی همیشگی رهبران شاهین است .

همه چیز خیلی منظم در جای خودش قرار دارد . از میلهای کنار میز کار غفاری بلند می شویم و به دور یک میز بزرگ کنفرانس می نشینیم . کم کم بر تعداد صندلیها افزوده میشود و گفت و گو با پیشرفت خودنمایی اعضای هیئت مدیره شاهین را دربر میگیرد .

این گفت و گو چهار ساعت طول می کشد و من شرمندم که اینهمه بزرگ ورزش را از کار اصلی بازداشته ام اما برستی بحث آنچنان گرم است که هیچ کس توجهی به وقت ندارد و آخر سر هم دکتر اکرامی می گوید که نشست هایشان اکثراً تا پاسی بعد از نیمه شب طول می کشد !

\*\*\*

## اسم شاهین معرجم شد اما روحیه شاهینی باقی بود

« ما هفت سال در زمین نبودیم اما هفت سال بیرون از زمین در کنار هم بودیم . اسم ما در مسابقات نبود اما کسانمان همیشه در کنار زمینهای مسابقه بودند . »

« آنها بی که بسنگی دادایی با ما نداشته اند اسمی که شاهین داشتند ، در این هفت سال به یاد شاهین بودند . تنها اسم شاهین بود که معرجم شد نه آن روحیه شاهینی »

« روزی که معرجم شدیم ، تیم جوان داشتیم که این در حقیقت برگزیده ، ۱۴ تیم جوان بود و امروز غیر از شهباز شش تیم در جام تخت جمشید هستند که با همان روحیه و با ارتباط به همان مکتب زندگی می کنند و علاوه بر اینها دوتیم در دسته اول باشگاههای تهران نیز چنین ارتباطی با فلسفه ورزشی ما دارند »

## از عیبه و پرسپولیس متشکریم

« از عیبه متشکریم که در مدت انحلال شاهین به بازیکنان سابق ما پناه داد دست آنها را گرفت و به هر صورت آن روحیه را حفظ کرد .

« اما تعجب می کنیم که چرا خیلی ها با شمشرهای برهنه انتظار رسیدن ما را می کنند . بله ما برای رقابت می آیم . رقابت یک آیین ورزش است اما همین رقابتهاست که دوستیها را خلق میکند . آمده ایم که رقیب همه باشیم . آمده ایم که انحصار چند ساله اخیر را بشکنیم نه برای این که کار دیگران را خراب کنیم . »

« ما نمی خواهیم بازیکنان سایر باشگاهها را قریبیم ، از راه بیراه کنیم و یا فریب بدیم اما لزومی هم نمی بینیم که دست رد بر سینه بازیکنانی بگذاریم که قراردادشان تمام شده و آزاد هستند و مهمتر از همه آرزوی شاهینی بودن در دلشان موج می زند . »

## به گذشته بی اشتیاد خود افتخار می کنیم .

دکتر اکرامی اصرار داشت که من حتماً جمله های زیر را نقل قول کنم و این را با حرارت آشکاری برابم دیدن کرد :

« بنویسید که شاهینها به گذشته خودشان با افتخار و سربلندی نگاه می کنند . بنویسید که ما اشتیاد نداشته ایم ، دیگران اشتیاد میکنند . بنویسید که بالاخره حقیقت پشت اثر ماند بنویسید که درستی راه ما بر همان معلوم و آشکار شد .

« راه ما با قدس و درست بوده می خواهم در همان زمینه و به هر قیمت بر افتخارات خود بیاوریم . محکم موفقیت هر دستگای حصولی است که ببار می آورد . باشگاه شاهین از نظر افرادی که تربیت کرده و خدمتگزارانی که تحویل جامعه داده است ، چه از نظر شاخص هدرستی و خدمت به مین و چه از نظر استقلال فردی و اجتماعی در جهات اقتصادی و تحصیلات دانشگاهی ، بین باشگاههای ایران شاخص است . »

حرفه بی اما پای بند سنت ها

« فوتبال جدید ما حرفه بی است ولی ما در قالب حرفه بی بودن ، سنتهای باشگاه

## دکتر برومند : ما برای همه حریف خوبی خواهیم بود

شاهین را حفظ خواهیم کرد .

« چون می خواهیم از سطح نخست فوتبال ایران شروع کنیم ، ناچاریم خود را با شرایط روز وفق دهیم . برای شروع کار ، ما دست به سوی بازیکنان ساخته شده هم برده ایم و با آنها قرارداد بسته ایم . اما این روش تنها برای شروع کار است . ما مثل گذشته به دنبال سازندگی خواهیم بود . همانطور که به هنگام محرومیت ، ۱۴ تیم وابسته به شاهین بر جای مانده بود .

« صحبت از حرفه بی که شد باید بگوئیم که تنها بازیکنان و مربیان ما حرفه بی هستند بقیه - یعنی پدیدآورندگان این سازمان - نه تنها حرفه بی نیستند ، بلکه یک جانبه سرما به گذاری می کنند . »

## در قالبهای ورزش ایران

« ما می خواهیم در قالبهای ورزش ایران تلاش کنیم و با فدراسیونها از نزدیک همکاری داشته باشیم . »

« خط مشی ما تجدید اعتبار شاهین و سازندگی برای آینده در زمینه ورزش است . می خواهیم به معنای واقعی ورزش داشته باشیم . »

آما توربسم در ایران بوده حالا حرفه ای لکر میکند ؟

- ۷- خط مشی جدید باشگاه چیست ؟
- ۸- برای زنده کردن شاهین شهرستانها چه اقداماتی شده ؟
- ۹- سرمایه فعلی باشگاه چقدر است و حساب فوتبال چیست ؟

- ۱۰- شاهین برای تطبیق خود با شرایط آیین نامه فوتبال جام تخت جمشید چه کرده است ؟
- ۱۱- مسئولان تیم فوتبال چه کسانی هستند ؟
- ۱۲- اعضای هیئت مدیره چه کسانی می باشند ؟

- ۱۳- شاهین برای فوتبال پایه چه کرده است ؟ آیا به خرید و فروش بازیکن می پردازد یا آنچه لازم دارد خود تربیت می کند ؟
- ۱۴- الگوی کار باشگاه شاهین کدام

## ۳۰ سؤال از رهبران شاهین

- ۱- پیدایش شاهین و بنیانگذاران
- ۲- احیاء شاهین و پیدایش شهباز
- ۳- اساسنامه باشگاه
- ۴- آیا سنت های پیشین این مکتب هنوز با پدارت ؟
- ۵- اگر جواب سئوال بالا مثبت است
- ۶- پس چگونه ستاره های آرزو شاهین حتی کفش و لباس را از جیب خود خریدند ولی اکنون پیشنهاد های ۵ هزار تومانی از طرف باشگاه به ستاره های روز فوتبال میشود ؟
- ۷- چطور شاهینی که سردمدار



## دکتر اکرامی: شاهین به گذشته خود افتخار میکند و راه گذشته را پیش می گیرد

او دکتر عباس اکرامی برجسته ترین فوتبال شناس ایران و یکی از شخصیت های فدراسیون بین المللی فوتبال است. او بالاخره پس از دمسال با سماجت ما لب گشود و از فوتبال ایران سخن گفت.

**دکتر اکرامی به ما گفت که در فوتبال ایران منظور بزرگتر از ظرف است و به راستی به تعبیری دیگر این به خود او برمی گردد که افکار و اندیشه هایش بسیار بزرگتر از درک و فهم فوتبال ما است.**

اینجا ستاد رهبری شاهین است و این مردان دانا با یک مکتب اخلاقی و ورزشی ایران هستند. بی نیاز از مادیات و به دنبال منویات که بسراز گذشت سالها به طور جدی گرد آمده اند تا باز با عشق خود روحی وصفانی در ورزش ایجاد کنند از راست به چپ: ایران پناه، خسرو غفاری، دکتر مسعود پرومند، دکتر اکرامی، لنکرانی و پیروز شعار غفاری (نویسنده مجله).

فوتبال نوین ایران تا حد زیادی بدون این مرد است. مردی که گذشت زمان چیزی از حرارت او نکاسته، مردی که اندیشه های انسانی را با ورزش به هم آمیخته و یک مکتب جاوید برای فوتبال ایران بر جای نهاده است. پدر همه شاهینها هنوز هم رهبر راستین شاهین است هر چند که هیچ علاقه بی برای مطرح شدن ندارد.

«ورزش روح و جسم انسان را تهذیب می کند. ورزش به ما آموخته که چگونه باور انسانها باشیم. آن ورزشی که ما آموختیم تمامی ما را بی نیاز کرده است. می خواهیم آن را که دیروز فرار گرفته ایم امروز به جوانان بیاموزیم.

«آئین نامه داخلی برای روابط بازیکن و باشگاه داریم اما آئین نامه های نوشته هم بسیار داریم که مجموع آنها ستهای باشگاه شاهین است.»

**درآمدها خرج میشود**

«حساب باشگاه ما دوتاست. یکی حساب کل باشگاه که مخصوص شرکت است دوم حساب اداره امور فوتبال که بنام آقای سرحدی مدیر باشگاه می باشد. مجموعه سرمایه شرکت شاهین یک میلیون تومان است و برای فوتبال تا همین مقدار فرقد نیاز باشد اعتبار داریم.

«هیئت فوتبال باشگاه، بودجه خود را به تصویب هیئت مدیره شاهین رسانده است هزینه یکساله تیم فوتبال ما در شروع در حدود ۸۰۰ هزار تومان پیش بینی شده است اما چون خیال برداشت نداریم، درآمدهای فوتبال را هم در راه خودش خرج خواهیم کرد.»

- باشگاه از کدام کشور است؟  
 ۱۵- شاهین آینده را چگونه می بیند؟  
 ۱۶- فدراسیون فعلی را تا چه اندازه موفق و باادامد تشخیص میدید؟  
 ۱۷- شاهین چه راهی پیشنهاد می کند و پیش پای فوتبال ایران می گذارد؟  
 ۱۸- بازیکنان تیم فعلی شاهین را چه کسی پسندیده و انتخاب کرده و این انتخاب طبق کدام الگو و چه ضوابطی صورت گرفته است؟  
 ۱۹- آیا شاهین در فوتبال بیرو تاکتیک و استراتژی ویژه ای است یا این تاکتیک را با توجه به آموزش های بازیکنانش پیدا خواهد کرد؟  
 ۲۰- بطور کلی شاهین بیک قالب پیش ساخته دارد یا این قالب را به تناسب بازیکنان خواهد ساخت؟  
 ۲۱- آئین نامه روابط بازیکن و باشگاه بر چه روالی است؟
- ۲- تیم شاهین تا چه حد به توفیق خود در فصل آینده جام تخت جمشید اطمینان دارد؟  
 ۳- شاهین برای فصل جدید، خود را در چه سطحی از نظر ارزش فوتبال می بیند؟  
 ۴- بهترین تیم ایران از نظر رهبران شاهین کدام تیم است؟  
 ۵- روش کدام باشگاه ایرانی مورد پسند شاهین است؟  
 ۶- شاهین در آینده با تیم ملی و فدراسیون چه رابطه ای خواهد داشت؟  
 ۷- بنظر رهبران شاهین ایراد بزرگ فوتبال ایران چیست؟  
 ۸- بنظر شاهین نسبت به ایجاد اتحادیه با باشگاهها چیست؟  
 ۹- بنظر رهبران شاهین فدراسیون فعلی تا چه اندازه می تواند ضامن ادامه راه فعلی فوتبال ایران باشد؟  
 ۱۰- آیا باشگاه در فکر انتشار سهام جدید برای مشتاقان نیست؟

### شهرستانها به پیشباز آمده اند

برای احیاء شاهین شهرستانها، باید گفت که این خود شهرستانها هستند که به پیشباز آمده اند. اکنون در شهرستانها خیلی ها هستند که فعالیت دوباره خود را از سال گذشته آغاز کرده اند با این حال روز به روز پیشنهاد های بیشتری به ما می رسد و ما اینجا با حضور هیئت مدیره این پیشنهادها را بررسی می کنیم. چون میدانید که وسواس عجیبی برای انتخاب آدمها و صلاحیت ورزشی آنها داریم.

### ورزشگاه دوازده هزار نفری

« برای تطبیق با آئین نامه جام تخت جمشید قسمتی که مربوط به سازمان فوتبال و داشت، حساب مخصوص میشد، از سال گذشته وجود داشته و کار خود را به همان ترتیب ادامه خواهد داد. اما برای شرکت در جام تخت جمشید تأسیساتی پیش بینی شده که در زمین باشگاه در جریان پیاده شدن است.

زمین فوتبال باشگاه در اسفند ماه تخم پاشی چمن میشود و نقشه و طرح سکوها نیز آماده است. در طرح اولیه ورزشگاه، گنجایش ۱۴ هزار تماشاگر پیش بینی شده که قابل توسعه می باشد. چون می خواهیم تأسیسات مال خود باشگاه باشد به هنگام ضرورت و تشخیص باشگاه، فعالیتهای ساختمانی را شروع خواهیم کرد. البته آغاز ساختمان بستگی به موفقیت آینده تیم ما هم دارد.

مسئول اداره امور داخلی باشگاه آقای شاهپور سرحدی است که به عنوان مدیر باشگاه به امور فوتبال ورشته ورزشهای دیگر نظارت می کند.

هیئت خاص فوتبال را آقایان شاهپور سرحدی و مهندس بهمنی بعنوان سرپرست، آن راجرز به عنوان مربی و ناظم گنجابور و مهربان شاهرخی به عنوان کمک مربی تشکیل میدهند.

### یکسال با «راجرز»

« ما فوتبالی بالاتر از سطح راجرز در ایران ندیده و نشناخته ایم. سایر مربیان خارجی اگر هم اسم بزرگی داشته اند، کار بزرگی نکرده اند. حتی در تیمهای ملی اخیر هم «استراتژی» خاصی ندیدیم.

« به هر صورت تا یکسال با راجرز قرارداد داریم که در این مدت راجرز علاوه بر رهبری تیم اول ما، تمرینات تیم جوانان شهباز را هم به عهده خواهد داشت

« در ایران هنوز مسئولیتهای تیم فوتبال چندان تفکیک شده نیست و مسلماً همه در کار رهبری تیم مشورت و همفکری می کنند. در تیمهای سابق شاهین کار رهبری تیم زمانی به دست خود دکتر اکرامی بود و مدتی من (دکتر پرومند) این کار را می کردم. اما همه همفکری داشتیم. همانگونه که گفتم فوتبال ما هیچگاه در سطحی نبوده که مسئولیتها کاملاً تفکیک شود.

### شکل غیر انتفاعی پیکان و پرسپولیس

« اکنون تعداد زیادی از مربیان محلات تهران با تیمهایشان وابستگی خود را به ما اعلام کرده اند. شیوه انتخاب بازیکن مثل شاهین گذشته است.

« ما همان کاری را که برای انتخاب تیم شاهین میکردیم، برای شهباز هم انجام خواهیم داد یعنی آزمایشی از کلیه شهبازها در سطح کشور و آنگاه ترکیب این بهترین ها.

«الگوی کار باشگاهی شهباز را، در گذشته پیکان و پرسپولیس می بینیم. اما با شرایط جدید و فکر غیر انتفاعی. همان برنانه با شکل وسیعتری پیاده خواهد شد که این یک شیوه خاص فوتبال ایران است.

البته اصل فکر از لحاظ استاندارد های اداره، شکل انگلیسی دارد. ما فوتبال را با فوتبال انگلیسی شناختیم و در زمینه تشکلات باشگاه ای اول را با باشگاه آرسنال انگلستان آشنا شدیم.

### سرخیلی گنده روی بدن نحیف!

« اینطور که فوتبال ما پیش می رود، صاحب سری بسیار گنده روی بدنی بسیار نحیف خواهد بود. بدنی که قادر نیست سنگینی سرتا تحمل کند!

« باید پایه آنقدر جان بگیرد که موفق به نگاه داشتن این سر بزرگ باشد. منظور اینست که در حال حاضر به فوتبال باشگاهی و حرفه ای تیم ملی بیش از اندازه توجه میشود و این یک خطر برای آینده است زیرا در کنار آنها پایه های به ندرت لازم خلق نمی شود که این سازمانها را سر پا نگهدارد و بالاخره اگر اینطور پیش رود نمای ظاهری محکوم به ریزش است.

### فدراسیون بی نظر، فدراسیون بی نظیر

ما همه معتقدیم که فدراسیون فعلی بهترین، بی نظیرترین و بر کار ترین فدراسیونی است که تا کنون رهبری فوتبال ایران را بدست گرفته است.

« در هیچک از دوره های فوتبال فدراسیون با این بی نظری، با این وسعت فعالیت و بر کاری و تحرک نداشته ایم و این در واقع یک فدراسیون بی نظیر است که در سایر رشته های ورزشی هم نظیرش را ندیده ایم.

### پیشنهاد ما به فوتبال ایران

« باید موجبات گسترش فوتبال را در آموزشگاه های ایران فراهم کرد. باید فوتبال آماتوری را در سطح مختلف رواج داد.

« بهترین پایه های فوتبال را از نوع آماتوری راستین آن می توان در دوره های راهنمای آموزشگاهی بنا کرد.

# همه تهرانی‌ها به مرحله دوم صعود می‌کنند

## شیراز از صعود به مرحله دوم قطع امید کرد

تاج شیراز ۸۰ نیمه اول، ۶۰-۷۰ به سود پاس تهران ۳۳، حسین نوربخش، داور: محمد فاطمی، جمعیت حدود پکهزارتن.

پاس تهران: سعید خلغالی، محمد رضا اسلامی، امیر درودی زاده، محمود بالکنزاد، خسرو رضایی، محمود زاده شیرازی، سعید شیهه، احمد رضا (نادر)، کاشانی، ابوالقاسم صادقی، بهروز محمدی، عباس حیدری (مری): سعید خلغالی، کجک: رضا مشغون

تاج شیراز: سعید غریبی، محمدعلی عسکری، دین مستقیم، فلازمز حسن زهرانی، ایرج فخری، خسرو بیجاقیان، محمدعلی عسکری، سیروس دهان، حسین طریفی، علیرضا زرین پور، سیروس باغچه‌سرای، حمید نعمتی پوران (حرفی)، بهروز وانیان (محقق)

شیرازها در عقب پیروزی پنهان خود با ارزش هفته گذشته خود در برابر پرسپولیس، گرگان با روحیه بی‌مضمه، پتهران نبودند تا برای دومین بار بخت خود را در برابر پاس تهران آزمایش کنند.

پیروزی در خانه پاس تهران از جمله برای بازیکنان تیم شیراز کاری چندانی نماند و آنان نبود لیکن آنان بخوبی میدانستند که رسیدن بدان چندان هم غیر ممکن نیست خصوصاً آنکه هیچکدام از شیرازها هنوز خاطره تلخ دیدار رفت با این حریف کهنه-کار از یاد نبرده بودند، دیداری که چیزی نمانده بود از نایب قهرمان باشگاههای تهران، یک تیم مغلوب در شیراز بوجود آورد.

با توجه به این گذشته، از طرفی دیگر پاس هم این بار مصمم تر از پیش میدان شیراز می‌آمد چون دست کم میخواست شکست دو هفته پیش خود را در برابر پرسپولیس گرگان جبران نماید، و حیثیت از دست رفته خود را بازیابد.

با توجه به اینهمه حساسیت پیش بینی میشد این دو تیم دیدار جالب و پرهیجانی را در برابر یکدیگر برگزار کنند اما این تصور هرگز جامه عمل نپوشاند. زیرا پاسها با ارائه یک بازی خوب و محصل شده و با سود بردن از اشتباهات متعدد بازیکنان حریف، چنان ابتکار بازی را به دست گرفتند که تا لحظه پایان شیرازها هرگز نتوانستند، کفایت واقعی خود را بروز دهند.

شیرازها در جریان این دیدار بیش از همه از ناحیه عباس حیدری آسیب دیدند زیرا او با استفاده از خصوصیات تکنیکی خوب خود و باسود بردن از اشتباهات بازیکنان شیراز در کار دفاع، به تنهایی ۳۸ امتیاز (یعنی بیشتر از یک سوم مجموع امتیازات پاس) برای تیم خود بدست آورد.

حیدری در طول بازی موفق ترین مرد زمین حلقه شیراز بود بطوریکه مداخلت های شجاع الهیین دستگیر (مدافع مستقیم او) سیروس دهان و دیگر یاران شیرازی هرگز توانست مانع تلاش این بازیکن در نفوذ های پیررحله باشد.

حیدری در حلقه درخششی که در خط حمله تیم شیراز دفاع نیز برای تیمش بازیکنی خوب، کارساز بود و با «ریبانه» خوب توپهای فرارانی را از روی حلقه تیم خود خارج کرد.

بعد از حضور در خط حمله شیراز، سیروس دهان در طول این دیدار اگر چه فقط با امتیازهای تیمش به دست آورد اما در همپیمان عضو فوق العاده زنده، و کارساز بود. او در این بازی با ۲۲ ریباند موفقیت آمیز در حلقه خود و دیدار خوب در زمین حلقه شیراز یکی از موفق ترین بازیکنان تیم پاس بود.

موفقیت ابراج شیراز که با ۳۱ امتیاز و ۲ ریباند خوب در زیر دو حلقه بعنوان بهترین بازیکن این دیدار شناخته شد.

شیرازها در این بازی جمعاً ۷۰ بار از بیرون محوطه ۳ تانیه سید پاس را هدف قرار دادند که از این تعداد تنها ۱۸ پرتاب آنان موفقیت آمیز بود در حالیکه پاسها تنها ۳ پرتاب داشتند که دوازده پرتاب آن امتیاز آور بود، سیروس باغچه‌سرای و محمدعلی عسکری بازیکنان شیراز رویبهرفته ۲۷ پرتاب داشتند که دوازده پرتاب آنان به ثمر رسید. این دو بازیکن در واقع بیش از سایر بازیکنان شیراز توپ را به هدر دادند.

بازیکنان تیم شیراز بطور کلی در این دیدار با نوعی شتابزدگی و خود کم بینی بازی می‌کردند در حالیکه آنان از جهت قدرت بدنی، نفس و سرعت نسبت به بازیکنان تهرانی برتری نمی‌یابند.

مسأله دیگری که چشم خورد و قیلا نیز در دیدار تیمهای شهرستانی یا تهرانیها مشاهده شده بود ضعف قدرت تکنیکی شیراز بخصوص بهنگام دفاع بود که به سادگی تسلیم حریف میشد. این ضعف و



«نادر کاشانی» بازیکن سرشناس و ملی پوش پاس تهران بالاتر از شجاع الدین دستگیر (۵) توپ را روانه سید شیراز کرده است. سیروس دهان (سمت راست) و خسرو بیجاقیان (۸) چشم به صحنه دوخته‌اند

مطمناً در دوره‌های بعد تیم ما بهتر از این خواهد درخشید تیم ما احتیاج به تشویق و دلسوزی دارد چیزی که تا کنون کمتر در ورزش شیراز وجود داشته است. در حال حاضر عدیمی هستند که سعی دارند مانع صمیمیت و همبستگی بازیکنان ما شوند اما دوستی بچه ها واقعاً عمیق است و این مسائل نمیتواند باعث ایجاد تفرقه و جدایی میان آنان شود از این مسائل گذشته، بدون تعارف باید بگویم که تیم من و بطور کلی تمام تیمهای شهرستانی احتیاج به فراگیری بیشتر و دانستی‌های تازه تر دارند. این چیزی است که حتی تهران هم به آن نیاز دارد منتها کمتر از تیمهای شهرستانی علت این عقب ماندگی در حقیقت عدم آگاهی و کمبود اطلاعات فنی مربیان تیمهای بسکتبال ما میباشد که نمیتوانند بازیکنان خود را خوب تعلیم دهند و سطح تا تکنیک تیمهای خود را بالا ببرند و از اینرو بعقبه من بسیار بجاست که مقامات فدراسیون بسکتبال ایران با تشکیل کلاسهای آموزنده مربیگری زیر نظر مربیانی که واقعاً بتوانند بسکتبال مدرن را تدریس کنند، گامی اساسی و سازنده در راه پیشرفت بسکتبال بردارند تا از این رهگذر حداقل شهرستانها بتوانند با شرایطی دلپذیرتر در مسابقات بدرخشند.



نوعی میبایستند دوب آهن را از سبب یک پیروزی حساس محروم سازند اما همچنانکه دیدیم این تیم به لطف تعصب و همت بلند بازیکنان بر تحرک و فداکار خود موفق شد بر حریف برقدتر و نیرومندتر چون راه آهن مشهد پیروز شود و راه خوشی را برای صعود به مرحله دوم هموار سازد.

تیم راه آهن مشهد در غیاب مهره های بزرگ خود با احتیاط و نوعی وحشت قدم به میدان نبرد با دوب آهن گذاشت در حالیکه اصفهانیها هوشیار و از شکست و ناامنی هایی که در دیدار گذشته مقابل راه آهن مشهد و پرسپولیس تهران متحمل شده بودند مصمم تر نبودند.

از آغاز مسابقه برتری با اصفهانیها بود زیرا دوربیناب متوالی و امتیاز آور جمالزاده با راهوازی دوب آهن، تیم میزبان را صاحب چهار امتیاز کرد می آنکه راه آهن مشهد به امتیازی دست یابد.

اصفهان این برتری را همچنان حفظ کرد و در سایه تشویق های روحیه ساز وی دروغ تماشاگران طرفدار خود، حریف را چنان غافلگیر کردند که در دقیقه یازدهم نتیجه ۲۴ بر ۱۰ به سود اصفهانیها شد و این چیزی بود که پیش بینی آن حتی برای خوش بین ترین تماشاگر اصفهانی متصور نبود.

در این گرو در جواد شاکری، علیرضا زهی و مسعود شفا از تیم راه آهن بیش از سایرین می نوشتند که تیم خود را از زیر بار یک شکست بزرگ نجات دهند اما با همه تلاش و جنگ و گریزهای آنان و دیگر یاران راه آهن نتیجه نیمه اول با حساب ۴۲ بر ۳۳ به سود تیم میزبان پایان یافت.

در وقت دوم اصفهانیها به لطف کار گروهی خوب و پرتاب های خوب هاشمی زاده، به نژاد و امید حریف را همچنان در زیر فشار حملات خود قرار دادند و ضمن یک بازگویی فشرده امکان هرگونه نفوذ و درخششی را از تیم مقابل سلب کردند تا آنکه با بیرون رفتن جواد شاکری بازیکن کارساز راه آهن از بازی، تیم میهمان تکیه بر فوکش کرد و این فرصتی بود مطلوب از برای بازیکنان دوب آهن که به لطف قدرت بدنی و تجربه خود موفق شدند نتیجه را ۴۴ بر ۴۷ به سود خود پایان دهند.

در این دیدار نصرالله امیدی، خسرو عباس زاده و امیر جمالزاده از دوب آهن و علیرضا زهی، مسعود شفا و جواد شاکری از راه آهن بهترین بازیکنان میدان بودند.

دوب آهن با این پیروزی اینکه به صعود خود به مرحله دوم سخت امیدوار شده است. این تیم که در دیدار رفت (۴۴-۷۱) از راه آهن شکست خورده بود با پیروزی ۴۹ بر ۴۴ از راه آهن پیش افتاده است و می رود تا در آخرین بازی، بخت خود را در برابر پرسپولیس تهران بیازماید.

### سند جیها شکست تبریز و اتلافی کردند

سندج سان ورزشی کوشش کرد تا سنج سندج ۷۷ ماشین سازی تبریز ۵۳ (نیمه اول ۲۷ بر ۱۹ به سود سندج) بردار و هاشم مصباحی - داوومهدی بگری جمعیت بیش از دو هزار نفر

بازی منبوع و بر تحرک داد و بازیکنانها به لطف ارائه یک بازی خوب و برتر نیمه نخست را ۴۳ بر ۴۴ به سود خود پایان دادند.

در این نیمه جعفر قهره خانی بهترین و امتیاز آورترین بازیکن زمین بود و به تنهایی ۲۳ امتیاز برای تیمش بدست آورد.

در نیمه دوم نیز «هما» همچنان برتر مینمود و کاملاً مشخص بود که کرمانشاه خود را مغلوب پیش هنگام میدانند. این حالت زمانی کاملاً آشکار شد که تیم میهمان مهره های جوان خود را میدان فرستاده بود که در این هنگام بازیکنان با تجربه هم نیز بازی را به جوانترها واگذار کردند و این بازیکنان جوان دو تیم بودند که تا پایان بازی در برابر یکدیگر زور آزمایی کردند.

پاس کرمانشاه اگر چه در این دیدار با نتیجه ۵۵ بر ۴۹ مغلوب شد ولی همچنان به صعود خود امیدوار است. زیرا تنها یک دیدار باقیمانده باشماز اهواز دارد که در دیدار رفت ۵۹ بر ۷۱ از کرمانشاه شکست خورده است.

دیدار هما با پاس کرمانشاه برای ناصر بیگری بازیکن با ارزش و برجسته هما بمنزله دیدار خدا حافظی با تیم خود بود زیرا او هفته آینده به خدمت سربازی می رود و دیگر نمیتواند با پیران باشگاه هما در مسابقات ظاهر شود.

### دوب آهن به این پیروزی نیاز داشت

اصفهان، تالار سربوشه ۲۵ شهریور: دوب آهن ۷۶ راه آهن مشهد ۴۴. وقت اول ۴۴-۴۲ به سود دوب آهن سرداور حسن ذوالفقاری. داور ماشاءاله جمالزانی، تماشاگر بیش از ۱۵۰۰ تن

دوب آهن: احمد به نژاد، احمد طباطبائی امیر جمالزاده، خسرو عباس زاده، محسن هاشمی زاده، جمشید نکویی، حمید نوروزی، نورالله امیدی (مربی: جلال امجد)

راه آهن مشهد: احمد بغمائی پور، مسعود شفا، بهروز لرامی، ناصر اولیاء زاده، جواد شاکری، محمود پدرامی، جلال احمدیان، علیرضا زهی (مربی: خلیل ظهوری، تازی)

دوب آهن برای کسب این پیروزی تدریجاً فراوان دیده بوده و الحق که بعد از مدتی طولانی به یک پیروزی سزاوارانه دست یافت.

در این دیدار تمام بازیکنان دوب آهن بر تلاش هوشیار و خوش فکر بازی کردند، ویژه عباس زاده، جمالزاده و نصرالله امیدی که بیش از حد تصور درخشیدند.

تیم راه آهن مشهد که در غیاب محمد منتظری، محمود الهیاری و داریوش راجی تا میدان دوب آهن اصفهان آمده بود دور از شیوه و قدرت استقامتی همیشگی خود بازی می کرد و کاملاً محسوس بود که از غیبت محمد منتظری سانس تر برتر و خوب خود رنج میبرد.

دوب آهن هم در این دیدار گرفتاریهایی داشت، غیبت ناگهانی اکبر رجایی زاده، آسیب دیدگی حبیب اله امیدی و جمشید نکویی و بالاخره تاخیر احمد طباطبائی از حمله عوامل بودند که هر کدام

### ناصر بیگری با هما خدا حافظی کرد کرمانشاه با زهم مغلوب هماسد

تالار محمد رضا شاه: هما تهران ۸۹ پاس کرمانشاه ۵۵. نیمه اول ۴۴ بر ۴۳ به سود هما. سرداور: فخرالدین حمزه علیپور، داور: حسین درخشانی. جمعیت نزدیک به یک هزار تن.

هما تهران: ناصر بیگری، محمد لاجوردی، شاهرخ خرمشاهی، علی بار احمدی، بهرام امینی زاده، فرهاد لنگرانی، احمد یگی، جعفر قهره خانی، فریدون انتظاری، محسن علی خانی، (مربی: لاوردی)

پاس کرمانشاه: شاهرخ درویشی، حسین عصری، کیومرث مندی، مهدی آجیل چی، شاپور درویشی، اصغر فوایدی، کسیر فوایدی، اسان الله امینی، حسن صامت، علی احمدیان، فرهاد هزیر، حسین معتمدی، (مربی: اصغر عصری)

بهمانگونه که انتظار می رفت - پاس کرمانشاه هرگز نتوانست در برابر تیم هما از تهران امکان خودنمایی و درخشش پیدا کند.

کرمانشاه در غیاب شاپور درویشی بازیکن برجسته و برتر خود به دیدار هما آمده بود در حالیکه هما نیز کامیاب قایمان بازیکن تازه داماد خود را در خدمت نداشت. هما در آغاز بازی با وجودیکه نسبت به

حریف برتر مینمود، لیکن فروغ گذشته را نداشت و یاران این تیم صرفنظر از جعفر قهره خانی و تا حدودی شاهرخ خرمشاهی غالباً کم تلاش و پراشتباه بازی میکردند اما رفته رفته این حالت جای خورا به یک



کرمانشاهی ها در تهران هر چه داشتند رو کردند اما برتری تیم هما محسوس بود و برای مقابله با این وضع تیم کرمانشاهی دچار زحمت بود. در عکس ناصر بیگری از هما زیر پای سه کرمانشاهی هزیر، صامت و فوایدی افتاده ولی قهره خانی آن بالا به توپ چنگ می اندازد

احمد به نژاد گارد مطمئن و خوب دوب آهن با پرشی بلند و موفقیت آمیز توپ را از بالای دست مسعود شفا بازیکن راه آهن مشهد دور میسازد.

نتیجه این دیدار ۷۶ بر ۴۴ به سود تیم دوب آهن پایان یافت در حالیکه این تیم در بازی رفت ۴۴ بر ۷۱ مغلوب راه آهن مشهد شده بود.

تاج سندج: عارف مردوخ (۱۳)، مسعود مردوخ (۱۰)، پرویز امانتی (۷)، خسرو شافی (۱۲)، عطاءاله سید ابراهیمی (۱۵)، ساعدولیدی (۵)، حسن جهان بخشیان (۶)، واحدولیدی (۴)، عابد مردوخ (۹)، مهدی حاج رسولی (۱۴)، حکمت لاهورپور (۱۱)، بهروز رحمانی (۸) مربی: محمود مردوخ، بقیه در صفحه ۴۴

تاج سندج که در دیدار رفت ۶۹ بر ۷۷ از ماشین سازی تبریز شکست خورده بود در دیدار برگشت طی یک بازی جالب ۵۷ بر ۵۳ به پیروزی رسید. در عکس دوستدگی را می بینید که زیر حلقه ماشین سازی سعی دارند توپ را با ضربه والیبالی داخل سبد کنند. مسعود فوت (۷)، سزیکه مختارزاد (۱۳)، رویک گرجیان (۱۲)، بازیکنان ماشین سازی هستند که سرگرم دفاع در مقابل حریفان سندجی میباشند.



# در بازار نقل و انتقالات:

## سلیمانی همچنان پادر هوست!

### عادلخانی پیشنهاد مربی گری جوانان تاج وارد کرد

با تصمیم گیری امروز (شنبه ۳ دیماه) در کنگره جام تخت جمشید، جریان نقل و انتقالات بازیکنان در جام چهارم وضعی مشخص تر خواهد یافت و حتی در صورت تصویب پیشنهاد کمیته برگزار کننده مسابقات، دیگر نه باشگاه صاحب بازیکن متضرر خواهد شد و نه بازیکن هر لحظه اقدام به تغییر لباس خواهد کرد.

\* مسئولان باشگاه تاج در آخرین گفتگوی خود با خبرنگار ما گفتند: قرارداد عادلخانی با باشگاه تاج تمام شده و او آزاد است. ما به او پیشنهاد کرده ایم چون تیم تاج در اندیشه جوانگرایی است تیم تاج حاضر است همچون علی جباری برای او یک بازی خدا حافظی ترتیب دهد که درآمدش نصیب او گردد و حقوق فعلیش را نیز به مدت دو سال دریافت دارد تنها به این شرط که عنوان مربی جوانان تاج، ما را همراهی کند.

عادلخانی در جواب می گوید: «من جوان هستم و تازه ۲۸ سال دارم و می خواهم بطور مثبت همچنان روی پا بایستم. به همین سبب اگر تاج با من قرارداد امضاء نکند راهی تیم دیگری نخواهم شد.»

زمانزاده و نراقی هم هر دو با باشگاه تاج قرارداد دارند و تیم تاج به این سادگی دست از این دونخواهد کشید.

ایمان بطور قطع امیر هوشنگ زرین کمر را به همراه خواهند داشت به اضافه شکار تازه اشان مصطفی سلمی که اخیراً با ۳ هزار تومان پیش دریافت و ماهانه ۱۰۰۰۰ ریال راهی تاج شده است. در این جریان هاج تاج با دو تن دیگر یعنی ملک احمدی دروازه بان تراکتور سازی و جهانگیر کورتی بازیکن راه آهن وارد گفتگو شده است.

\* تیم سپاهان اصفهان که هنوز در میان راه تصاحب محسن یوسفی و احمد سنجری بازیکنان تیم دارایی تهران می باشد و اروژان شیروانیان کوش چپ جوانان اصفهان و تیم زاینده رود را تصاحب کرده و سا زادرو استنسانان گوش راست و واهان میناسیان دفاع میانی تیم آراوات اصفهان به توافق هایی دست یافته است.

آخرین حرف های سپاهان مذاکره هایی است که عباس موسیوند مهاجم میانی جوانان تهران و محمود نورگوش چپ تیم برق به عمل آورده و وعده های فراوانی به آن ها داده است.

\* افشین پور دروازه بان تیم برق هم به علت شروع خدمت نظام وظیفه راهی تهران شده و یحیی تیم هم درآمده است. در عوض برق شیراز با یعقوب فرسیات دروازه بان جوانان خوزستان و مکنونی دفاع تیم جوانان خرمسهر وارد مذاکره شده و مدتی است که این بازیکن در تمرینات تیم برق حضور دارند. در حالیکه توتونچی هم در راه شیراز است.



ایرج سلمانی: هیچگاه مادیات برایم مطرح نبوده است.

\* ملوان ها احتمال از دست دادن یک مدافع را پیش رو دارند و آن هم کسی جز مجید جانی نخواهد بود.

\* تیم نیرو پس از به خدمت گرفتن ظاهر موسوی ، مسعود دهداری و فلاح زاده هجا کنون در راه شکار نظریعی نور، حافظی، غلامعباس شریفی ، اسماعیل کشکمار، علی نکویی و عباس موسیوند به موقت - های دست یافته است.

#### مادیات مطرح نیست

ایرج سلمانی هافبک اسبق تیم شهناز اهوازو بازیکن کنونی تیم پرسپولیس تهران در یک گفتگوی تلفنی درباره ییوستن خود به تیم شهناز تهران گفت: «من یک شاهی هستم و هستم و همواره نیز شاهی باقی خواهم ماند و در راه ییوستن به تیم شهناز نیز هیچگونه اختلافی با تیم پرسپولیس ندارم. از وقتی به تیم پرسپولیس پیوستم به شهادت صفحات ورزشی تمام روزنامه ها در گفتگو با خبرنگاران شماره شده ام من یک شاهی هستم و یک شاهی باقی خواهم بود و حالا نه ، من بیبته شامین ، بانام شهناز مجدداً فعالیت خود را از سر گرفته ام است ذلم آرام نمی گردم همچنان از ناشناخته اص. دور بمانم و حالا هم که میخواهم به شهناز بروم ، این تغییر باشگاه با تعیری میبواجده شده در حالیکه به خدا قسم برای من هیچگاه مادیات مطرح نبوده است و نه خواهد بود زیرا اگر برای من مادیات مطرح بود همان روزی - که به پرسپولیس آمدم تنها ۳۰۰۰۰ ریال گرفتم - در حالیکه باشگاهی بود که در همان موقع رقم ۵۰۰۰۰۰ ریال را به من پیشنهاد کرد و یا اگر من به مادیات توجه داشتم ، چه جایی بهتر از پرسپولیس می بود که در حال حاضر مرا به استخدام بولینگ هم در آورده و سالیانه با جمع حقوق فونینام مبلغ ۶۰۰۰۰۰ تومان به من میدهد در حالیکه مبلغ شهناز خیلی کمتر از این است. پس من شهناز را دوست دارم و حتی اگر در این تیم بازی هم نکنم همواره در کنارش خواهم بود .



والاحضرت شایه پهلوی جایزه کیوریت طلوعی قهرمان رشته فلوره را اهدا می فرماید. در عکس سرهنگ هوشمند الماسی رئیس فدراسیون شمشیر بازی (راست) و دکتر معتمدی رئیس و دکتر نواب معاون امور دانشجویی دانشگاه اصفهان حضور دارند.

باشاپور از تهران، حسین نیکام از تهران، هوشنگ بجرانی از تهران و بهروز شفیعی از اصفهان به ترتیب اول تا ششم شدند.

اصفهان شمشیرش نیز تریست

ژیلا الماسی شمشیرزن تهرانی با آمادگی کامل در این مسابقه ها شرکت داشت. او پس از ۵ پیروزی پی در پی در دیدارهایی و برابر حریفانی چون مریم آچاک از اصفهان و گیتی میحان از تهران به عنوان قهرمانی رسید و مریم آچاک شمشیرباز اصفهانی با این شکست در مکان دوم قرار گرفت.

گیتی میحان شمشیرباز پرسابقه ایران در این دوره از مسابقه ها تا مکان سوم تزلزل یافته و در عوض فرانک الماسی ، خواهر کوچکتر ژیل الماسی - که از امتیاز چپ دستی بهره می برد درخششی فوق العاده داشت.

در این رشته فرانک الماسی ، زهرا رسولی و شکوفه شاهرخی از تهران به ترتیب چهارم تا ششم شدند.

#### طلوع دوباره طلوعی

مراسم اختتام این مسابقه ها در حضور والاحضرت شایه پهلوی غلامرضا پهلوی ریاست عالی کمیته ملی المپیک ایران ، تیمسار سپهبد حجت کاشانی معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی و جمعی از مقامات دولتی و دانشگاهی اصفهان در تالار سردآویج انجام گرفت . قبل از آغاز مسابقه های نهایی فلوره آقایان سرهنگ هوشمند الماسی رئیس فدراسیون شمشیربازی ایران در باره انجام این مسابقه ها و مشکلات کار شمشیربازی گزارشی به عرض رساند و آنگاه دیدارهای نهایی فلوره آقایان آغاز شد . در این رشته ۲۹ تن رقابت کردند و در پایان کیوریت طلوعی از اصفهان و بهزاد زرنگار از اصفهان با بازی های خوبی که (راست) دادند هر یک با ۴ پیروزی و یک شکست مساوی شدند و برای تعیین نتیجه نهایی یکبار دیگر برابر هم قرار گرفتند . در این مسابقه طلوعی ۵ برضرفه پیروزی رسید و قهرمان شد و در این او بهزاد زرنگار ، اسماعیل باشاپور ، بهزاد ذوالفقاری ، بیژن سرهنگ پور و احمد اسکندریور به ترتیب اول تا ششم شدند.

### شمشیر بازی جام والاحضرت شایه پهلوی میدان تجلی جوانان بود

اصفهان تالار مردآویج - مسابقه های شمشیر بازی جام والاحضرت شایه پهلوی غلامرضا پهلوی در اصفهان ، با پیروزی ژیل الماسی ، کیوریت طلوعی ، حمید فحی و بهزاد ذوالفقاری در رشته های انفرادی فلوره ، ایه و سایر خاتمه یافت.

در این دوره از مسابقه ها ، ۶ شمشیرزن از استان های تهران ، اصفهان ، کرمانشاهان و خراسان با هم رقابت کردند و در این میان از تیم های آذربایجان غربی و فارس خبری نبود و تیم صاحب نام خوزستان هم تنها یک شمشیرزن را به اصفهان اعزام کرده بود.

#### تجلی جوانان

در این مسابقه ها آنچه بیش از هر مسئله بی چشمگیر بود بازی های خوب شمشیربازان جوان تیم ها بود. کیوریت طلوعی ، بهزاد زرنگار ، بیژن سرهنگ پور ، اسماعیل باشاپور ، حسین نیکام ، بهزاد ذوالفقاری و کیهان صادقی گوران از جمع پسران و ژیل الماسی ، فرانک الماسی ، حورا صردزاده شهن حاصلی و زهرا رسولی از گروه دختران نشانه های نیکو برای آیند شمشیربازی بست دادند.

#### ذوالفقاری قهرمان شد

مسابقه های شمشیر بازی جام شایه پهلوی غلامرضا پهلوی از یاداد دوشنبه گذشته در تالار زیبای مردآویج دانشگاه اصفهان با شرکت ۲۰ شمشیرباز رشته ایه آغاز شد . در این رشته در غیاب پیروز آدمیت اصغر باشاپور و اسفندیار زرنگار جوان ها با قدرتی درخور توجه تجلی کردند و حتی در پیروزیهای خود یک بزرگ ملی پوش ایران ، احمد سزینک آسادیوریان را وادار به قبول شکست نمودند .

در پایان مسابقه های ایه بهزاد ذوالفقاری از تهران ، بیژن سرهنگ پور از اصفهان ، سزینک آسادیوریان از تهران ، بهزاد زرنگار از تهران ، کیوریت طلوعی از اصفهان و کیهان صادقی گوران از کرمانشاهان به ترتیب اول تا ششم شدند . در رشته سایر ۸ تن مبارزه کردند - که از این جمع بازی های اسماعیل باشاپور ، حسین نیکام و هوشنگ بجرانی جالب و دیدنی بود. در این رشته حمید فحی از تهران احمد اسکندریور از تهران ، اسماعیل



# ۲۱ سؤال ۳ از مسکو

بقیه از شماره پیش

اگر ناسزدی شهر شما برای برگزاری بازیهای ۱۹۸۰ تصویب شود آیا تضمین می کنید که بازیها را بر طبق مقررات المپیک تشکیل دهید؟

ج. شهر مسکو و کمیته المپیک اتحاد جماهیر شوروی برگزاری بازیهای ۱۹۸۰ را بر طبق مقررات و اصول جاریه المپیک تضمین میکنند.

ناسزدی شهر مسکو برای برگزاری المپیک ۱۹۸۰ برای تمام مردم شوروی و بخصوص برای اهالی مسکو امریست که داوطلبانه با حرارت زیاد و آغوش باز آنرا پذیرفته اند. بیشترین انگیزه اشتیاق این انبوه بزرگ از مردمان این جهان اینست که سواد و مقرراتی که شخصیت و موجودیت نهضت المپیک را میسازد همه آرمانهای صلح و دوستی و بازکردن راه هموار برای نشان دادن لیاقت ها و ارزشهای انسانی در سایه برابری و برادری میان تمام افراد روی زمین است و این نهضت المپیک است که قلوب و افکار آنها را بهم نزدیکتر میکند.

رفیق کاسکین نخست وزیر و ریور صدر شورای وزیران شوروی در پیام دوستانه ای که برای کمیته بین المللی المپیک، برای کمیته تشکیلاتی و برای شرکت کنندگان در بازیهای المپیک فرستاده اشاره کرده است: «بازیهای المپیک انگیزه بی قیودست برای توسعهٔ آموزش و ورزش و وسیله بسیار مهمی است که میان ورزشکاران همه قاره ها تماس و بساطت ایجاد میکند.

«حکومت شوروی نهضت ورزش را با تمام قدرت تشویق و تشجیع میکند زیرا این مکتبی است که بطرز هم آهنگ بروش میدهد، عرش را دراز میکند، تنش و فکرش را سالم میدارد و باو قدرت یک تلاش خلاقه می بخشد.»

هدف ما اینست که با بکار گرفتن تمام امکانات خود و با بی گیری بدین معنی از هر اقدامی که لازمست، زمینه بی فراهم آوریم که ورزش با ریشه بی فنا پذیر در زندگی روزانه هر فرد شوروی جای خود را باز کند.

اندیشمندان و مسئولان این امر از دیرباز مأموریت داشته اند که با بی گیری وقفه ناپذیر، این تلاش عظیم ملی و اجتماعی را دنبال کنند و راجل مسائل آن را بیابند.

حکومت شوروی با الهام از اصولی که باید گذاران انقلاب اکثریت وضع کرده اند و با پیروی صمیمانه از سیاست همزیستی مساومت آمیز در زمینه روابط بین المللی، همواره از قدرتهای اجتماعی و نهضت هایی که به ایجاد حسن تفاهم میان ملل مختلف و برقراری صلح کمک میکنند، قویا پشتیبانی کرده است و چون در بطن نهضت المپیک

نیز همین هدف های عالی نهفته است، با کمال علاقه از آن حمایت میکند.»

آیا اظهارات نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی و هدفهای ملت و حکومت شوروی نویدبخش آن نیست که برگزاری بیست و دومین دوره بازیهای المپیک در مسکو بسیار موفقیت آمیز خواهد بود و آیا تضمین نمیکند که ما مطیع و مجری مقررات سنتی نهضت المپیک خواهیم بود؟

در تاریخ ورزش ما به آسانی میتوان نمونه هایی از شخصیت و ابراز وجود ورزشکاران ما در سالهای اخیر یافت و آنچه بیش از مقامات و مدالهای آنها ارزش دارد، تشریک ساعی است که همواره برای پیشرفت آرمانهای نهضت المپیک ابراز داشته اند و احترامی است که همیشه به سنت های المپیک نهاده اند.

سازمانهای ورزشی شوروی که طی سال های اخیر با سازمانهای بین المللی ورزش و با کمیته بین المللی المپیک همکاری فعالانه داشته اند، آنچنان در کار خود لیاقت و ارزش نشان داده اند که مورد تأیید همه کسانی است که بنحوی نمرة آن فعالیت ها را دیده اند.

کمیته ملی المپیک شوروی در زمینه پیشبرد آرمانهای المپیک چنان فعال و خستگی ناپذیر بوده است که کمیته بین المللی المپیک بعنوان قدردانی جام مخصوصی به آن اهداء کرده است.

همچنین لازم میدانیم این نکته را یادآور شویم که همراه ورزش شوروی از دیر باز سنت های کهنی وجود داشته و دارد که پیوندهای محکم کنونی ما با ورزش بین المللی را باعث شده است. اگر تاریخ حرکت و نهضت المپیک را طریقی طولانی برای حمایت و اشاعه آرمانهای ترقیخواهانه بدانیم، باید سرفرازانه ادعا کنیم که از بیست سال پیش به انطرف

کمیته ملی المپیک شوروی از تمام ابتکارات و تلاشهای خلاقه کمیته بین المللی المپیک در این راه صمیمانه پشتیبانی کرده است.

آیا همه اینها انگیزه های محکمی نیست که مسکو خود را برای برگزاری بازیهای المپیک ۱۹۸۰ صاحب حق بداند؟ پاسخی که ما به آن میدهم تأییدی برخواست صمیمانه مسکو است. ما یقین داریم که مردم خونگرم و پرتلاش مسکو خواهند توانست عظیم ترین بازیهای المپیک قرن را با کمال شایستگی در شهر خود برپا دارند.

شخصیت های متعدد بین المللی ورزشی که تا کنون به مسکو آمده اند، ظرفیت، مهارت و لیاقت مسکوئی ها را برای برگزاری دیدارهای بزرگ بین المللی در سطح المپیک، بارها تأیید کرده اند. آنها که رویدادها را از طریق وسائل

یکی از مهمترین قسمت هایی که باید مورد توجه داوطلبان برگزاری بازیهای المپیک باشد، ایجاد هتل هائست که بتواند اولامیل جهانگردان و علاقه مندان به تماشای بازیهای المپیک را در خود جای دهد و ثانیا از هر نظر جوابگوی انتظارات و توقعات امروزی ها از یک هتل باشد و در شهرهایی که در حال عادی اطاق خالی در هتل هایش پیدا نمیشود برگزاری بازیهای باحجم المپیک مسئله بسیار دشوار و پیچیده بی است. مسکو با ایجاد چند هتل به نامهای «روسیا»، «ناسیونال»، «مینسک» و «پلگراد» تا اندازه ای به این هدف نزدیک شده و چند هتل دیگر هم تا سال ۱۹۸۰ آماده میکند. این عکس از هتل تازه تأسیس یافته روسیا است که دارای هفتصد اطاق و ۱۴۰ تخت است.

های المپیک بازی کرده اند با این جمله یاد میکند: «از چندین سال پیش هرگونه گسترش که در ورزش شوروی پیدا شده با هدفها، خواست ها و اصول نهضت المپیک همراه و همگام بوده است.» «سوزی تا که ده ژاپنی عضو کمیته اجراییه. ک. ب. این عین عقیده ویلی لاه را دارد. سیلویو ماگالاس پادیلایو عضو کمیته بین المللی اظهار داشت: «اتحاد جماهیر شوروی با شرکت در نهضت المپیک، باعث استحکام بیشتر میانی این نهضت شده و شخصیت خود را نیز بی بالا برده است. گرچه این نظریات، اظهار عقیده فردی شخصیت های بزرگ ورزش جهانست ولی یک نکته مسلم را میتوان از آن نتیجه گرفت و آن اینست که مسکو شایسته برگزاری بازیهای المپیک ۱۹۸۰ هست و اگر این افتخار به پایتخت شوروی داده شود، پیروزی کامل بیست و دومین دوره بازیها از هر نظر تضمین شده است.

ارتباط گروهی تعقیب می کنند، یقینا با اعجاب دریافته اند که عموم کارشناسان بزرگ ورزش جهان — که ذکر ارزش و اهمیت مقامشان در ورزش احتیاجی به بازگو ندارد. — از ناسزدی مسکو برای برگزاری بیست و دومین دوره بازیهای المپیک منتهای اطمینان و خوشحالی خود را ابراز داشته اند و این در واقع رأی اعتماد جهان

ورزش به مسکو است و عقیده جهان ورزشی را نسبت به پایتخت شوروی مینماید. در این میان نظر قاطع شیوخ کمیته بین المللی المپیک دایر بر اینکه بازیهای مسکو چه از نظر روح نهضت المپیک و چه از لحاظ مقررات سنتی موفق خواهد بود، بسیار پر معنی است. مثلا آقای «ویلی لاه» رئیس کمیته تشکیلاتی بازیهای المپیک مونیخ و نائب رئیس فعلی کمیته بین المللی المپیک از نقشی که نمایندگان ورزشی شوروی در پیشرفت ورزش و پیشبرد آرمان-

# مردم نباید تاوان رقابت باشگاهها را بپردازند

در صورت تصویب یک ماده تازه، از دوره آینده جام تخت جمشید

## اختیار خرید و فروش بازیکنان با باشگاهها خواهد بود

جام تخت جمشید امروز چهارمین کنگره خود را در مرکز مطبوعات مجموعه ورزشی آزادی برگزار کرد. در این کنگره، جام تخت جمشید و گردانندگان آن در شرایطی به پیشنهاد چهارمین دوره این جام میروند که رقم درآمدهای دوره سوم و رقم پول های مطرح شده در نقل و انتقال ها کم کم این رزمیه را شایع کرده است که: «باید منتظر و شکست شدن تیم ها در دوره دوره آینده باشیم»

در کنگره امروز نمایندگان تیم های شرکت کننده و آنهايي که با حق رأی در جلسه حاضر میشوند به بررسی آینده جام خواهند نشست. آنچه در این نشست از پیش برای بررسی آماده شده است، افزودن دو ماده و اصلاح ده ماده دیگر به صورت افزودن یا کاستن تبصره هاست. این تغییرات بیشتر بر اساس تصمیم هایی است که هيات رزميه فدراسيون فوتبال و کمیته برگزار کننده جام تخت جمشید طرح ریخته است.

در میان این تغییرات آنچه انتظار می رود بیشتر از دیگر موارد مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد، اصلاحیه ای است که برای ماده ۹ و ۲ آئین نامه مسابقه های جام تخت جمشید در نظر گرفته شده است. این ماده در آئین نامه گذشته می گوید: «بازیکنی که مدت موافقت نامه اش منقضی شده است بازیکن آزاد شناخته شده و با هر باشگاهی که مایل باشد میتواند موافقت نامه جدید تنظیم و مبادله نماید». کنگره امروز اصلاح این ماده را به این صورت مطرح می کند: «بازیکنی که مدت موافقت نامه اش منقضی شده است آزاد شناخته میشود»

**تبصره - باشگاه جدیدی که با این گونه بازیکنان موافقت نامه تنظیم می کند موظف است به میزان ۱۲ ماه از آخرین حقوقی که بازیکن دریافت میدهاشته به باشگاه سابق او پرداخت نماید.**

در اینکه فلسفه تعیین این رقم ۱۲ ماه چیست، امروز بحث خواهد شد. اما با نگاه اول می توان چنین تفسیر کرد که با این «اصلاح»، آماتور بیسی که از یکی دو سال پیش به این طرف فقط نامی از آن ساند است بیشتر از پیش راه حرفه ای شدن را در پیش می گیرد و این سوال مطرح میشود که: «چرا بازیکنی که آزاد شناخته شده است و آماتور بیس امکان شرکت در هر تیمی را به او داده است از جانب باشگاه دیگری که او را به خدمت می گیرد، باید بازیکنی وابسته شناخته شده و بابت آن پولی پرداخت کند؟

در این زمینه ماده دیگری تحت شماره ۳۲ پیشنهاد شده است به این صورت که: در صورتیکه باشگاه نام بازیکن را در لیست بازیکنان خود قید ننماید موافقت نامه تنظیمی لغو شده تلقی میگردد و در صورت اعتراض بازیکن، باشگاه بابت تنظیم موافقت نامه با این بازیکن حقی نخواهد داشت و موظف است حقوق بازیکن را تا پایان مدت موافقت نامه بپردازد.

مسورد دیگری که در پیشنهادها مطرح میشود و اثر مهمی در ترکیب جام تخت جمشید خواهد داشت تغییراتی است که در ماده دوم (در صورت تصویب) موجود می آورد. در ماده دوم آئین نامه گذشته ذکر شده است که:

مسابقه های فوتبال قهرمانی دسته اول باشگاههای کشور بین ۱۶ تیم از تهران و شهرستانها به صورت دوره ای (رفت و برگشت) برگزار می گردد. تبصره ۱ - شانزده تیم شرکت کننده در مسابقه های فوتبال قهرمانی دسته اول باشگاهها عبارتند از ۸ تیم از تهران و ۸ تیم از شهرستانها

تبصره ۲ - هیچیک از شهرستانها نمیتوانند بیش از دو تیم در مسابقه های دسته اول قهرمانی باشگاههای ایران شرکت دهند.

تبصره ۳ - تعداد تیمهای شرکت کننده در مسابقه های دسته اول باشگاههای ایران به ترتیب ذکر شده در تبصره یک تا هفتم دوره ششم مسابقه ها به هیچ شکل تغییر نخواهد کرد.

تغییری که در این ماده امروز پیشنهاد خواهد شد به این صورت مطرح میشود: باشگاههایی از شهرستانها اجازه دارند در مسابقه های فوتبال باشگاههای ایران (دسته اول و دوم) شرکت کنند که شهرستان مربوطه دارای شرایطی به شرح ذیل باشد:

۱ - داشتن جمعیت شهری به میزان مناسب. ۲ - داشتن ورزشگاه به ظرفیت حداقل ده هزار نفر. ۳ - داشتن ارتباط هوایی با زمینی مناسب. ۴ - حداقل در مسابقه های جام والا حضرت همایون ولایتعهد آن شهرستان ۵. تیم شرکت کرده باشد.

در این زمینه ماده دیگری تحت شماره ۳۲ پیشنهاد شده است به این صورت که: در صورتیکه باشگاه نام بازیکن را در لیست بازیکنان خود قید ننماید موافقت نامه تنظیمی لغو شده تلقی میگردد و در صورت اعتراض بازیکن، باشگاه بابت تنظیم موافقت نامه با این بازیکن حقی نخواهد داشت و موظف است حقوق بازیکن را تا پایان مدت موافقت نامه بپردازد.

به حرحال اینها مسابلی است که می تواند مورد بحث قرار گیرد به شرطی که شرکت کنندگان و صاحب رأی های جلسه همچون سال گذشته خاموش و بی تفاوت نباشند و برای مورد غضب قرار نگرفتن فقط به تکان دادن سر بپردازند.

**در کنار این پیشنهاد، فدراسیون موارد دیگری را هم پیش بینی کرده است که تصویب آنها را باید از پیش حتی بدانیم زیرا تکرار ترجیح بند «امکانات» است که فدراسیون از آغاز جام تخت جمشید همیشه آن را رزمیه کرده است و باشگاهها هم همیشه سعی در تأمین آنها داشته اند.**

فدراسیون در موارد پیشنهادی سبده نقدی تیم های شرکت کننده را در بند «پ» ماده چهار از ۵۰ هزار ریال به ۷۵ هزار ریال رسانده است که معلوم نیست افزایش ۲۵ هزار تومان چه نقشی را در موقعیت تیم ها با باشگاهها بازی خواهد کرد.

در کنار این پیشنهاد های فدراسیون، بطوریکه از گوشه و کنار شنیده میشود، باشگاهها هم امروز پیشنهاد هایی را هنگام برگزاری کنگره پیش خواهند کشید.

از جمله افزایش قیمت بلیت که در کنگره سال گذشته هم رزمیه هایی را در این مورد شنیدیم. اما اگر سال گذشته باشگاههای بزرگ رزمیه کنندگان این

موضوع بودند، اسام باشگاههایی که درآمد کمتری داشتند و در دخل و خرج خود با عدم سوازنه پرداخت ها مواجه شدند، ناراضی های اصلی قیمت بلیت هستند.

از جمله دارایی، که معتقد است اسام با وجود بانصدو خرده ای هزار تومان درآمد، بیش از ۲ هزار تومان ضرر کرده است. جلال طالبی مربی این تیم می گفت: «کیهان رزنی نوشته است قوانین موناکو «اله» شد و «بله» شد با تماشاکر، فوتبال بر گل می خواهد. در حالیکه تماشاکر نهانی ما در مسابقه ای که ما در آن شکست خوردیم کمتر از ۱۰ ریال برای تیم ما می پردازد و اگر پیروز شدیم از تماشاکری که ۵ تومان پول داده است حدود ۳ ریال به ما می رسد با این پول حتی یک سیر تخمه هم نمی توان خرید چه رسد به اینکه انتظار ارائه یک فوتبال بر گل داشته باشیم. با این درآمد که نمی توان سازندگی کرد. نمی توان برنامه ریزی دراز مدت کرد و در نتیجه نمی توان فوتبالی زیبا ارائه داد. با باید قیمت بلیت بالا برود

با دست کم تماشاکر تهرانی هم به همان نسبتی که تماشاکر شهرستانی برای یک بازی پول می دهد برای دوباره ای تهران باید دو برابر پول بپردازد. وگرنه هیچ تیمی هیچ کاری برای ارائه فوتبال خوب از دستش نخواهد آمد. چون فوتبال خوب برنامه ریزی خوب می خواهد. کیهان ورزشی می نویسد، تماشاکران جهان از فوتبال رو گردان شده اند چون فوتبال امروز روح لازم را ندارد. اگر تماشاکر اروپایی این را می خواهد به اندازه کافی پول بلیت پرداخته است و باید از باشگاهها بخواهد که لذتی متناسب با این پول، برگردانند. اما در ایران در شرایطی که بازیکن سطح متوسط بیش از ۵۰ هزار تومان پول می خواهد و حقوق ماهانه اش را بیشتر از ۲ هزار تومان طلب می کند، چگونه می توان با این قیمت بلیت دخل و خرج کرد؟ قیمت بلیت آن موقع که صحبت از پول های ۵۰ و ۱۰۰ هزار تومان نبود همین قدر بود که در شرایط حاضر هست. در جواب باشگاههایی که خواستار افزایش قیمت بلیت هستند یک سوال کرد.

**«چرا مردم باید تاوان رقابت باشگاهها را برای سود بیشتر بپردازند؟»** افزایش قیمت بازیکن و بالا رفتن حقوق ماهانه آنها دقیقاً نتیجه بازار عرس و فیه در صفحه ۶۶

# در جستجوی

# تیم ملی



در بیان روش برزیلی که به کوتاهی گراندم بسیاری از تدابیر جزئی را با زوکنگ نکرده ولی مجموعه این تدابیر جزئی و کلی و شکل سازمانی است که در محدودهای زمانی چهار ساله، زندگی تیم ملی را صاحب یک استراتژی تعیین شده و دانسته مسازد و این چیز است که ما نه در عصر اوفارل، بلکه در تمام اعصار گذشته نداشته ایم و با اگر هم داشته ایم روی علاقه فردی بوده و پیگیری آن ناخودآگاه صورت گرفته و جنبه سیستماتیک نداشته است.

## روش ها و نسل ها

در میان کشورهای غربی استراتژی فرانسوی بهترین است گرچه نتیجه کار دلایل دیگر تأسیف آورده است و در میان کشورهای شرقی تاریخ ملی آلمان شرقی بهترین می باشد و گرچه کار تیم ملی لهستان با استراتژی ضعیف تر صاحب نتایج بسیار بهتری شده است با این وجود نتایج بدو خوب نمی تواند چیزی از حقانیت اصل استراتژی بکاهد زیرا نتایج خوب از یک جهت معمول کیفیت نسلی است که پدیدار میشود. و در یک کشور همیشه تمام نسل ها درخشان و فوق العاده ای استثنائی نیستند. در فوتبال بزرگ ویی سرحدی نظیر برزیل بعد از نسل همبازیان «آدمیر» در سالهای ۵۰ به نسل همبازیهایی به نام در سالهای ۶۰ میرسیم و بعد از آن سکوت می یابیم. در فوتبال بی انتهایی نظیر انگلستان، بعد از نسل همبازیهایی بی ریختی و فنی و ماتیوس در سالهای ۸۰ به نسل همبازیهایی جایتون در سالهای ۹۰ میرسیم. و در فوتبال پرفروغی چون مجارستان بعد از همبازیهایی نسل پوشکاش بجز دیگر دست پیدا نمیکنیم و از این نمونه ها در تمام کشورها می توان یافت. فرانسه با نسل کوبا، ایتالیا با نسل مه آزا- فراری- مازولا، شوروی با نسل سالیسکوف، ورونین، بودانف، سوئد با نسل لیدهلم، نورد هال، کرن، چک اسلواکی با نسل پوپلوهاز، پلوسکال، شوژیاف، ماسویست، لهستان با نسل گورکون، ویی، گادوشا، لوبانسکی، اسپانیا با نسل سواره، گریسا، سه گارا، و دیگران و تنها می توان آلمان غربی را نوعی استثنا دانست چون نسل ها یکی پس از دیگری میسرند و فریضه و اثر تحویل اووه زیلر میدهد و این یکی تحویل بکن بائر و هنوز این تمام نکرده است که نسل جدیدی کار می آید که گرچه این استثنا حکم کلی را لغو نمیکنند ولی این نیز خود دلایلی دارد که خارج از این بحث است.

پس پیدایش نسل ها در پدید آمدن نتایج نقش اساسی دارد اما باید دانست که نتایج خارق العاده ای که در اثر پیدایش نسل های استثنائی پدید می آید برتر از حد معمول و متوسط و روال عادی نتایج است و گر نه استراتژی درست چیز نیست که بیک فوتبال از لحاظ نتایج روال منطقی و پیش رفت منظم می بخشد و هر فوتبال باید صاحب استراتژی خاص خود باشد تا بتواند روند عادی خود و پیشرفت منطقی خود را حفظ کند تا آنگاه با پیدایش نسل برتر بتواند نتایج خارق العاده دست یابد. ما بخاطر نداشتن یک استراتژی درست نتوانستیم نسل پدیدار شده در نخستین نوبت قهرمانی جوانان را حفظ کرده، پرورش دهیم از آن نسل شریف که مطلقاً نتیجه اوضاع و احوال محیط بعد از نخستین شرکت در بازیهای جهانی المیک تو لیو بود و سپس با اوضاع و احوال نخستین قهرمانی ما در جام ملت های آسیا رشد کرد و آنگاه روح صادقانه و روش بینی فدراسیون کنونی مجال ابراز وجود یافت ما اینکه فقط و منحصر در درخور یعنی یک روش و یک مسیح نیا را سزاوار تیم ملی حفظ کرده ایم و از مجموع ۳ نوبت قهرمانی خود در نزد جوانان آسیا چیزی بعیر از نظری و قاسم پوریه این سرمایه نینزوده ایم، در حالیکه در میان جوانان قهرمان آسیا بوده و هستند کسانی که بایگیری و مراقبت می توانستیم اینک بیک نسل کاملاً برومند و شاید فوق العاده دست پیدا کنیم.

## جمهوری دمو کراتیک آلمان چه میکند؟

روش جمهوری دموکراتیک آلمان در پیگیری و مراقبت از جوانان پر استعداد و امید های بزرگ آینه در تمام جهان انگشت ناماست. آنها بر اساس سیاست و روش اجتماعی خویش برای فوتبال دو هدف را تعیین کرده اند هدف شماره یک تیم ملی و نتایج آن از نقطه نظر سیاست بین المللی بمنظور ابراز وجود و نبوت حقانیت روش اجتماعی خویش است که در این راه کیفیت باشکاهای بزرگ خود را در دید کامروادت بین باشکاهی در اروپا نیز مدنظر دارند. هدف شماره ۲ آنها گسترش و پرورش فوتبال در سطح عمومی است تا از یک سو مردم خود را بهتر کند و سرگرمی برساند و از سوی دیگر از این سطح عمومی که گسترده برای هدف شماره یک پشتوانه بسازند و برسی این نوع هدف گیری است که «جرج بوئنر» چون یک نیمه خدا ظاهر میشود و حتی نقل و انتقال بازیکنان امید با سطح

ملی زیر نظر مستقیم میگیرد و بصورت جزئی تر وارد نوع تمرینات و مراقبت های باشکاهی در قبال بازیکنان ملی میگردد و این اوج اعمال قدرت تمرکزی در فوتبال ملی است که اعمال آن در فوتبال اروپای غربی بویژه انگلستان، ایتالیا، اسپانیا و فرانسه غیرممکن است در صورتیکه گوشه هایی از آن در فوتبال آلمان غربی چشمه میخورد ما اگر بخواهیم صاحب سازمان مجهز تیم ملی شویم باید هدف های خویش را در یک دیدگاه عمومی تعیین کنیم. در حالیکه عقب پاره ای از مواد مقررات جام تخت جمشید مربوط به تیم ملی بطور ضمنی گویای روشی است که باید حاکم بر سرنوشت و روند کار در تیم های ملی ما باشد و این روند ناشی از هدف هایی است که در مغز قانونگذار نقش بسته بوده است.

ما بدرستی نشانه ای از درک آن مفاهیم نمی یابیم و تیم ملی خود را از یک نظر دستخواسته تر از تیم بیچاره ای نظیر تیم ملی انگلستان می بینیم در حالیکه در ما با درک تیم ملی انگلستان تفاوت میکند. در آن ها بیشتر از عدم همکاری وعدم درک مسئولیت و رسالت و مدیریت رهگذار تیم ملی ناشی میشود در صورتیکه هنوز باشکاهای ما بزرگترین اتخارا را داشتن هر چه بیشتر بازیکن در تیم ملی میدانند و برای آن حتی مبارزه هم میکنند در ما از این نقطه نظر تفاوت میکند که ما سازمانی مستقل و با اراده و با برنامه برای تیم ملی نداریم. آنچه ان سازمانی که بدرک مسئولیت همیشگی رسیده باشد و رسالت خود بصورت تمام وقت معتقد باشد

## روش فرانسوی

فرانسیویان در «انستیتو ناسیونال اسپورت» چیزی کرسی مانند برای فوتبال دارند که بر آن «ژرژ بولون» تنه است این یک معلم مری است که بیشتر سلیقه های خود را از مکتب استاد «پی سیری بارو» (مری سابق تیم ملی، تیم منتخب اروپا، تیم های نیم و راسین کلوب پاریس و مدیر کنونی مؤسسه شبانه روزی آموزش ورزش در شه گرونویل) گرفته است با این تفاوت که پی بارو حد اعلائی تخصص خود را در تکنیک های نفسودی نفسان میسداد و بولون در تدارک بدنسی بولون از نقطه نظر فوتبال «معلم ملی» است و نه تنها رهبر کلاس عامی مریان است بلکه تمامی کلاس های ایالتی را زیر نظر داشته رده بندی مریان مربوطه را کنترل میکند. او بعد از هانری گرین تا پیش از استفان لولا سس مری تیم ملی نیز بود. و بدین ترتیب هم سازمان آموزشی ملی فوتبال و هم سازمان تیم ملی را رهبری میکرد. شکلی که گابریل هانویس از سالهای ۱۹۵۸، بوجود آورده بود.

سازمان تیم ملی فرانسه بنا به شرایط اجتماعی فرانسه چون آلمان شرقی نمی تواند باشد. زیرا در فرانسه قدرت فوتبال حرفه ای در دست «کرویمان» است و این کرویمان همان اتحادیه باشکاهای صاحب فوتبال حرفه ای و نیمه حرفه ای می باشد که قدرت دوم فوتبال بعد از فدراسیون بوده در کارهای مربوط به فوتبال حرفه ای و مقررات آن در مقابل فدراسیون ایستاده است. این اتحادیه با رعایت مقررات عمومی فوتبال مقرررات مربوط به فوتبال حرفه ای را خود وضع میکند. بدین شکل است که متوجه میشویم سازمان تیم ملی را نه از شاخه های فدراسیون است به محدوده قدرت اتحادیه راهی نیست. ولی اتحادیه هرگز در مقابل ملت فرانسه نه ملی گرایی در آن شدید است حرارت بروزی میلی نسبت بکار تیم های ملی را نداشته و ندارد.

در چنین شکلی مدیر تیم ملی که رئیس سازمان تیم های ملی است بساط خود را آنچه ان پهن کرده است که تمامی جوانان امیدها و بزرگان را زیر نظر گرفته و بر آنان تسلط دارند. معاونان و همکاران او عوارض انداز مری تیم ملی آماتور، مری تیم ملی امید، مری تیم ملی جوانان، مری تیم ارتش مری تیم منتخب آموزشگاه ها و کمک مریی مربوط به تیم ملی. این جمع، تمام جوانان و امیدها و بزرگان را زیر نظر دارند و نه بعنوان آمر بلکه بعنوان راهنما در نقل و انتقال جوانان و امیدها دخالت میکنند و مدام کار و پیشرفت بزرگان تیم ملی را نیز نظارت و باری میکنند نحوه کار بدین شکل است که هر مری مسئول مستقیم و مختار کامل تیم خویش است و بهنگام عمل دیگران در خدمت او قرار میگیرند و چون اینان همه در پاریس نیستند در هر جا که هستند نماینده و چشم مریان تیم های دیگر ملی می باشند اینان همه در تمام کارهای خود مستقل اند مگر در اعمال روش بازی که همه از مری تیم ملی مریشک میگیرند و روش عمومی تمام تیمهای ملی همان روش عمومی بازی تیم ملی است.

این بسته بنفوذ مری تیم ملی در نزد مریان باشکاهی است که مریان باشکاهی تا

بهبه در صفحه ۴۸

# چرا فدراسیون فترسد؟

از: د. اسداللهی

سردیر کیهان ورزشی زیر عنوان «فدراسیون فوتبال میترسد» مقاله بسیار جالبی نوشته بود که با تمام خوبی و دقت و موشکافی هدهاش مورد قبول من نیست!

با توجه به اینکه سنت کیهان ورزشی آزاداندیشی و آزاد نویسی است، نوشته ایشان از پاره‌های جهات در باره نوشته‌های من صادق نبوده است. چه من هرگز از هیچ فدراسیونی طرفداری نکرده‌ام بلکه اگر گاهی تأییدی کرده‌ام، تأیید از کار یا فکری بوده که انجام شده یا ابراز گشته است.

کسی نمی‌تواند فکر و خلق جام تخت جمشید، جام جوانان و جام نوجوانان را تأیید نکند یا دست کم من آن سیستم که این خدمات را انکار کنم. زیرا بگوای کیهان ورزشی این‌ها آرزوهای چندین ساله من بوده که بدست این فدراسیون تحقق یافته است.

ولی من همراه با این آرزوهای تحقق یافته آرزوهای دیگری هم برای فوتبال میهمن داشته‌ام که مهمترین آنها قوام و دوام و شکل گرفتن و دنیا پسند شدن همین جام‌ها بوده که متأسفانه هنوز چنین نشده است.

با ردیف همین آرزوها سلامت و زندگی و ترفی و مداوم تیم ملی را آرزو کرده و می‌کنم. در صورتیکه تیم ملی نزول تدریجی و روز بروز ضعیف‌تر شده است چه پایگاه تیم ملی مادر سطح بین‌المللی هنوز هم آنست که درست در لحظه پیش از خدمت این فدراسیون بود، هنوز پشت درهای بسته حداقل کلاس اروپائی استفاده‌ام با این تفاوت که در گذشته حتی برای پرداخت حقوق یک پیکسری داخلی لنگ بودیم، در حالی که اینک بودجه تیم‌های ملی ما بیش از تمام بودجه فدراسیون‌های گذشته است.

آرزوهای ما در سرانجام در فوتبال صاحب کلاسی شخص شوبم که پایه کار آینده ما باشد در صورتیکه با وجود تمام تلاش‌های آموزشی، ما اینک درست در مرکز ابهام استفاده‌ام.

بزرگترین و پرسروردا ترین کلاس ما که در سطح بین‌المللی تشکیل شد و کرامر استاد آن بود به معدودی از مربیان ما پایه ساده یا الفبای یک کلاس دبستانی فوتبال آلمان غربی را آموخت و آنگاه شاگردان کرامر دست به کار برگذاری کلاسهای دیگر شدند. یعنی این توهم بوجود آمد که به پیروی از متکب آلمانی پرداخته‌ام ولی تاکنون دیدیم که مربی تیم ملی — که می‌توانست رئیس مربیان کشور باشد — ازل فوتبال بریتانیا آمد و این نماینده کامل فدراسیون بریتانیا تیم ملی — که باید سرسریق تیم‌های دیگر باشد — بعنوان دستیار بهترین شاگردان کرامر یعنی دست پروردگان متکب آلمانی را به همراه خود دید. آرزو می‌کردم که صاحب بزرگترین و بهترین و صالح ترین مربیان جهان برای تیم ملی شوبم زیرا آرزوی بزرگتر و دور دست‌تر من اینست که روزی تیم ملی ایران را

صاحب ادعا درباره بزرگترین کرسی‌های فوتبال جهان بینم و این فدراسیون تا حد مقدوره به چنین راهی رفت. ولی نگاه میکنم بکار درازمدت این مربی برجسته که سخت یکبارگی بوده است. چون اگر یکبارگی نبود بک مربی حاضر و ناظر و چند همراه و مترجم طسی این دوره طولانی جام تخت جمشید که سرمایه فوتبال ما را در سطح بالا بکار گرفته میتوانست اینک بک صورت حدا کثر ۲ نفر درست داشته باشد که از نو نیازمند آزمایش یکصد نفر نباشد.

اگر مربی تیم ملی کار میکرد و تیم ملی حیات میداشت، می‌بایست این یکصد نفر را در طول جام تخت جمشید می‌آزمود و در خلال برنامه مسابقات دوستانه با مربی تیم ملی، بهترین را آزمایش کلاس ملی میکرد و اینک همه چیز را میساخت و نیازی به اتلاف وقت برای بازشناسی نداشت.

از این مربی انگلیسی اگر سؤال شود که تا کنون در چه زمانی از تاریخ نتاج و آواز یکصد ساله فوتبال انگلستان یک مربی یکصد بازیکن را آزمایش کرده است، چه جوابی میدهد؟

در تمام آن زمانهای درازی که فرصت داشت میتوانست بتدریج این آزمایش را بکند.

فدراسیون از این میترسد که آدم کاری به اندازه کافی ندارد.

من این ترس را قبول ندارم زیرا اولاً معتمد که فدراسیون میترسد با دست کم از این جهت نمیترسد در ثانی معتمد که آدم کاری اگر نگاه شود در فوتبال بسیار است و نیازی نیست که فدراسیون آدم سازی کند.

آدم کم نیست همکاری و اعتقاد و تفاهم مقابل کم است. میخواهید من آرزو نشان دهم؟ خوب تماشا کنید. عمر سالمندترین عضو از میان اعضای صمیمی فدراسیون فوتبال باندازه عمر خدمت صدها انسانی نیست که در فوتبال جان فشانده، خالک خورده و در دوره‌های پیش هریک بدلیلی کنار نشسته‌اند.

از کجا دانسته‌ام که در میان آنهمه خدمتگذار صمیمی کسانی نمی‌توانند خدمت و صمیمیتی باندازه این اعضای معدود بسیار صمیمی داشته باشند؟

شاید کنار رفته‌ها بازنگردند و بازگشت آنان به زحمت آوردن نشان نریزد. با اینکه چون بازگردند با پندارهای قدیمی خود کارآمد امروز نباشند. این شاید را بقیین میکنیم تا منبع دیگری را نشان دهم. اگر کنار نشسته‌ها بکار نمی‌آیند، آیا نمی‌توان از درگیران و بردان میدان سود برد؟ و این مردان میدان چه کسانی هستند؟

فدراسیون فوتبال جام تخت جمشید را برای چه برگذار میکند؟ مگر نه اینست که جام تخت جمشید بمنظور بالا بردن سطح فوتبال از طریق باشگاه‌ها، خلق خلق است؟ آیا اگر فقط بازیکنان باشگاه‌ها خود شده و ترقی کنند، واقعا فوتبال ترقی کرده است؟

با اگر مجموعه‌ای که باشگاه نام دارد و رئیس، مدیر، کادر، اسپرنت، مربی، بازیکن جوانان و غیره را در برمیگیرد، ترقی کند فوتبال از طریق باشگاه‌ها پیش میرود؟ چگونه ممکن است بازیکن خوب زیر دست مربی بد و مدیر بد و رئیس بد پیش رود؟ چرا وقتی پای مربی تیم ملی لنگ میشود میگوید: «باشگاه‌ها سازنده تیم ملی هستند؟» آیا این باشگاه‌ها نباید مربی، مدیر، رئیس، هیئت مدیره و با کادر خوب و مترقی داشته باشند؟ و از کجا میدانیم که حالا ندارند؟ و از کجا میدانیم که در میان افراد کسار این باشگاه‌ها کسانی یافت نمیشوند که کار رهبری و اداره مسابقات را مانند یا بهتر از اعضای معدود صمیمی فدراسیون انجام دهند؟

آیا تاج، پاس، پرسپولیس، هما و غیره و غیره — که عمری تیم داشته و با سردورگم زندگی برتلاطم فوتبال پرورش یافته‌اند و امیدوارم هنگی سالهای سال پایدار باشند — در میان افراد خود کسانی را ندارند که با صمیمیت بیشتر در خدمت اداره مسابقات آیند؟

من دلیل دارم که ثابت میکنم این افراد بیش از افراد فدراسیون صمیمی هستند و آن اینست که افراد فدراسیون آماتوری فقط برای صمیمیت کار میکنند و معمولاً غیر حرفه‌ای و غیر مؤلفند ولی اعضای باشگاه‌ها علاوه بر عشق و صمیمیت برای ادامه زندگی و کسب درآمد بیشتر میدان می‌آیند و مسلماً جدی‌تر و مداوم‌تر و مؤلف‌تر خواهند بود.

توجه کنید از میان اعضای همین باشگاه‌ها از رئیس سابق تربیت بدنی گرفته تا روسای فدراسیونهای سابق، مربیان تیم ملی، دبیران فدراسیون و غیره و سفول کارند آیا نمی‌توان از فکر، تجربه و خدمت آنها در کادری واحد برای اداره این مسابقات سود برد و بار بسیار سنگین مسابقات جام تخت جمشید را که کمر شکن است — و یکی از دلایل ترس می‌باشد — از روی دوش اعضای معدود و صمیمی فدراسیون برداشت و دست ایشان را برای اجرای وظایف واقعی یعنی رهبری تیم ملی، رهبری فوتبال جوانان، رهبری فوتبال نوجوانان، رهبری فوتبال آماتوری واقعی، رهبری آموزشی و غیره بازنهاد.

تایید از چنین کادری ترسید و نباید از نام اتحاد به وحشت داشت. زیرا در کشور ما حق با قانون است و میتوان قانونی نوشت و تصویب کرد که جلوی زبانهای احتمالی تقوی اختیار گرفت.

فدراسیون چرا ترسید؟ در حالیکه هنوز مقررات کامل نیست و سازمان هنوز شکل رابطه‌ای خود را حفظ کرده است.

نگاه کنید چسه غوغائی بر سر بول بر خاسته است. نگاه کنید به گزارشهای کیهان ورزشی که بازیکنان ترسندترین و پر درآمدترین باشگاه‌های ما خود را بی نصیب میدانند. نگاه کنید که چگونه فدراسیون از بی پولی و با کم پولی در برابر برنامه‌های

سنگین شکایت دارد در حالیکه درآمد یک دوره از مسابقات رسمی نزدیک به هشت میلیون تومان بوده است یعنی پولی بیشتر از تمام بودجه‌های تمام فدراسیون‌های فوتبال پیش از این موافقت با سردیر

با سردیر کیهان ورزشی از این لحاظ موافقم که فدراسیون نباید از حجم کارهای آینده بترسد. و با فدراسیون هم موافقم که بترسد. زیرا فدراسیون باید از کارهای انجام نشده‌ای که در متن مقررات انجام آنها الزامی است بترسد. و این کارها بسیار است که فقط بد و مورد آن اشاره میشود.

مورد اول (ماده ۸). باشگاه‌ها باید ۷ درصد از کل درآمدی را کسب از مسابقه‌های دوره‌ای یا حذفی باشگاه‌های کشور کسب می‌نمایند. صرف امور مربوط به سازمان فوتبال خود بنماهند.

مورد دوم تبصره همین ماده است که میگوید: « بمنظور کنترل این امر فدراسیون فوتبال این مجاز است نماینده‌های خود را برای رسیدگی دفاترهای سازمان فوتبال باشگاه اعزام دارد و باشگاه موظف است دفاتر خود را در اختیار قرار دهد.»

از جمله کارهای بسیار بزرگ انجام نشده و ترس‌آور عدم توجه بهمین ماده و تبصره است.

من نمی‌گویم پول‌ها را باشگاه‌ها بمصرف واقعی و مقرراتی نرسانیده‌اند. ولی می‌خوانم و میشنوم و می‌بینم که بازیکنانی هستند که خود را بخوبن میدانند و باشگاه‌های هستند که زیاد به ۷ درصد خرج کرده‌اند.

بهمان‌گونه که برداشت با نجا از سهم فوتبال متوع است، مقررات تقسیم مناسب را نیز دستور میدهد. یعنی باشگاه نباید ناه از سهم خود بیشتر بردارد و نه از سهم خود کمتر، چه اگر بیشتر بردارد، حق بازیکن را پایمال کرده است و اگر کمتر بردارد حق ورزش را با پمال کرده است.

ممكن است برداشت سهم اضافی، حق چند بازیکن را پایمال کند. در حالیکه برداشت کمتر از حق و زیادتر از اندازه خرج سازمان فوتبال کردن مصیبت بازر است. نگاه کنید که اینک چه بازار آشفته‌ای در نقل و انتقالات برپا شده است.

اگر باشگاه‌های درست سهم سازمان فوتبال را بدهد، این سازمان با ۷ درصد مقرراتی از متوسط ۲۰ هزار تومان سهم باشگاه‌ها — که ۲۰ هزار تومان میشود — چگونه خواهد توانست سهم به ۲۲ بازیکن حقوق پایمانه ۱۰۰۰۰ تومانی بدهد؟ هم پاداشی به همین اندازه دهد، هم به هر کدام

سالیانه بهای قراردادی بطور متوسط ۱۰ هزار تومان دهد، هم حقوق مربی و اسپرنت بدهد و هم روسوی بازار آشفته نقل و انتقالات کند و روندهای ۵۰ هزار تومانی روی سیز نه؟ تا بانی مانده اخلاق، تعصب، عرق باشگاهی و احترام به پیراهن باشگاهی

# بعد از جام چه خبر؟

## قرارداد «اسکینر» تمام است

### این شاید پایان

### یک روز ریاستی هم باشد!

این روزها قرارداد «جورج اسکینر» مربی انگلیسی تیم نیرو با فدراسیون فوتبال ایران پایان می‌یابد و بنظر می‌رسد که این فدراسیون است که باید رای بماند یا پایان خدمت او بدهد.

اسکینر، سال گذشته (در اواسط جام دوم تخت جمشید) از طرف فدراسیون به تیم نیروی اهواز مأمور شد اما همانطور که پیش‌تر از آن نیز کارنامه درخشانی برای خود ساخته بود، در جهت تکان دادن و اعتبار بخشیدن به تیم نیرو کاری از پیش نبرد.

اسکینر کار خود را در ایران نزدیک به چهار سال پیش با تیم ملی جوانان آغاز کرد، آنگاه درجگه معلمان خارج از میدان درآمد و یک ناصح و داستان‌گو برای کلاسهای مربیگری درجه سوم شد. سپس برای مدتی به عنوان چشم و گوش سازمان تیم ملی بازیکنان مختلف و اغلب جوانان را در میدانهای مختلف زیر نظر گرفت و جنبه مشاوره‌ای مهاجرتی یافت.

و سرانجام زمانیکه تیم آب و برق اهواز مربی خود «کاردان» را از دست داده و دیدار بدنبال مربی می‌گشت، با توصیه فدراسیون فوتبال به این باشگاه مأمور شد. اسکینر در این مدت حقوق خود را بطور غیرمستقیم از صندوق باشگاه آب و برق توسط فدراسیون دریافت می‌کرد. ولی به‌صورت یک مربی نسبتاً گرانقیمت و کم‌اثر برای آب و برق بود چه اهوازی‌ها علاوه بر ه هزار تومان مقرری مستمر، منزل و اتومبیل در اختیارش گذاشته بودند که این خود با اضافه هزینه ایاب و ذهاب، به انگلستان در ایام رخصتی و سایر مخارج ریز و درشت مبلغی در حدود دو ماهانه ۱۲ هزار تومان را در بر می‌گرفت. پایان قرارداد رسمی اسکینر شاید خود بخود پایان یک روز ریاستی در رابطه با فدراسیون با این مربی نیز باشد و امیدواریم از این حد نیز بالاتر نرفته و چشم‌وکوش فدراسیونهای ورزشی را در بخت‌گرفتگی‌های خارج از آنها نیکه کم کم راه و چاره را از هم تشخیص میدهند. گفته‌اند «سال بد بیخ ریش صاحبش» حالا صاحب او هر که باشد، با احتمال زیاد فدراسیون هم همین ضرب‌المثل را تکرار خواهد کرد!

## ابوطالب حرفش رابه کرسی نشاند

سرانجام مثل اینکه حسابهای طرفین دعوی (راه‌آهن - مربی) روشن شد و در این میان پرویز ابوطالب مربی سابق تیم راه‌آهن حرفش را به کرسی نشاند. بطور خلاصه جریان این بود که گویا باشگاه راه‌آهن به تعهدات خود در قبال بازیکنان عمل نکرده و دست ابوطالب را داخل پوست گردو گذاشته و همین بدقولی منجر به شکر آب شدن رابطه مربی و باشگاه و بالاخره منتهی به استعفا ابوطالب شده است. اما اساس دعوا بر سر مطالبات مستند پرویز ابوطالب از باشگاه راه‌آهن بود که باشگاه زیر بار آن نمی‌رفت بخصوص اینکه خبری از مربی و بازیکنان جدید هم ندیده و تیش می‌رفت که سقوط کند.

این قضیه وقتی با کسندامنشی ویا سلطنت ریش سفیدها فیصله نیافت چندی پیش به کمیته قضایی فدراسیون ارجاع شد و اینجا بود که سندهای ابوطالب باعث محکومیت باشگاه شد. میزان مبلغ مورد دعوا چیزی بین ۵ تا ۵ هزار تومان بوده که بدرستی هنوز نمیدانیم ابوطالب آنرا تقد کرده است یا نه؟

## آبادانی‌ها راه‌رانزد یک‌سی کنند

صادرات آبادان کماکان ادامه دارد و حیطه نفوذ این صادرات با گسترش فوتبال رفته رفته وسعت بیشتری می‌گیرد و ما اکنون در اکثر تیمهای خوب نشانی از

راه‌آهن برده.

درجه موردی ماده ۸۱ و تبصره اول

آن اجرا شده است؟

چرا فدراسیون ترسد؟

فدراسیون فوتبال که بحق فعال‌ترین فدراسیون است و یعنی پرکارترین آنهاست می‌تواند ترسد. بشرط آنکه در تکمیل مقررات بکوشد. در تکمیل سازمان خود بکوشد، تقسیم وظایف کند، نیروهای باشکاهی را برابرسهم‌شان با مقررات مناسبت و بی‌خطر بکارگیرد. شاخه‌های سازمانی خود اختیاریست و باید در کار همگان و در اجرای دقیق مقررات نظارت مستمر کند و در کار مالی درست حق را بحق دار و سهم را به سهم دار سپرد. وزیرانی آفریند که از یاد و پاران‌گزیند نیند و هر آینده‌ای که آید، ناچار به پیروی از آن باشد.

آیا برستی چنین کاری ترس دارد؟

## با ۵ هزار تومان حقوق ماهانه

## «زاگالو» مربی تیم ملی

## کویت‌شد

ریودوژانیرو - خبرگزاری فرانسه : «ماریو زاگالو»، مربی پیشین تیم ملی فوتبال برزیل، در جریان مسابقه‌های مقدماتی جام جهانی ۱۹۷۸ در مقام مربی تیم ملی کویت راه‌مراهی خواهد کرد. «دی دی» هافبک پیش تیمهای ملی برزیل و مربی فعلی تیم «فرتا باغچه» ترکیه را به عنوان مربی استخدام کند. اما قرارداد نهایی را با زاگالو (همیازی دی‌دی در تیمهای ملی) امضاء کرد.

زاگالو در مورد این قرارداد خود گفت:

« من پیشنهاد رهبران کویت را پذیرفتم و عقیده دارم که بازیکنان کویت از قدرت بدنی قابل توجهی برخوردارند در حالیکه شعوروفنی آنها در بازی کافی نیست و به همین جهت نیروی استفاده نشده زیادی را به هدر می‌دهند. اما مشکل اصلی من در کویت این خواهد بود که بازیکنان کویت را به یک روش بازی قابل قبول عادت دهم. زیرا برای دست یافتن به چنین « روشی » بجزیم چندین مرحله را فقط برای بالا بردن شعوروفنی و مهارت فردی بازیکنان به اجرا بگذارم.

زاگالو تاکنون سه بار مقام قهرمانی

جهان را به دست آورده است ( دو بار به

عنوان بازیکن در ۱۹۵۸، سوند و ۱۹۶۲

شیلی همراه با دی‌دی و یکبار در ۱۹۷۰

مکزیک به عنوان مربی). آخرین شغل

زاگالو در کار فوتبال، مربی‌گری تیم

باشگاه بوتافوگوریدوژانیرو ( مرکز برزیل)

بود.

زاگالو، هنگامی که تیم ملی برزیل در

جام جهانی گذشته در مونیخ ( ۱۹۷۴ ) در

مرحله نیمه‌نهایی حذف شد از تیم ملی

برزیل کنار گذاشته شد. این مربی در

کویت علاوه بر خانه و اتومبیل، حقوق

ماهانه‌ای حدود ۵ هزار تومان ( ۸ هزار

دلار) دریافت خواهد کرد.

آبادانی‌های تیم.

اما موضوع جالب، نفوذ بیش از پیش فوتبال آبادان به حیطه همسایه و رقیب نزدیک خود یعنی اهواز است. اهواز که خود مدتهاست جزو صادر کننده‌های بازیکن بشمار می‌آید، آنچنان دچار کمبود شده که دست به سوی آبادانی‌ها دراز کرده است.

نماینده اهواز که سال گذشته «محمدعلی ملکزاده» بازیکن اسبق تیم جم آبادان را بخدمت گرفت اسباب تصمیم دارد این تجربه خوب را تکرار کند و حال سخن از پنج بازیکن آبادانی می‌راند. اینان عبارتند از قاسم فلاح‌زاده، اسماعیل کشتکار، علی‌نکویی، سعید دهداری و فریدون لقمان. که همه معروف فوتبال دوستان و فوتبال شناسان می‌باشند.

خود اهوازی‌ها که همتی نشان نداده و دست نماینده شهرستان را نگرفتند شاید این آبادان باشد که دست همسایه را گرفته و از ویستکی نجاتش دهد.

بهرصورت بنظر ما هم این یاری و همراهی بسیار خوب است چه به‌صورت این همکاری‌ها در جهت فوتبال خوزستان می‌باشد و بهره‌اش به خود آبادانی‌ها هم برمی‌گردد. از این گذشته اهواز و تیم نیرو با امکاناتشان می‌توانند بسیاری از جوانان آبادانی را که آرمانهای خود را در فوتبال پایتخت می‌جویند - از سرخوردگی و سرگردانی نجات دهند. زیرا برستی فوتبال تهران هم سرای بیش نیست و دیویست، سیصدنومان درآمد بیشترش نمی‌تواند جبران کننده کمبودهای عاطفی برای نوریسیده‌های فوتبال شهرتاشا باشد.

## اتلاف امیر و اقبال (آرش)

این روزها که صحت تشکیل دسته دوم باشگاههای ایران بحث روز فدراسیون فوتبال است تیمهای نامزد این مسابقات تلاش و همتی برای پیوستن و قدرت‌نمایی در این گروه از خود نشان میدهند. شنیده‌ایم هم اکنون ۳۰ تیم آمادگی خود را برای کنکور فدراسیون اعلام کرده‌اند و فدراسیون همتی را مأمور بررسی ارزشها و امکانات و شایستگی این تیمها کرده است اما از گروه تیمهای تهرانی که حاضر شرط نخست یعنی مقام تیمی می‌باشند و نامزد پیوستن به دسته دوم باشگاههای ایران هستند، تلاش تیمهای اقبال و امیر بیش از دیگران است.

البته نیاز به تلاش از نارسایی امکانات سرچشمه میگیرد و میدانیم که فدراسیون در این مورد بخصوص تا چه حد بی‌گشست است.

آخرین خبری که در این مورد داریم طرح و زمینه

کنار آمدن و اتلاف تیمهای اقبال و امیر است.

امیر یعنی تیم حمید شیرزادگان و برادرزتش ایرج سدهی، که زندگی قهرمانی اما قهرمانی را به زندگی مرفه در دامان نفت تهران ترجیح داده است، می‌خواهد با اقبال که بعد از پایان مسابقات بیشتر بازیکنانش را از دست داده است، کنار بیاید.

و اینان! اکنون دست به دست هم دنبال شرکای پولساز می‌گردند. اقبال مقام و قبولیش و امیر بازیکنانش را در طبق اخلاص گذاشته‌اند و قصد دارند هرچور شده از سازمان پرامکانی آویزان شوند و افتخار حضور در قهرمانی ایران را بدست آورند. حالا کجاست آن آدم و سازمان پرامکان که دلش برای تبلیغ در مورد خود و دستگاش لک زده باشد.

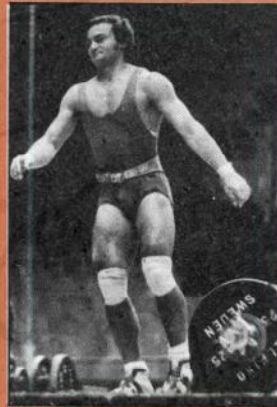
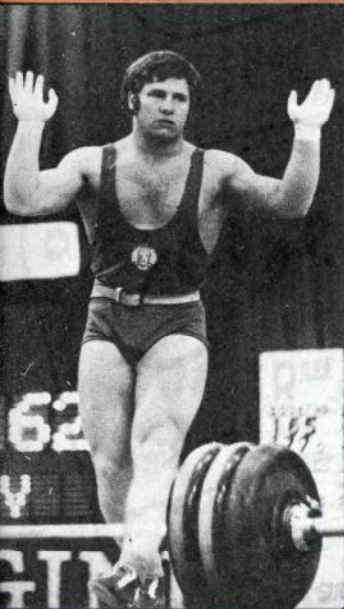
بهرصورت آنطور که از قراین برمی‌آید اینان بدون مشارکت پول هم تصمیم خود را گرفته‌اند و حتی اسم آینده باشگاه خود را هم انتخاب کرده‌اند و این روزها در بدر دنبال پرونده باشگاهی هستند. اگر این خواست تحقق یابد نام نتیجه اتلاف « آرش » خواهد بود تا چه پیش آید و چقدر پیش ببرند.

این خبر را «فرامرزلی» مربی و مستقر تیم فوتبال باشگاه اقبال در اختیار ما گذاشت اما گفت که در صورت موفقیت هم به باشگاه اقبال پشت نخواهد کرد و گروهی از بازیکنان که تجربه در تیم را زیر نام اقبال به میدان خواهد آورد.



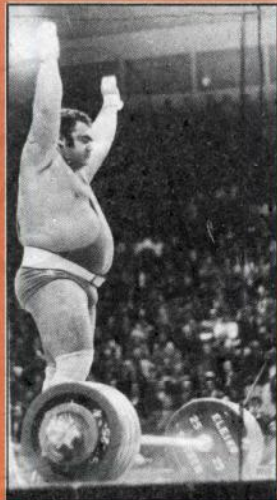
## آخرین رکورد شکن

آخرین رکورد جهانی سال ۱۹۷۵ را «وروتنا» قهرمان ۱۹ ساله کوبانی با بلند کردن ۱۳۸/۵۰۰ کیلو گرم در حرکت بکضرب به ثبت رسانید. وزنه بردار سیاه پوست کوبا با هنرنمایی خود رکورد جهانی جوانان جهان را نیم کیلو گرم به بیش از رکورد سالمندان جهان رسانید و بدین ترتیب در آن واحد صاحب رکورد جوانان و سالمندان جهان شد. وروتنا در سال گذشته ۷ بار رکورد های جوانان جهان و یکبار رکورد سالمندان جهان را درهم شکست. در عکس او را در اولین دوره مسابقه های وزنه برداری قهرمانی جوانان جهان در ماری-فرانسه پس از بلند کردن ۱۲۸ کیلو بکضرب (نخستین رکورد جهانی خود) می بینید.



## مجروح بزرگ

در میان مجروحین مسابقه های وزنه برداری باید از نامی بزرگ یاد کرد. این وزنه بردار «نه کو کولف» قهرمان نامدار دو ساله گذشته جهانست. کولف در مسابقات جهانی ۱۹۷۵ سکو برای دفاع از عنوان جهانی خود نبرد سخت و خونین داشت و سرانجام زیر وزنه ۱۹۰ کیلویی در لحظه بالا بردن وزنه مجروح شد و بزیرین افتاد. در عکس او را چند لحظه قبل از سقوط می بینید.



# شکوه وزنه برداری در سالی که گذشت در ۱۹۷۵ هشتاد و پنج رکورد جهانی وزنه برداری فر افتاد

به سال المپیک ۱۹۷۶ و بمیدان بازیهای مونترال خواهند گذاشت. در رزم و جنگ تیمها دو ابر قدرت وزنه برداری شوروی و بلغارستان پس از اینکه با هوشیاری بسیار همدیگر را از زبانی کردند و بهم تاختند مقام های قهرمانی جهان را در قسمت های سالمندان و جوانان میان خود تقسیم کردند و ثبات قهرمانی را با همان شکل تقبل نمودند. دنیای وزنه برداری با تمام هیجانات و لغظات پر شور و دغدغه آمیز با بدایاتی های هم درگیر بود. شکوه ستارگان جدید با غروب تنی چند از بزرگان این رشته مترادف بود. «سرزدینک» پهلوان معروف بلژیکی زیر رگبار مسلسل در فلیپین دیده از جهان فرویست. «یان تالین» «ریژنکر»، «مانگ» از وزنه برداری کنار رفتند و در برابر غول هایی در عالم وزنه برداری ظهور کردند که پیل تنان را به سختی لرزاندند. معتقد هستیم همین لژی ها یکبار آینده وزنه برداری را تا برگذاری بیست و دومین بازیهای المپیک داغ تر خواهد کرد.

مایش از این نمیخواهیم درباره وزنه برداری سال گذشته قلم بزنیم زیرا هر چه گذشته خوانندگان بیاد دارند، باور کنید و تکیه با بعضی از این علاقه مندان صحبت میکنم و می بینم وقایع را بهتر از من میدانند، بخود میبالم بدینجهت اسمال شکوه ستارگان در حماسه و داد با سال ۱۹۷۵ را با عکس از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم که امیدواریم مورد قبول واقع شود.

در سال گذشته مسیحی، وزنه برداران ممتاز سر تراستی لحظه های شورا نگیزی را پشت سر گذاشتند. شکوه ستارگان و رکورد شکنان در حماسه و داد با ۱۹۷۵، ساده تر بگویم نبرد خون گرم و بولاد سرد در پایان سال ماقبل المپیک محصول فراوان بار آورد که نتایج و عصاره آن در حدود ۸۵ رکورد تازه جهان (۴۵ رکورد برای سالمندان و ۳۸ رکورد برای جوانان) و ده ها رکورد ملی برای ۱۰۴ عضو رسمی فدراسیون بین المللی وزنه برداری بود. ما در سال گذشته همچون سالهای پیشین تمام یکباره های بولاد مردان سر تراسر جهان وزنه برداری را دنبال کردیم، در مسابقه ها حضور پیدا کردیم، ده ها عکس سیاه و سفید و اسلاید رنگی تهیه دیدیم. فیلم برداری کردیم. با مسوولان و متخصصان گفت و شنود داشتیم، تحقیق کردیم و باز هم نوشتیم تا شاید شما خوانندگان و علاقه مندان به وزنه برداری را راضی کنیم. و اینکه نیز خوشحالیم که با پایان گرفتن سال مسیحی شما را در جریان رویداد های مهم این سال قرار دهیم در پایان سال مسیحی ۱۹۷۵ حاصل سه سال زحمت را میان سالهای دو المپیک (۱۹۷۳ الی ۱۹۷۶) کسانی چیدند که با عقل و منطق سالم قدم پیش نهادند و در پایان المپیک مونیخ برنامه های خود را طرح ریزی نمودند، کم بود های خود را زدودند و با همبستگی بسر منزل حقیقت رسیدند و در حال حاضر با برداشتی که از محصول کاشته شده خود دارند مسلماً با دستهای پر قدم

## لحظه پر شکوه برای آکسیف

پس از اینکه واسیلی آکسیف وزنه ۲۴۵/۵۰۰ کیلو گرم را در مسابقه های جهانی ۱۹۷۵ سکو بالای سر برآورد در آورد و نیم کیلو رکورد جهانی خود را شکست عملاً پایان کار زاوه روز تلاش وزنه برداران سر تراسر جهان را اعلام کرد. در این لحظه پر شکوه آکسیف را در حالیکه دستهای خود را برای تشکر از ۱۵ هزار تماشاگر حاضر در تالار مسابقه ها بالا برده می بینید.

سالیکه که گذشت برای « والتین - خریستوف » هر کول ۱۹ ساله بلغاری بسیار پر برکت بود. او رکورد های زیادی را در دسته جوانان و سالمندان درهم پیچید. نامهای زیادی را چون بردوشین « آبولون » شوروی را زینسف پدیده جدید وزنه برداری شوروی، رودلف مانگ آلمانی، استوزین قهرمان جهان را بفراموشی سپرد و در سابقه های جوانان جهان در فرانسه و مسابقه های سالمندان در سکو ستار مسابقه ها بود و ستاره ها لقب گرفت.



تیم ملی وزنه برداری شوروی در مانبل از چپ براست: موخاربی کبرونف قهرمان المپیک، ویکتور کورنستف قهرمان المپیک ۱۹۶۸، استوزین قهرمان سابق جهان، پوتلواتسکی فرد دوم جهان در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴

### تیم رکورد شکن ها



چه کسی باور میکرد روزی و روزگاری در دسته میان سنگین ۲۲۰ کیلو بیالای سر پرواز درآید؟ اما این کار غیر ممکن را ریگرت بزرگ ستاره وزنه برداری مسکن ساخت، ۱۷۸ کیلو بکضرب زد و مجموع دو حرکت را به ۳۹۵ کیلو ترفی داد. در مسابقه های جهانی مسکو او با اینکه از شدت درد جراحات بخود می پیچید و بزین درمی غلطید، سردی و سردانگی اش موجب شد که با شایستگی بسیار از مقام جهانی خود دفاع بکند و لحظه ای با پس نکشد.

۲۲۰ کیلو، رکورد باور نکردنی

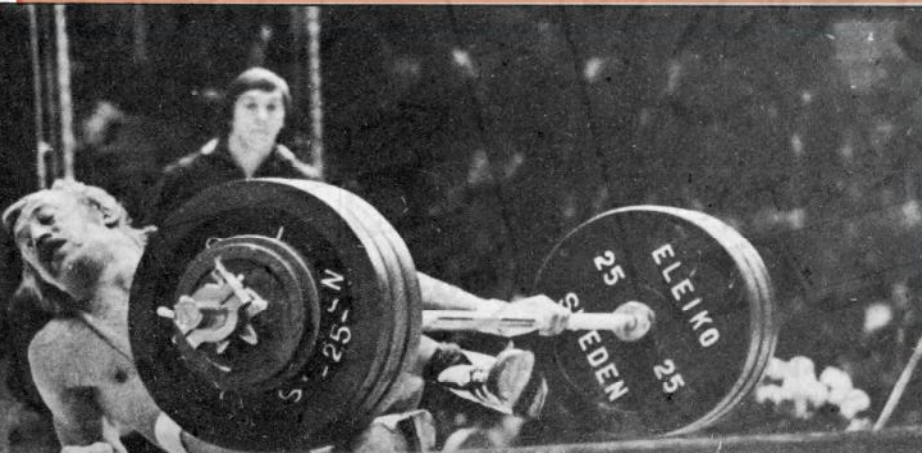
تیم ملی بلغارستان سر انجام بازی با آهن را به وزنه برداران شوروی باخت اما تیم قهرمانان المپیک و قهرمانان جهان در ۱۹۷۴ در هیجولت چهارمی مغلوب نداشتند. در عکس این تیم را در حالی می بینید که جام قهرمانی ۱۹۷۴ جهان را در دست دارد. از چپ براست: تو دوروف قهرمان جهان، سربى هنرمد تیم نوریکیان قهرمان المپیک، کولف رکورد دار جهان، اوزف باسیل فرد دوم جهان، گبروف قهرمان جهان، بلاچکوف رکورد دار بکضرب جهان، استاچیف قهرمان جهان در سال ۱۹۷۳، مانبل دیده میشوند.

قهرمان سال ۱۹۷۵



### صحنه های تأسف بار

رکورد های وزنه برداری همچنان در حال صعود است و وزنه برداران باتجربه تکنیک های خود حد تصاب های خود و دیگران را بهم میریزند و اما گهگاه نبرد خون گرم با پولاد سرد صحنه های تأسف باری بوجود می آید و ستارگان بزرگ زیر کوه آهن درهم می پیچند. در عکس «والسری» تشاری، قهرمان و رکورد دار جدید نسیم سنگین جهان از شوروی را می بینید که چگونه زیر وزنه از حال رفته است.



کیهان ورزشی (سال بیست و یکم) ۱۵

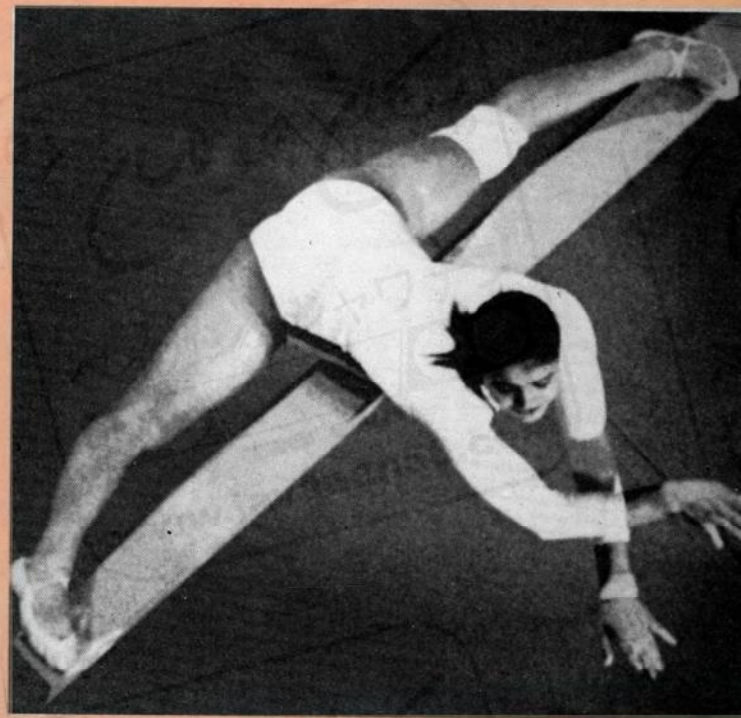
# عکس و خبر



به اینها می‌گویند اسکی بازان هات داگ و هات داگ با سوسیس های کوچک یک غذای حاضری اغلب امریکائیهاست. به اینها هم برای این می‌گویند هات داگ که بدنشان مثل سوسیس نرم است و اینها شانزده تن از آنها را با هم در حال معلق زدن می‌بینید. چند تا از این هات داگ ها هم هفته پیش با مارک سیکار مارلبورو در دیزین و ابعلی هنر نمائی کردند.



در مسابقه دوچرخه سواری شش روزه دانمارک، اوله ریتز از دانمارک (سمت راست) و لودو بندام از هلند پس از کسب عنوان قهرمانی این مسابقه در ورزشگاه دوچرخه سواری هرنینگ دور افتخار را می‌زنند.



این هم عکس جالبی از لودمیلاتو-ریشووا، چهره معروف ژیمناستیک شورویست که فقط بانوکت پنجه های پایش در این حرکت مشکل خود را روی چوب موازنه بند کرده است. او هم باتفاق تیم شوروی-از جمله (اولگا کوربوت) به آمریکا رفته و مشغول ژیمناستیک نمایشی در شهرهای مختلف آن کشور است. در مسابقات جهانی اخیر در لندن، توریشووا پنج مدال طلا گرفت!





— من عضو جمعیت لختی ها نیستم. حتی اولین بار است که به عشق ورزش لخت شده‌ام. اگر بخواهید بدانید که ضمن برهنه بازی کردن چه احساسی داشته‌ام باید بگویم: احساس آزادی مطلق. همین احساس بود که مرا پیروز گرداند. چه گمان نمیکنم اگر با لباس شرکت میگردم این چنین موفق میشدم.

## برهنه‌گرانی در ورزش

پورنوگرانی یا برهنه‌گرانی فقط به فیلم‌های سینمایی رخنه نکرده، بلکه کم کم دارد در ورزش نیز جا بازی کند. در تنیس روی میز ظهور کرده است. در سیاتل آمریکا اخیراً مسابقه تنیس روی میز بر گزار شد که برهنگی اساسی‌ترین شرط شرکت در آن بود. بتی هوراس که برنده این مسابقه شد گفت:



## تمرین با هالتر صد کیلوئی

### برای مبارزه با گرسنگی !!

نوع درگیری «اوا ویلمز» قهرمان برتاب وزنه آلمان غربی و امید آن کشور برای به چنگ آوردن مدال طلای المپیک مونترال با فدراسیون ورزشهای سبک آلمان کاملاً تازگی دارد. «ویلمز» ادعا کرده که برای در فرم ماندن و تمرین کردن احتیاج به غذای کافی دارد، حال آنکه بودجه‌ای که فدراسیون برای تغذیه او در نظر گرفته، یک آدام لاغر مردنی را هم سیر نمیکنند تا چه رسد به او را که در ماه هدفش به ۳۰ کیلو گوشت، ۱۰۰ عدد تخم‌مرغ و ۸۰ لیتر شیر احتیاج دارد. «اوا» به عنوان کله گفته است:

«بودجه‌ای که فدراسیون برای پروراندن من کنار گذاشته فقط ماهی ۱۰۰ مارک است و پس از جو بحث فراوان قول داده‌اند که این مبلغ را تا دو برابر افزایش دهند. حال آنکه خرج من در ماه از ۱۸۰ تا ۲۰۰۰ مارک هم بیشتر است. وقتی مریام (چرمن) فدراسیون را نسبت به تقاضای من بی‌علاقه دید، برای پیدا کردن یک منبع درآمد به روزنامه‌ها آگهی داد و خوشبختانه چند نفر از اشخاص متمکن حاضر شدند تا زمان بازی‌های المپیک تمام مخارج مرا تأمین کنند. لیکن فدراسیون مرا تهدید کرده که اگر از کسی کمک مالی قبول کنم حرفه‌ای تلقی خواهد شد و به عنوان آماتور حق شرکت در بازی‌های المپیک را نخواهم داشت. من نمیدانم این چه جور تربیت بدنی است که ما داریم. ما را گرسنه نگه میدارد و تازه انتظار مدال طلا هم دارد.»



اوا ویلمز گفته است:

«من علیه فدراسیون به ویلی دومه رئیس کمیته ملی المپیک شکایت کرده‌ام و تا معلوم شدن نتیجه شکایت با بلند کردن هالتر یکصد کیلوئی خود را فوی نگه می‌دارم این درست که رکورد «ماریانه آدام» قهرمان برتاب وزنه جهان، ۲۱/۵ متر و رکورد من ۱۸/۸۹ متر است. اما اگر فدراسیون به من برسد قول میدهم رکورد آدام را بشکنم.»

### قابل توجه

آموزشگاه شادمان کلاسهای زبان انگلیسی، ششم، متوسطه، کنکور دانشکده هازرنظر علی‌رضاهری آدرس: ضهبا زاول غیانی تلفن: ۳۵۶۴۴۲

## امتحان اعزام دانشجو

در اسفند ماه

## سازمان آموزشی خسروی

از هشتم دیماه کلاسهای جهت داوطلبان امتحان اعزام دانشجوی اسفندماه در چهار نوبت صبح و بعد از ظهر در ساعت‌های ۸ صبح تا ۱۲ صبح و ۶ صبح تا ۹ صبح و ۱۲ صبح تا ۳ عصر تحت نظر بهترین استادان اعزام تشکیل و در این کلاسها دوره کامل گرامر انگلیسی همراه با تمرینها و تستهای ۴ جوابی و متنهای درک و فهم کافی تدریس و تاپایان دوره چند مرتبه از داوطلبان آزمایش مشابه اعزام دانشجو بعمل خواهد آمد

کلاسها بصورت تضمینی و عادی خواهند بود.

برای کسب اطلاع بیشتر با درس‌شاه رضا - نرسیده بمیدان شهناز جنب پمپ بنزین تلفن ۷۵۵۹۹۵ مراجعه فرمائید

# این دردی درمان

گفته بودم که ساهاست از آفساید سخن می‌رود و می‌گویم که ساهای دیگر هم از آن سخن خواهد رفت و تأکید میکنم قانون کنونی که بنظر این همه ساده می‌آید در عمل و در اجرا دشوارترین قوانین است و اگر قرار باشد برای بهتر ساختن بازی، در قانونی تغییر داده شود، بهتر است یادراین باره نباشد و یا اگر هست در جهت ساده‌تر کردن آن باشد مثلاً اینکه بجز سوتی توپ از پای حریف برد آفساید نباشد یا اینکه در موقعیت آفساید حریف خودی، تفاوت نکند. حال با بررسی این موضوع که جزو این قانون است می‌پردازیم تا بدانید که در راه اجرای همین شرط‌زنی چه مشکلات و چه مبهماتی وجود دارد.

**یکت امداف توپ در خط سیرش لمس میکند** (لمس در فوتبال معانی مختلف دارد. هنگامی که با دست باشد معنی برخورد عمدی توپ را با دست میدهد یعنی دست زدن به توپ و هنگامیکه با پا یا قسمتهای دیگر، معنی برخورد را میدهد و این جا همین معنی را دارد. آیا این توپ می‌تواند مورد بازی و استفاده فورواردی که در موقعیت آفساید است قرار گیرد؟

این یکی از بحث‌انگیزترین و حساس‌ترین و جالب‌ترین نکات بیان قانون است. دیر زمانی فکر میکردند که اگر حریفی در مسیرش توپی را که برای یک بازیکن در موقعیت آفساید فرستاده میشود لمس کند موقعیت آفساید تحقق خود را از دست میدهد و توپ می‌تواند مورد استفاده و بازی این حریفی که در آفساید بوده قرار گیرد. زیرا قانون می‌گوید آفساید روی توپی که از حریف می‌رسد گرفته نمیشود یا اینکه در موقعیت آفساید نمیتوان آفساید بود مگر اینکه توپ را بازیکن از همبازی خود گرفته باشد. در این استنباط یک تا سانی وجود دارد و آن اینکه مسئله را باید از دیدگاه تاریخ و زمان وقوع حوادث بررسی کرد.

اگر زمانیکه توپ بوسیله یک همبازی بازی میشود، بازیکن در آفساید باشد درست در همین لحظه عمل آفساید تحقق یافته و باید همین لحظه مورد قضاوت قرار گیرد و سوت زده شود. زیرا قانون آفساید از زمان ضربه آغاز میشود نه بعد از آن و داور باید بلافاصله سوت آفساید بزند و منتظر نتیجه کار نشود.

این حکم قانون است و مطالعه مسئله از نظر زمان وقوع حوادث. حالا اگر داور بعلمت اینکه حوادث سریع و بهم چسبیده روی میدهند، نتواند در فاصله ضربه و لمس حریف، سوت بزند و از روی ناچاری مدتی درنگ کند، چیزی فوت نشده است غیر از «وقت مناسب» و این فوت «وقت مناسب» حق را در گونه نمیکند. چه پیش از رسیدن توپ به پای حریف آفساید تحقق یافته و حالت خارج از قانون روی داده است و از یکت حالت خارج از قانون نمیتوان بعداً با بعلی استفاده قانونی برد. اگر وقت مناسب فوت نشود داور سوت زده، میتواند بعد از تغییر صحنه سوت بزند و زمان از دست رفته را بحساب نیاورد و لول اینکه در این ملت حریف توپ را لمس کرده و موجب تغییر صحنه شده باشد زیرا این عمل حریف نمی‌تواند اثری روی گذشته داشته باشد.

فیفا در کتاب خود در ماده ۱ «وشن گر» یا «تشریح قانون» می‌نویسد:

**آفساید نباید بهنگامی قضاوت شود که بازیکن توپ را دریافت میکند بلکه درست در لحظه‌ای که توپ به سود او از طرف یک همبازی فرستاده میشود باید مورد قضاوت قرار گیرد.** بازیکنی که هدف پاس همبازی خود قرار میگیرد و در زمانی که توپ بقصد او زده میشود آفساید نیست نباید آفساید تلقی شود اگر بهنگام طی مسیر توپ تا پرواز آن این بازیکن بدود و در موقعیت آفساید توپ را بدست آورد.

## یکت حالت دیگر

فرض میکنم توپ بوسیله قصد بازیکنی که در آفساید نیست فرستاده میشود. بهنگام پرواز توپ بازیکن هدف، میدود و به منطقه آفساید میرود (آفساید نیست) ولی اگر هنوز توپ به او نرسیده، یک حریف توپ را لمس کند و او سوزی این حریف توپ به بازیکنی که حالا در آفساید است برود در این حال چه وضعی پیش می‌آید؟ اندکی فکر کنید و خود جواب دهید و بعد بجواب ما نگاه کنید. ممکن است کسی بگوید چون در آخرین مکان، توپ بوسیله حریف بازی شده آفساید نیست؟ و کسی هم بگوید چون در زمان ضربه از سوی همبازی و پیش از لمس حریف آفساید نبوده آفساید نیست و اتفاقاً کسی هم بگوید که آفساید است. مسلماً این آخری اشتباه میکند و دوتای اولی هم راست می‌گویند با این تفاوت که در اصل حرف آنها صحیح و تفسیرهای آنان ناقص است. تفسیر این است که موقعیت در اصل آفساید نبوده است و اگر حریف دخالت نمیکرد آفساید نمی‌بود و حال چون حریف دخالت کرده و با پای خود توپ را بسوی بازیکن هدف فرستاده است بصحنه فوت بخشیده و حتی اگر داور شکی هم داشت دیگر بر طرف شده است زیرا بند سوم قانون آفساید هم بکنک داور آمده است.

با تمام این وجود اصح است که آفساید بعضی محض تحقق مورد قضاوت قرار گیرد تا از بحث و مناقشه و سوء تفاهم جلوگیری کند. این نکات دقیق و مشکل‌گای بوسیله داوران بدعمل میشود و گاهی نزد داوران تازه کار خوب مفهوم نیست. و مهمتر اینکه اکثر داوران نشسته غریبشول یعنی تماشاگران هم دور نشسته و هم قانون را خوب نمیدانند و اگر هم بدانند مسلماً تشرین نکرده‌اند.

کمسیون دآوری اتحادیه فوتبال اروپا روی این بحث تأکید میکند و در کتاب سالیانه خود موضوع را چنین بررسی میکند:

«در جریان بازی یک بازیکن در آفساید است ولی بعضی آنکه توپ را از پای حریف می‌گیرد آفساید قطع میشود بدین خاطر است که داور باید بلافاصله آفساید را قضاوت کرده سوت زده و بازی را درحالی قطع کند که توپ بسوی بازیکن در موقعیت آفساید می‌رود و نباید منتظر این شود که توپ به این بازیکن می‌رسد یا خیر. تویی که از پای حریف به بازیکن در آفساید می‌رسد آفساید نیست و اگر داور در این لحظه سوت زده یعنی در لحظه‌ای که توپ از پای حریف جدا میشود تارسیدن به بازیکن در موقعیت آفساید او خلاف قانون رفتار کرده است. مسابقه باید بلافاصله بعد از بازی بازیکن که میخواهد توپ را بقصد همبازی در آفساید خود بفرستد قطع شود.»

در این جا دو نقطه نظر پیش می‌آید یکی نقطه نظر کمسیون دآوری اتحادیه فوتبال اروپا و دیگری نقطه نظر بورد بین المللی و فیفا هیچ کدام با یکدیگر اختلاف ندارند ولی فیفا تفسیر اتحادیه فوتبال اروپا را نمی‌پذیرد زیرا اتحادیه برای جلوگیری از مناقشات که در مسابقات مربوط به این اتحادیه بین حرفه‌ای‌ها فراوان است از بررسی و وقت نظر روی لحظات وقوع حوادث و ترتیب زمانی وقوع آنها خودداری میکند یعنی مسئله را از لحاظ «کرونولوژی» مورد مطالعه قرار نمیدهد. و به این استاد میکند که بند سوم قانون خشک و نارساست.

کمسیون دآوری اتحادیه فوتبال اروپا که ناظر بر مسابقات سه جام باشگاهی اروپا و جام‌های ملت‌ها در طبقات ملی و ایدو جوانان است تفسیرهای بورد و فیفا را رد نمیکند و تفسیری در رد تفسیرهای بورد یا فیفا نمی‌آورد بلکه تأکید خود را روی بوقع سوت زدن داور ستر کز میکند تا اگر وقت سوت شد و داور سوت نزد صحنه دیگری پیش آمد دست داوران گرفتار خود را باز نگذارد. تفسیر نصیحت‌گونه کمسیون دآوری اتحادیه چیزی را عوض نمیکند و تنها سرعت در تصمیم‌گیری را تسلا کید میکنند. این سرعت در تصمیم‌گیری محققاً آرزو کردنی است اما اگر همانگونه که اکثر پیش می‌آید دآوری علامت برجه شک خود را ندید و آفساید را بسخاطر اشتباه سوت زده اومی‌تواند اشتباه خود را جبران کند و داری کند که حق و حقیقت حکومت است یعنی آفساید جریمه شود. حتی اگر درین راه حرفی توپ را لمس کرده باشد. آفساید یک خطاست و خطائی نابخشودنی. درست مانند هند با ایجاد سد و هرگز نباید از آن عبور کرد.

## موقعیت آفساید

آیا بازیکنی در موقعیت آفساید میتواند جریمه نشود؟

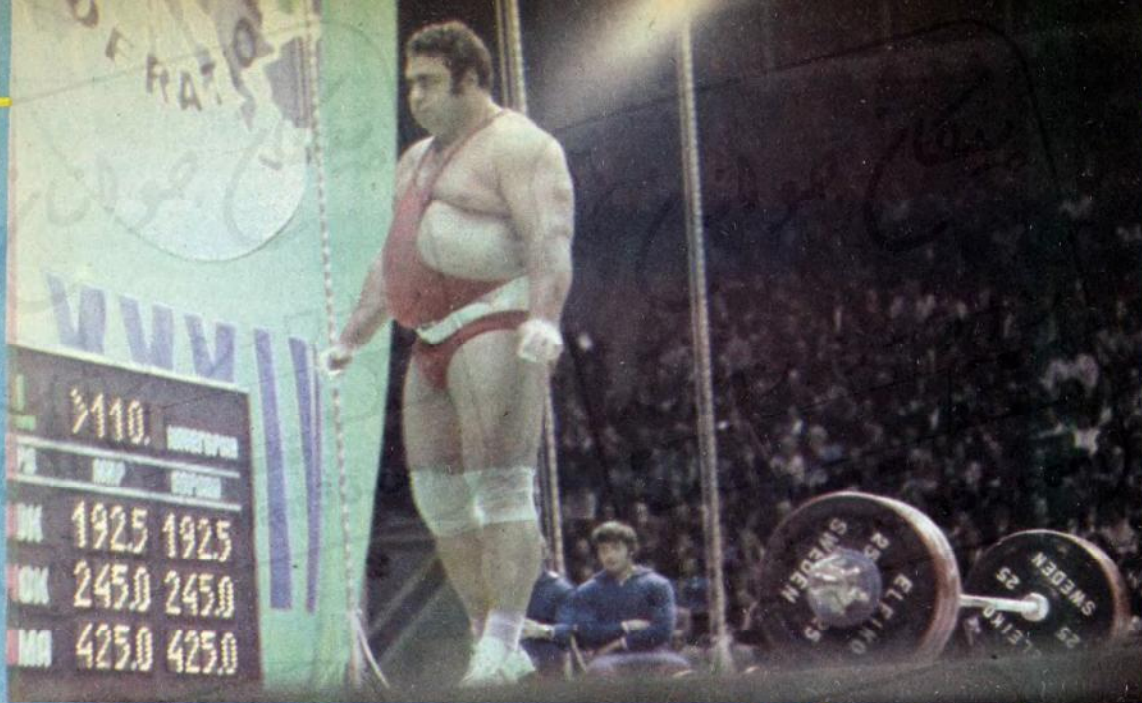
بله محققاً. و قانون صراحتاً می‌گوید که «بازیکنی در موقعیت آفساید جریمه نمیشود مگر اینکه روی بازی تأثیر داشته باشد یا حریفی را بیازارد یا در موقعیت آفساید سعی در گرفتن و یا بهره‌برداری از اوانتازی نماید»

باز هم این یکی از شرایط بسیار دشواری است که بند آخر قانون یازدهم برای داوران بوجود آورده است. زیرا تشخیص اینکه بازیکنی که در آفساید است چگونه در بازی تأثیر دارد یا ندارد، چگونه حریفی را متوجه خود کرده یا نکرده، چگونه سعی در گرفتن اوانتازی نموده یا ننموده است برستی مشکل است.

ممکن است بازیکنی در گوشه‌ای از زمین باشد و توپ در گوشه‌ای دیگر بازی شود و او عملاً در جریان بازی هیچ تأثیری نداشته باشد ولی واقعاً توجه مدافعی را بخود جلب کرده و یا مدافعی دیگر را متوجه ساخته و آنان را بجهه لیری در برابر این حریف از تراکم خود در مسیر توپ تا دروازه کاسته باشد که این خود بخود تأثیری در جریان بازی نداشته ولی جلب توجه حریفان را نموده و مزاحمتی برای آنان فراهم کرده است و بهمین نحو از این موقعیت اوانتازی می‌بست آورده است.

ممکن است بازیکنی برعکس در نزدیکی محل بازی با توپ باشد ولی نه توجه کسی را جلب کرده باشد و نه مزاحمتی فراهم نموده باشد و نه تأثیری در بازی داشته باشد ولی

بینه در صفحه ۲۰



# آکسیف مرد ۱۴ میلیون ریالی وزنه برداری

آیا با این حرکت لاک پشتی آکسیف به یکصد رگورد میرسد؟!

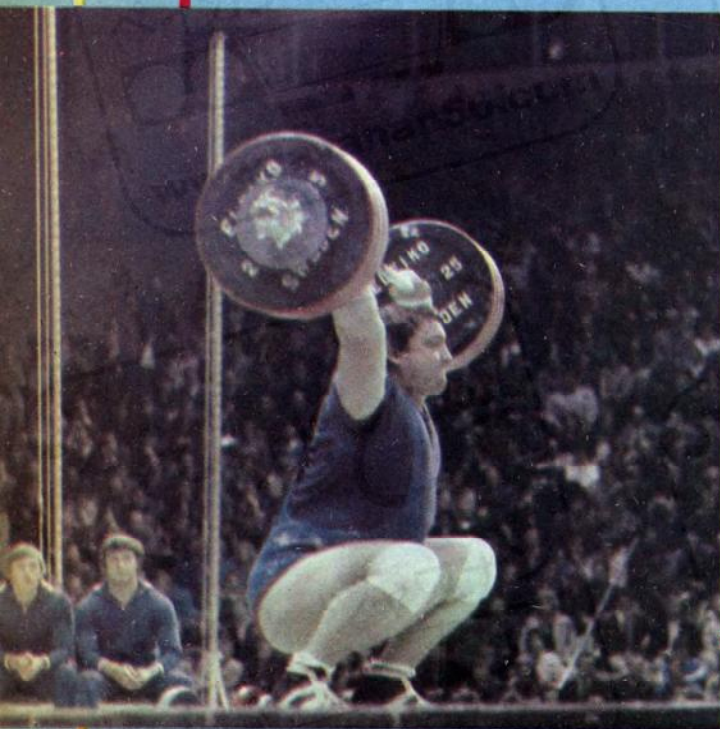
## بلاچگوف ۲۳ ساله در شکار ۲۰۰ کیلو یکضرب!

واسیلی آکسیف قهرمان شش ساله جهان، در المپیک مونترال - کانادا ۳۴ ساله خواهد بود. او در این مدت غیر از اینکه تاج قهرمانی المپیک ۱۹۷۲ مونیخ را بر سر نهاد، توانست ۶ بار رگورد های جهان را در حرکات مختلف پرس، یکضرب و دوضرب و مجموع سه حرکت سابق و دو حرکت جدید بر پا کند. در صورتیکه سیدانیم پوری ولاسف با آن همه عظمت فقط ۴۴ بار رگورد های جهان را زیر و رو کرده بود. راز تعدد رگورد شکنی های آکسیف در حرکت لاک پشتی اوست. او در هر مسابقه اگر خیلی هم سر حال باشد بیشتر از نیم و با یک کیلو رگورد های جهان رانمی شکند!

در مسکو شاهد آن بودیم که چگونه مدال طلاي دوضرب را عمداً به بونگ وزنه بردار جمهوری آلمان سپرد و رتت دنبال ۲۴۶ کیلو دوضرب، یعنی نیم کیلو بیشتر از رگورد جهانی خود و باز دیدیم که خیلی آسان آنرا بلند کرد. در صورتیکه وزنه بردار آلمانی با بلند کردن ۲۴۲/۵۰۰ کیلو مدال طلا در پالت کرد! و باز هیچ شکی نیست که از دیر باز آکسیف توان آنرا داشته و دارد که ۲۵۰ کیلو را بلند کند و اما چرا او بیش از یک کیلو با نیم کیلو رگورد های جهان را جابجا نمی کند. راز اینست که فقط خود آکسیف میدانند اما تا پادم نرفته باید بگویم با این نیم کیلو رگورد شکنهاو توانسته ۱۳/۶۸۰/۰۰۰ رتال پاداش بگیرد.

آرزوی آکسیف آنست که با ادامه رگورد شکنی تعداد آنرا به یکصد برساند این کار است که افراد تیمهای بزرگ مانند بلغارستان و حتی خود شوروی قادر بدان نیست. برای آکسیف هم شاید آرزو باشد زیرا دندان های رقیبان جوان او بسیار تیز است.

با نتیجه ای که خریستوبلاچگوف وزنه بردار جوان بلغاری با بلند کردن ۱۹۲/۵۰۰ کیلو یکضرب بدست آورد، یکبار ۵ کیلو رگورد جهانی آکسیف را در این حرکت درهم شکست و این دور از انتظار کارشناسان وزنه برداری بود. عده ای حصول این نتیجه را اتفاقی دانسته و نیروی او را موقتی می پنداشتند اما در مسابقه های قهرمانی جهان در مسکو ۱۵ هزار تماشاگر شاهد هنرنمایی او در یکضرب بودند و از نزدیک دیدند که او چگونه هنرمندانه و آسان وزنه ۱۹۰ کیلو را بالای سر پرواز در آورد. بلاچگوف در مسکو ۲۰۰ کیلو را نیز با مهارت فنی بسیار بالای سر برد. اما شاید همچنان بلند کردن این وزنه حماسه ای کلاسیک او را نیمه تمام گذاشت. در عکس او را در حرکت یکضرب ۱۹۵ کیلومی بینید. بلاچگوف (مکانیسن اتوبیل) ۲۳ ساله، متولد صوفیه، بالغ ۱۷۹ سانتی متر رقیب با پایانی آکسیف در المپیک مونترال خواهد بود.





## دنیای توپ گرد انگلستان متشنج است

### آقای فدراسیون، مواظب آینده هم باشید!

### آقای باشگاه، هوای چاههای سر راه را داشته باشید!

و برای نزدیکی هرچه بیشتر به منبع بوی خوش «پول»، به رقابتی پرداخته اند که برای بازیکنان خوشحال کننده است. اما در مقابل، کلاف سردرگمی را روزبه روز بیشتر به دست‌وپای باشگاهها می‌چید. چه این‌ها با کار خود «ستاره» می‌آفرینند. یعنی همان چیزی که انگلستان فرازان آن را محلی برای فوتبالش می‌بیند.

و در این میان فدراسیون هم از ضرر راه‌پیمائی باشگاهها در این مسیری بی‌نصیب نخواهد بود. زیرا این مسیری است که بالاخره روزی، تضعیف باشگاهها را باعث خواهد شد و به عبارتی تضعیف فوتبال و فدراسیونش را.

الی‌مازکوز، مفسر خبرگزاری فرانسه می‌نویسد:

«پول»، این چیزی است که دنیای توپ گرد انگلستان را در سطحی گسترده به تشنج انداخته است. آیا پیترا آندرسن، بازیکن هرمنده تیم «لوتون» (شهری در ۵۰ کیلومتری شمال لندن) واقعا می‌خواست با انتقال به «روال آنتورپ» (بلژیک) باشگاهش را از یک مصیبت سالمی براهاند؟

آندرسن در جواب قرارداد این انتقال «بله» گفت و باشگاه لوتون با ترمیم یک ضایعه اقتصادی ۹ میلیون تومانی، از ته قلب گفت: «آخیش».

این چنین ماجراهایی، موضوع یک داستان بی دربی ای است که حکایت از یک بحران مالی بی‌سابقه می‌کند. بحرانی که از هر سه باشگاه انگلیسی دو تایش در این بحران دست‌وپا می‌زنند.

در حال حاضر ۵۵ باشگاه از ۹۲ باشگاهی که در دسته‌های مختلف مسابقه‌های سراسری معادل ۱۳۰ میلیون تومان قرض بالا آورده‌اند.

«بورنلی»، «آستون ویلا» (زیربنگام)، «ولورهامپتون»، «کولینتارک رنجرز» (لندن) استوک سیتی، شفیلد یونایتد، میدلز برو و بالاخره همه باشگاههای دسته اول درگیر مشکلاتی از این دست هستند.

#### ۲۵ میلیون تماشاگر

رقم‌های بالا این تصور را بوجود آورد که دیگر ورزشگاههای انگلستان، محل هورا کشیدن برای قهرمانان نیست.

اما، با وجود اینکه فوتبال هر روز بیشتر شکلی دفاعی می‌گیرد، بار ۲۵ میلیون انگلیسی — البته ۳ میلیون و نیم کمتر از فصل (۹۶-۹۷) در شنبه‌های فصل گذشته فوتبال، در ورزشگاهها جا به جا شدند. که در این میان، خود بازیها هم

زیر عنوان «دنیای فدراسیون» در اندیشه فوتبال پرگلی است. دو هفته پیش و همینطور هفته گذشته، به بررسی قوانین آزمایش شده در سوناگوش نشستی و ضمن آن نوشتیم که شکل تدافعی رایج شده در فوتبال، مشکلاتی را برای باشگاهها موجب شده است. مشکلاتی که باورگردانی تماشاگر از فوتبال، صورت وحشت آورش را به دست اندرکاران این ورزش می‌نمایاند و از آغاز دهه ۷۰ باشگاههای اروپا را روزبه روز، بیشتر از پیش در گرداب سیاه مالی و نگرانی‌های آن فرومی‌برد.

هفته گذشته تفسیری از خبرگزاری فرانسه بستمآن رسید که ضمن اشاره‌های زودگذر به اثر فوتبال تدافعی، به بررسی جنبه‌ای دیگر از عوامل بوجود آورنده این مشکل در باشگاههای انگلستان پرداخته است.

البته قبلا هم به این نکته اشاره کرده‌ام که، با وجود گسترش روزافزون فوتبال در کشور ما، هنوز این ورزش شکل نهایی خود را نیافته است و به همین دلیل شاید آنچه که در سطح جهانی مطرح می‌شود برای ما ملموس و مفهومی نباشد.

با این حال، تولد روزه تزیاید باشگاهها و تیم‌های فوتبال باناهای گوناگون و گاه عجیب (ملک‌حسین) نشانه این است که بوی خوش فوتبال با بهتر بگوئیم بوی خوش «پول»، خیلی‌ها را به سوی خود کشیده است، غافل از اینکه در طول سیریه پیش می‌روند، چاههای بسیاری برای بلعیدن گمراهان دهان باز کرده است. چاههایی که در بلعیدن گمراهان «چاق‌تر» دهان‌گشادتر دارند.

اما، چه کسانی این چاهها را کنده‌اند؟ آنچه که از تفسیر خبرگزاری فرانسه و آمار و ارقام داده شده دستگیر می‌شود، حاکی از این است که دست‌کم خود باشگاهها در عمیق‌تر ساختن این چاهها بی‌تأثیر نبوده‌اند. هرچند که شرایط اقتصادی و بعضی نارسایی‌ها هم نقشی اصلی داشته‌اند که باید توجه داشت که راهی هم که دست‌اندرکاران ما هم در پیش گرفته‌اند به همان جایی ختم می‌شود که باشگاههای انگلستان یعنی مهد فوتبال جهان و بسیاری از کشورهای اروپا رسیده‌اند. به اضافه اینکه ما هم از شرایط اقتصادی مطرح شده در آن کشور مستثنی نیستیم و کم‌وبیش با آن و روبرو خواهیم شد چه به در صورت عضویت از اعضای اقتصاد جهانی هستیم.

در حال آنچه فعلا مطرح است، راهی است که باشگاههای ما در پیش گرفته‌اند

## آفساید این درد بی درمان بقیه از صفحه ۱۸

با این وجود چون دیده می‌شود و نزدیک بصبحة است آفساید میباید و جریمه می‌شود. سه اصل «تأثیر در بازی»، «آزار حریف» و «سعی در گرفتن اوتناژ» سه مسئله بسیار پیچیده است که قضاوت صحیح روی هر سه آنها در آن واحد برآستی بسیار مشکل است.

ثانوی گزار به این مشکل بزرگ توجه داشته زیرا تشخیص آنرا بعهده داور نهاده است قانون گزار از یک سو کمک برآحتی وجدان داور نموده و از سوی دیگر جلوی مباحثه و مناقشه تماشاگر و ادعای حریف را گرفته است و قدرت تصمیم‌گیری و تعیین حق را به داور داده است تا ناچار باشیم به او اعتماد کنیم چون در میدان مسابقه به تنها فردی که باید اعتماد کرد داور است.

پاره‌ای از داوران بحالت باریکن توجه میکنند و اگر او را دور از بازی و بدون توجه بازی در آفساید دیدند سوت نمی‌زنند و پاره‌ای دیگر میگویند او چون در آفساید است بهر حال خطا کرده و باید بازی قطع و بازیکن جریمه شود.

این حق داور است و حقی است که قانون به داور داده است و نمیتوان و نباید از او گرفت. ولی روح قانون حکم میکند که اگر بازیکنی در موقعیت آفساید بود و تأثیری در جریان بازی نداشت باید بازی ادامه یابد ولی با قدرت این نصیحت به اندازه‌ای نیست که حق تشخیص را از داور بگیرد بلکه فقط می‌تواند معیاری برای تشخیص درجه کارائی داور باشد.

#### نتیجه:

تشخیص اینکه بازیکنی در موقعیت آفساید در بازی مؤثر است یا خیر حریفی را می‌آزارد یا نه سعی به گرفتن اوتناژی می‌نماید یا خیر برای داور مشکل و برای بازیکنان و تماشاگران از آنها مشکل تر است پس باید داور اعتماد کرد و هرچه او و کمکش تصمیم گرفت محترم شمرد.

#### نصیحت

داوران باید سعی کنند که روی بی تأثیری بازیکنی که در موقعیت آفساید است دقت نمایند تا برابری روح قانون وقت اقدام کرده باشند.

#### پیشنهاد

اگر قراست در قانون تجدید نظر شود، برای آسان تر کردن کار باید بند آخر قانون آفساید حذف شود و هر بازیکن که در موقعیت آفساید است جریمه شود و از تأثیری بی تأثیری، از آزار حریف با بی آزاری و از سعی کردن با نکردن برای گرفتن اوتناژ صرف نظر کرد.

#### فرار به خارج

آیا بازیکنی خطا کرده است اگر خود را در موقعیت آفساید به بیند و آنگاه برای اینکه بداور نشان دهد در عملیات شرکت نداشته است از زمین بازی خارج شود؟ خیر. اما اگر داور تشخیص دهد که این حرکت منظوری تاکتیکی داشته است یا اینکه تشخیص دهد که این حمله‌ای بوده تا بلافاصله در عملیات شرکت کند داور باید بلافاصله او را جریمه کرده سوت آفساید بزند (این پاسخ را بورد بین المللی داده است).

پاسخ بورد بین المللی روشنتر تمام روایا نیست زیرا اولاً تشخیص چگونگی‌های یاد شده دشوار است و در ثانی باید داور پیش از قضاوت روی حالات این بازیکن متوجه مفهوم بند آخر قانون آفساید بوده باشد. اگر او بی تأثیر بوده و خارج فرار کرده باشد باید بی جریمه باشد چون ممکن است در تعقیب سرعت خویش از میدان بیرون رفته باشد و حتی نتوان او را برای خروج بی اجازه تنبیه کرد.

پاسخ بورد بین المللی می‌توانست چنین باشد: خیر از نظر آفساید جریمه نمیشود مگر اینکه مشغول مفهوم بند آخر قانون شود. زیرا بازگشت او به بازی و دخالتش در عملیات مشمول بررسی مسئله از لحاظ زمان وقوع حوادث میگردد.

یک بازیکن در موقعیت آفساید جریمه نمیشود مگر اینکه در جریان بازی تأثیر داشته باشد.

### جناب آقای هوشنگ گنجی مدیر کل تربیت بدنی خوزستان

مصیبت وارده و اصرامیما نه تسلیت عرض مینمایم

### مسئول تربیت بدنی آموزشگاههای دشت میمان — بشری

### جناب آقای گنجی مدیر کل تربیت بدنی خوزستان

مصیبت وارده و تسلیت عرض نمودم صمیمانه در اندوه آن جناب بسیم هستم

### کیسانی — غفوری

### جناب آقای گنجی مدیر کل تربیت بدنی استان خوزستان

مصیبت وارده و از طرف وزنه برداران و هیات وزنه برداری شهرستان سجد سلیمان صمیمانه تسلیت میگویم.

### جناب آقای گنجی

مصیبت وارده و تسلیت عرض نموده بای عمر خود و خانواده محترمتان را از قادر توانا خواهیم.

### از طرف ورزشکاران بانگملی دزفول — عبد الرحمن مجلسی

آقای هوشنگ سفلی کار

درگذشت ناگهانی پدر بزرگوار را از مصیبت قلب تسلیت میگوئیم.

از طرف کشتی گران شیراز — کرامت زنگ

به هر صورت تا حدی خواست تماشاگر را تأمین کرده است. برای نمونه بیست و چهار گل در یازده مسابقه دسته اول ها و بیست و هفت گل در دیدارهای دسته دوم ها چیزی بود که در هفته، اول ماه دسامبر دستگیر تماشاگران شد.

با این وجود، حضور این تعداد تماشاگر نتوانست باشگاهها را از گرداب مشکلات اقتصادی برهانند. زیرا یک تورم اقتصادی نگران کننده در یک سال گذشته بانرخ ۴۰ درصد، رهبران باشگاهها را در برابر واقعیت هائی قرار داد که در جریان فصل های گذشته به زحمت از تیر رس خطرهای آن گذشته بودند و این تورم روی حقوق بازیکنان، اساس و نظام پولی از حد گذشته اثر گذاشت و با یورش فزاینده آمدن افتاد هم قوی بالا می آید.

#### تجدید نظر انقلابی

برای اغلب مفسران ورزشی، تجدید نظری انقلابی در نقش «فوتبال نمایشی» غیر قابل احترام می نمود. در این میان گفته می شد که بعد از این باید باشگاهها را با توجه به قانون عرضه و تقاضا به شکل یک مؤسسه انتفاعی اداره کرد و این چیزی است که به تازگی دبیس هاول وزیر ورزش انگلستان - که خود یک داور قدیمی است اظهار می داشت:

« باید با از سر باز کردن فوتبال انحصاری، ورزشگاهها را به روی دیگران هم باز کرد و از ورزشگاهها به صورت یک محل «چند ورزشی» استفاده کرد. زیرا این نامعقول و غیر قابل توجه است که از یک زمین چندین هکتاری، تنها حدود چهل ساعت در سال بهره گرفت.»

در مقابل این اظهار نظر وزیر ورزش، رودنی استون، مدیر باشگاه دسته دوم «چالتون آتلتیکی»، به مقام خود، دستی بالاتر گرفت و حتی ورزشگاهش را برای اجرای یک کنسرت موزیک «پاپ» در اختیار ۷ هزار تماشاگر گذاشت.

«پرستون سیتی»، باشگاه دسته دوم دیگری است که می تواند در این زمینه یک نمونه باشد. این باشگاه در طول هفته ورزشگاهش را به یک مرکز عمومی تبدیل می کند که وجود رستوران، بولینگ و سایر تاسیسات سرگرم کننده ضوابط جلب مشتری برای این مرکز است. اما، این نقطه نظر از دیدگاه همه قابل قبول نیست و هستند کسانی چون «باب لرد» صاحب باشگاه «بورنلی» که با وجود یک بدهی بیش از ۱/۵ میلیون تومانی، بازمی گوید: «هیچ بحرانی در فوتبال انگلستان وجود ندارد!» آنچه از این قسمت از بررسی مفسر خبرگزاری فرانسه برای باشگاههای ما هشدار دهنده خواهد بود، همین مساله نحوه استفاده از زمین و امکانات آن است. چه، فدراسیون فوتبال ایران، در حال حاضر حتی برای دسته دوم های ایران هم، ضوابطی را که در آن زمین نقش اول را دارد، نخستین شرط ورود به مسابقه ها گذاشته است. و می بینیم که هر یک از باشگاهها، دست کم در مورد زمین، می کوشند با چنین کردن و بسیم کشیدن محدوده ای در حد یک زمین فوتبال، می کوشند به شکلی فدراسیون فوتبال را به انجام این قسمت از تعهد باشگاه، قانع کنند و در این راه یک

طرح تکمیلی ورزشگاه برای «آینده نزدیک» هم پیش روی بررسی کنندگان فدراسیون قرار میگیرد! غافل از اینکه همین زمین و نگهداری آن در همان «آینده نزدیک» برای جانشان خواهد بود مگر اینکه در طرح خود بهره گیری های دیگری را هم برای تاسیسات باشگاه پیش بینی کرده باشند تا همچون «چالتون آتلتیکی» دست کم امکان برگزاری یک کنسرت در زمین فوتبالیش مفری باشد برای قرار آفرینش های بالا آمده.

#### مشکلات

خبرگزاری فرانسه در دنبال تفسیر خود می نویسد:

باشگاهها دیگر نمی توانند از بحرانی که آنها را تهدید می کند بی خبر باشند. زیرا همه آنها در طول فصل گذشته به نحوی از یک تورم مالی بی سابقه آسیب دیده و تقریباً همه موجودی نقد خود را از دست داده اند. در این شرایط، همه آنها می که معمولاً از نظر مالی، باشگاهها را حمایت می کنند، چه مؤسسات صنعتی و چه مؤسسات تبلیغاتی و حتی بانکها در مقابل درخواست دادن باشگاهها، لب ورمی میکنند و بانک ها دادن سر جمله های «پروکویست» و «جلسه دارند» را توسط منشی خود تحویل می دهند. زیرا نادرند باشگاههایی که ورزش زمین و تاسیساتشان توانایی تضمین وام های بانکی باشد.

از طرف دیگر آنها می که موفق به دریافت وام شده اند، بسیاری شان سنگین تر شدن بیش از پیش سرسید حواله قسط های مختلفی را که به دفترشان می رسد هر روز بیشتر از دبروز حس می کنند. در چنین وضعی دویاسه شکست پایبی در سابقه ها و کاهش درآمد، کافی است تا فکرگر را به ته دیگ برساند و گاو صندوق را از پول نقد خالی کند و بی پولی و مشکلات آن چهره زشت خود را نشان دهد.

این وضع حتی برای آنها می هم که در مسابقه های خود ورزشگاهها را از تماشاگر

پر می کنند وجود دارد، از جمله «آستون ویلا» که در ریز کسری های این فصل خود افزایش هزینه های رفت و آمدهای خود را تا ۳۱ هزار تومان و هزینه های نگهداری تاسیسات را تا ۲۱ هزار تومان ثبت شده می بینند

#### فصل و سرنوشت

چنین موقعیتی سرنوشت باشگاهها را در طی مسیری انداخته است که مشکل نتوانند از آن فرار کنند. همچون درشکهای که در کوره راهی کوهستانی مجبور به عبور از جای چرخ درشکهای جلوتر است. اما کم نیستند کسانی که در زرم خروج از این سیر اتفاق نظر دارند.

برای پیش گیری راه جدیدتر و فرار از سرنوشت تعیین شده از پیش، بعضی باشگاهها مثلاً «آرسنال» (لندن) به تجدید نظری در ترکیب بازیکنان پرداخته است. دیگران نیز همچون لوتون، در جستجوی راهی هستند که با نجات از شر «ستاره ها»، در ضمن بتوانند ضایعه هایی را که در ترکیب بود چه آنها بوجود آمده است ترمیم کنند. اما این خواست هم گاه به انجام نمی رسد. زیرا باشگاههای دیگر هم تا حد امکان می کوشند در درشکهای «ستاره ها» گرفتار نشوند. همچنان که «آلن بال» کاپیتان قدیمی «یازده انگلیسی» و کاپیتان تیم آرسنال، با آرزوی ترک باشگاهش مجبور به ماندن است و بالاخره هستند کسانی هم که مانند «پرستون» می کوشند حداکثر سود را از زمین و تاسیساتشان بستان آورند و این بی تردید مشکل گشای برنامه های آینده است.

از طرف دیگر، باشگاههای درگیر با مسایلی بی پولی، به تازگی رزمیه دیگری آغاز کرده اند و راه حل دست کم قسمتی از مشکلاتشان را در این می بینند. آنها خواسته اند که درصد بیشتری از درآمد بنگاههای شرط بندی به باشگاهها تعلق گیرد. این بنگاهها در شرایط ...

ناساعد، بطور متوسط حدود ۳ میلیارد تومان در هر فصل درآمد دارند (۲ میلیارد فرانک یا ۳۰۰ میلیون لیره استرلینگ) که ۴ درصد آن به دولت تعلق می گیرد و فقط کمتر از ۳۰ میلیون تومان در اختیار باشگاهها قرار می گیرد و به عبارتی هر باشگاه در هر فصل حدود ۳۵۰ هزار تومان از این راه درآمد دارد و این نحوه تقسیم بر اساس قراردادی است که برای مسابقه های سراسری کشور تا سال ۱۹۸۶ یعنی تا ده سال دیگر با برجاست و همین، خشم عمومی باشگاهها را برانگیخته است.

«دریک وینز» مدیر «کاوتری» (از دسته اول) معتقد است که بنگاههای شرط بندی باست حداقل پنج درصد از درآمد هر فصل را - که حدود یک میلیون تومان است - به ما بدهند. اما در مقابل این خواست، دولت به نوبه خود اعلام کرده است که حاضر نیست برای فوتبال کمکی هر قدر نا چیز پیش بینی کند، هر چند که از این راه عواید بزرگی دارد. وزیر ورزش در آغاز سال ۱۹۷۵، این موضوع را بوضوح فهماند و تصریح کرد که به دنبال اغتشاشات و جنجال های ورزشگاهها، با وجود لزوم یک دوره اقدامات تأمینی، دولت هیچگونه کمکی نخواهد کرد.

از هم اکنون اقدامات طرح شده از جانب رهبران باشگاهها هر چه باشد، این نکته نباید فراموش شود که باشگاهها در مسیری هستند که باید سازمان خود را بر اساس روش های مدرن مدیریت بی ریزی کنند.

مبالغه نیست اگر گفته شود روزی خواهد رسید که باشگاهها، همچون سایر مؤسسات تجاری اداره شوند و آن هنگامی است که سه دسته از چهار دسته موجود در فوتبال انگلستان، از بازیکنان فقط به عنوان یک کارمند نیمه وقت دعوت خواهند کرد. مگر دسته اول ها که در میان آنها هم، تعداد باشگاههایی که نتوانند بازیکنان را بطور تمام وقت در اختیار گیرند، از تعداد انگلستان دست بیشتر نخواهد بود.

## هنرستان موسیقی فروغی کرمانی

با امتیاز رسمی از وزارت فرهنگ و هنر  
کدام را انتخاب میکنید

فقط با ۲۰۰ تومان ما شما یک گیتار امریکایی (با ستور) با جعبه و مضرب و کلید کوک یک جلد کتاب آموزشی یک کتاب آهنگهای خوانندگان روزیک دفترچه نت با ضافه دو ماه یاد دادن ساز بطور خصوصی در منزل یاد در هنرستان ساعت آزاد از صبح تا ۱/۵ شب اشتباه نکنید ساز هیچگونه لطمه ای بدرس و کار شما نمی زند

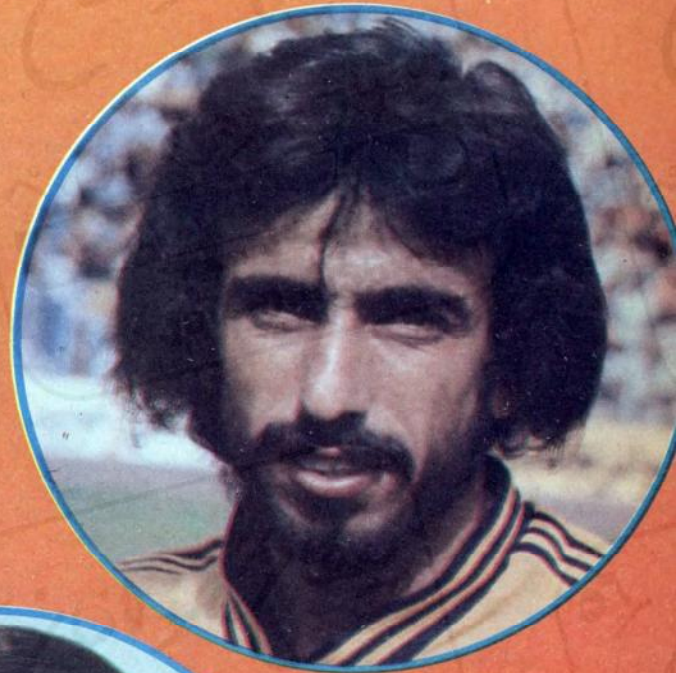
۱- سن از ۴ سال تا ۴۰ سال  
۲- دولطمه مکتب  
۳- همراه داشتن شناسنامه مکتب دار

خیابان شاهرضا روبروی دبیرخانه دانشگاه آرسیده ۲۳۴۵  
اسفند اول خیابان فروردین تلفن ۶۴۷۶۴

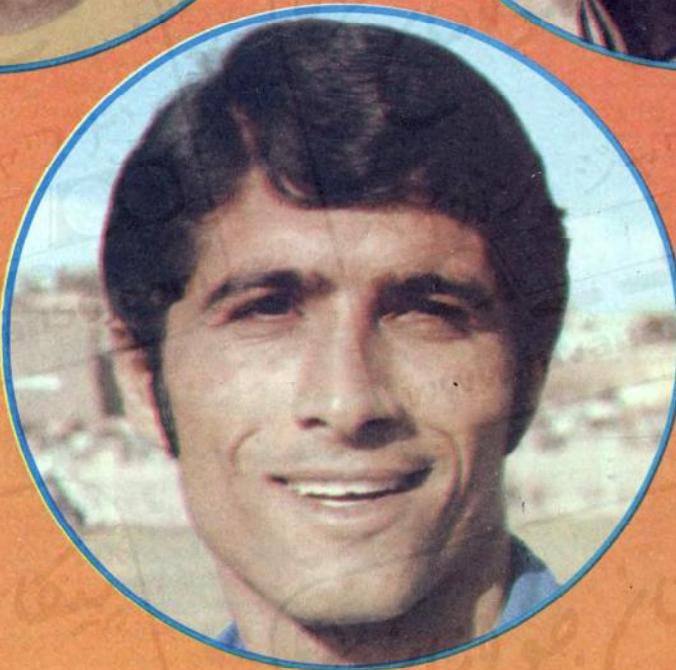


## راز بقای نمایندهٔ اهواز

## بازیکنی در باشگاه دوریه‌ی‌ها



داستان «محمدعلی ملکراده» داستان فراموش شده‌ها یا حداقل داستان اختلاف سلیقه‌ها را در مورد تیم امید مطرح می‌کند. با برآستی در مورد او توجهی نشده و مطالعه‌ی صورت نگرفته با ارزشهایش، ارزشهای دلخواه انتخاب کننده‌ها نبوده. بهر صورت بنظر ما او بازیکنی است که ارزش امتحان شدن را بیشتر از خیلی‌ها دارد. خصوصیاتش را در میان شناخته شده‌ها باید در نزد «عزیزی» جست. پرنفیس، پرتکنیک جنگجو و بسیار با هوش و بالاخره سنهای قد و وزن صاحب تمامی خصوصیات یک بازیکن بزرگ ... اگر آب و برق اهواز امسال سقوط نکرد دلیل اصلی را باید در وجود ملکراده و کارهای او جستجو کرد.



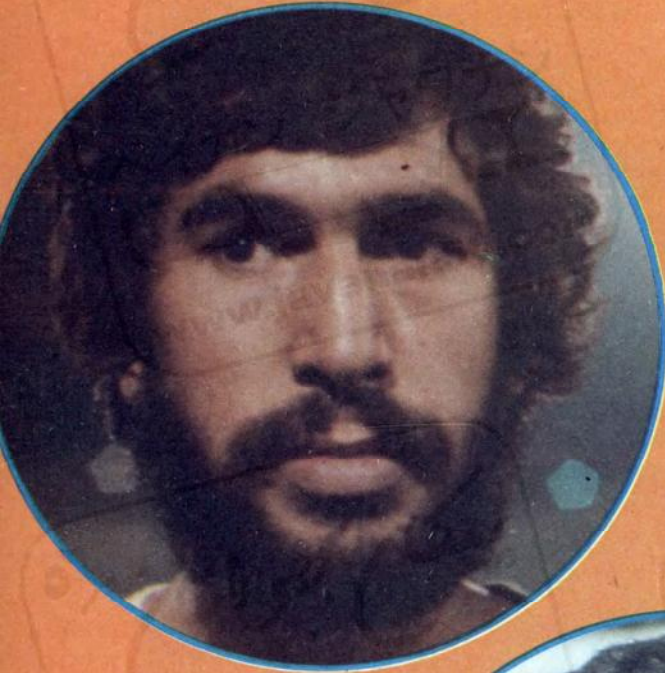
موتور تیمهای سپاهان و اصفهان در سالهای اخیر، درست‌ترین عنوانی است که می‌توان به «محسن یزدخواستی» داد. اما آنچه او را چنین محبوب و مورد احترام رهبران تیمهای ورزشی میسازد وفاداری، فداکاری و ادب و نزاکت مثال زدنی‌اش می‌باشد. بزرخواستی که از ابتدای تولد جام تخت جمشید از شناخته شده‌ها و مورد قبول‌ها بود، در فصل گذشته بار سنگینی در تیم سپاهان بدوش کشید و در توفیق نسبی این تیم جزو سهامداران بزرگ بشمار می‌آید.  
او از بازیکنانی است که به خاطر بر نفیس بودن لقب «دو ریه‌ی» می‌گیرند و در زمین بیشتر از یک بازیکن معمولی می‌دوند.

آبادان همیشه یکی را دارد که به عنوان گلزن ذاتی معرفی کند. جدا از همه آنهاهی که اینچنین معرفی شده‌اند و راه تهران را پیش گرفته‌اند اکنون یکی از قیمتی‌ترین‌ها هنوز در خدمت آبادان است. «ذوالفقار نظام آزادی» یک مرد برآستی قیمتی است که ارزش‌های نهفته بسیار دارد و شاید اگر روزی موقعیت تمی نفت چنان ایجاد کند که قادر به بروز تمام هنرهایش شود ما گوش راست با گلزن بزرگ خود را باخته ایم.

## گل زن مادر زاد!

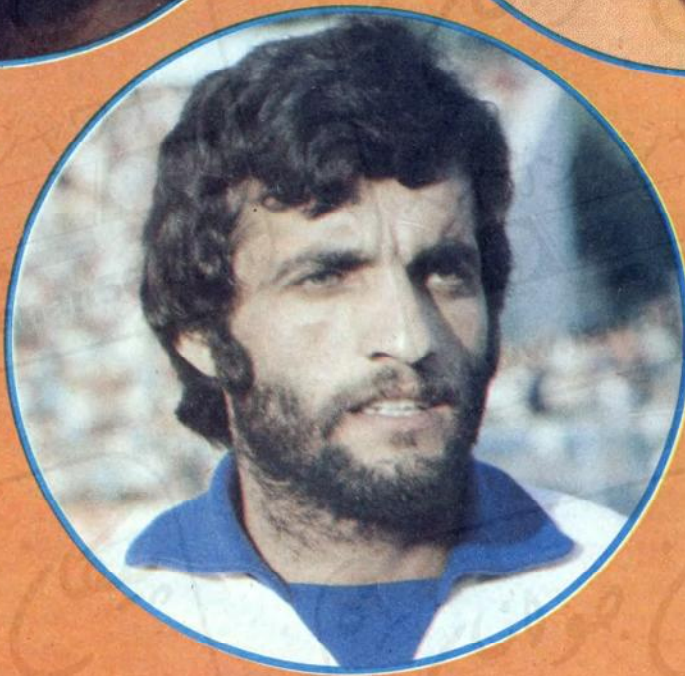
## این تولد دیگری است؟

## یک تازه پای کهنه کار



این چندمین بار است که «عسگرخانی» در سطح نخست فوتبال ایران مطرح میشود. از شش سال پیش که همراه تیم ملی به جام عمران منتقله بی رفت، بعد که در دروازه تیمهای کارد و پرسپولیس ایستاد و زمانیکه در فوتبال کویت گل کرد، همیشه و همیشه مورد نظر بوده و چشمهای بسیاری بدنبالش می گشته اما شاید در طول این مدت هیچگاه مثل فصل گذشته نتوانسته بود تمامی ارزشهای خود را بنمایش بگذارد. نمایش اخیر او بعد از شش سال شاید تولدی دیگر برای او باشد. عسگرخانی در جهش و عظمت تیم خراسانی نقشی بزرگ داشته و سزاوار هرگونه توجه است.

دفاع دارای استواری و استحکام خود را بیش از حد باید بدیون احمدسنجری، این سنتر-هافبک بلند بالا و قوی هیکل بداند. اهمیت کارسنجری بیشتر در اینست که میان سردان مقتدر خط دفاع دارای نمود و جلوه بی بیشتر دارد و گرچه دیرتر از نقیه، با به صحنه های بزرگ نهاده لیکن چنان کهنه کار نشان میدهد که اکنون براحتی رهبری این خط را بدست گرفته است، او را هم باید از سردان بزرگ جام سوم بدانیم.



قاسم سلطانزادی بار وفادار ملوان گرچه تا کنون کمتر از آنچه شایسته اش بوده، مطرح شده لیکن بی تردید یکی از پایه های استوار ملوان در طول چهار سال گذشته است. این هافبک ریز نقش طراح واقعی بازی ملوان است که صاحب روشن بینی، حضور ذهن و تیز هوشی خاص می باشد. بیشتر گلهای ملوان با پاسهای نفوذی و ناگهانی او خلق میشود. او در فصل گذشته نیز از بزرگان جام تخت جمشید بود.

## طراح تیزهوش ملوان

## انتقاد ساده است، اما نشان دادن راه حل منطقی برای از بین بردن مشکلات، آگاهی و بصیرت کافی می خواهد

مطالعه نوشته عطاءاله بهمنش و متن مصاحبه او با خبرنگار یکی از نشریات من جنوبی علاقه مند به ورزش را واداشت تا آنچه را که در تأیید و با رد گفته هایش بدهنم راه یافته، در جواب بروی کاغذ ساورم.

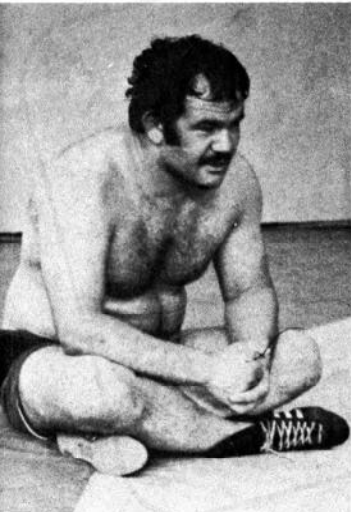
نخستین نکته ای که جلب توجه میکرد اینکته او پس از توضیح پیروزی میهمانان نوشته بود «میزبان را تدارکی دیگر لازم آمد» ولی از ذکر و توضیح بیشتری در این زمینه خودداری کرده و به اصطلاح جای هیچگونه بحثی باقی نگذاشته است که بنظر من خواننده، هر کس میتواند در اندیشه خود طرخی را از یک آرمان شخصی مجسم بنماید ولی در پیاده کردن آن بخاطر عدم آگاهی کافی و با متکی نبودن باصول و ضوابط قابل قبول در زمینه آنگونه طرخی ها دچار بکنوع الهام میشود که زائیده عدم اطمینان به صحت اندیشه ای است که در فکر خویش پرورده است و الا ذکر شواهدی که همه دیده، شنیده و یا خوانده اند، نمیتواند بین آگاهی و دانش کسی در رشته ای مخصوص در ورزش گردد.

پس از آن با ذکر این مسئله که کشتی بیمار است و با کشتی گیران طراز اول دنیا بسیار فاصله داریم و باید برای از بین بردن فاصله سریعتر گام برداریم» گریزی هم با اصطلاح به صحرای کربلا زده و با مقایسه نتایج حاصله توسط کشتی گیران ایران در سالهای ۱۹۷۱ صوفیه و ۱۹۷۲ المپیک سوئیس، این دوره را بعنوان یک دوران طلایی در تاریخ کشتی ایران یاد کرده است که این در ابتدای امر از سوی هر خواننده ای اطلاعی هم مورد تأیید واقع خواهد شد بخصوص اگر بداند که تیم کشتی ایران در سال ۱۹۷۱ که آقای بهمنش دبیر فدراسیون بود بمقام دوم دنیا دست یافت ولی همان تیم سال بعد در المپیک سوئیس با شکست مواجه شد و تنها یک مدال برنز توسط جوادی حاصل کارش بود. اما این مسئله برای آنها یکبارگی با کشتی و رویدادهای آن آشنایی دارند نمیتواند بان شکل مورد قبول واقع شود. باین ترتیب که همه آگاهان و حتی علاقمندانی که از دور ناظر بر وقایع کشتی میشوند میدانند که تیم کشتی ایران - سوی المپیک ۱۹۵۶ میلون در دیگر بازیهای المپیک بازده کارش بسیار ناچیز بوده و بقول بهمنش: از اینگونه سقوط و صعودها در تاریخ کشتی ما فراوان بوده است.

برای مثال نتایج کار تیم ایران در مسابقات جهانی ۱۹۵۹ تهران و المپیک ۱۹۶۰ رم را بسال ۱۹۶۱ یوکوهاما مقایسه میکنیم که چگونه ایرانیها با درخششی بی مانند با مدال کسب کردند که تا آن طلا بود. همین وضع در المپیک ۶۶ توکیو و جهانی ۶۵ سنچستر

## فیلابی در به در دیدن بالی حریف می گردد

اسکندر فیلابی قهرمان سنگین وزن کشتی آسیا یکی از تماشاگران بروی باقرص و بر حوصله نهمین دوره جام آرپامهر بود که تا آخرین کشتی در تالار مسجد شاهانه پهلوی می ماند و کشتی های آخر شب را که مربوط به سنگین وزن می شد دقیق تر از همه نگاه میکرد تا با کیفیت حریفان آینده خود آشنا شود. چون فیلابی پس از کسب دو مدال طلا از بازیهای آسیایی تهران اعلام بازنشستگی کرد ولی اخیراً دو باره هوس مبارزه به سراغ زده است و می خواهد بخت خود را برای ورود به بازیهای المپیک مونترال آزمایش کند. مثل اینکه تصمیم پهلوان خراسانی خیلی جدی است چون وقتی کار حریفان را در چارچوب مسابقه های جام آرپامهر ارزیابی کرد، از سرمربی تیم ملی کشتی آزاد ایران خواست که همراه یک کشتی گیر سنگین وزن را از تهران به مشهد اعزام دارد تا با او بهترین پروازند. فیلابی ضمن طرح این پیشنهاد گفت: تمام هزینه اهاب و ذهاب و مدت اقامت کشتی گیران اعزامی از تهران به مشهد را شخصاً تقبل می کند. و همچنین به صنعتکاران (سرمربی



تیم ملی) قول داد که از کشتی گیر اعزامی به مشهد دقیقاً مراقبت نماید و حتی یک روز از تمرین او غافل نباشد. ظاهراً این قرار داد لفظی بین فیلابی و صنعتکاران منعقد شد و فیلابی راهی دیار خود گردید. قرار است فیلابی هم تا برگذاری مسابقه های انتخابی المپیک - مونترال چند بار به تهران بیاید و همراه با حریفان خود تمرین کند.

## مربی ایرانی برای کشتی پاکستان

پاکستانی ها قبلاً هم یک مربی از ایران بخدمت داشتند و آن عبدالله معینوی بود که در طول یکسال اقامت خود در پاکستان به کشتی این کشور رونق خاصی بخشید. محمد اختر و محمد بشیر که از شاگردان معینوی بودند در مسابقه های بین المللی افتخاراتی برای کشور خود کسب کردند که مقام سومی محمد بشیر در بازیهای المپیک ۱۹۶۰ رم. ارزشی فوق العاده برای پاکستان داشت. در حال حاضر افغانستان هم یک مربی خارجی (از شوروی) در خدمت دارد که در نهمین دوره جام آرپامهر حاصل کار مربی روسی رضایت بخش بود. زیرا تیم ناقص افغانستان در این دوره با کسب ۱۸ امتیاز در بین ۶ کشور بمقام چهارم رسید.

پاکستانی ها که در نهمین دوره جام آرپامهر شاهد پیشرفت قابل توجه کشتی گیران افغانی بودند، برای آنکه از همسایه خود عقب نمانند، ب فکر «حرکت» در این رشته از ورزش افتادند که اولین اقدام در این راه استخدام یک مربی ایرانی بود. سرپرست تیم پاکستان بلافاصله پس از پایان مسابقه های جام آرپامهر طی نامه ای از فدراسیون کشتی ایران تقاضا کرد تا یکی از مربیان خوب خود را برای مدت ۶ الی ۱۲ ماه در اختیار فدراسیون کشتی پاکستان بگذارد. این تقاضا مورد قبول فدراسیون کشتی ایران قرار گرفت و تا چند روز دیگر مربی اعزامی به پاکستان معرفی خواهد شد.

## گله یک داور شهرستانی

حسین بهارستانی تنها داور بین المللی خراسان - که برای شرکت در کلاس ارتقاء داورى به تهران آمده بود - از بهات کشتی خراسان دل پر خونی داشت. او می گفت: «چند ماه پیش تیم خراسان جهت شرکت در مسابقه های بین المللی افغانستان راهی آن کشور شد در این سفر یک کشتی گیر فرتنگی کار مشغدی بعنوان داور همراه این تیم بود. که این مسئله موجب ناراحتی داوران کشتی خراسان و من شد که در مواقع حساس همیشه باز و مددکار هات کشتی خراسان بوده و هستیم.» بهارستانی اضافه کرد: «ما داوران شهرستانی - که با هزینه شخصی در کلاس های داورى بین المللی شرکت

بهمان شکل تکرار شد یعنی تیم شکست خورده ایران در المپیک توکیو در منچستر قهرمان دنیا شد.

ذکر مطلب بالا بدان دلیل بود که گفته شود منم در قبول این نکته که کشتی ما مرتب در حال زیروود شدن است با شما همصدایم و معتقدم که اینگونه درخششها و انوالها زائیده ندانم کاری و عدم توجه به بی انگندن زیربنایی مستحکم برای این ورزش میباشد و معتقدم که ما زمانی رستم بودیم و یکسخت اسلحه نیز اینک فرسوده شده و هیچکس هم در اندیشه نگهداری آن نبوده است.

اگر بخاطر داشته باشید فدراسیون خادم از اهم اقداماتش انجام مسابقات کشتی جوانان کشور بود - یعنی اولین فدراسیونی بود که ارزش وجودی جوانان را در ساختن زیربنایی محکم برای آینده ورزش شناخت و به پرورش آن همت گمارد و دیدیم که تبعیت فدراسیون فوتبال از این اندیشه تا چه حد بود و فوتبال کشور تمام شده است. ولی فدراسیون شما نه تنها با این مسئله توجهی ننمود بلکه آنرا از برنامه کار فدراسیون خارج ساخت فدراسیون شما حتی تیم کشتی را برخلاف همیشه به تفلیس نفرستاد. آیا تهیه ۱۰ الی ۱۵ هزار تومان برای اعزام کشتی گیران به تفلیس غیر ممکن بود...؟ مسابقه های نواحی تهران را خط زدید و کارت های امید را برچیدید. نتیجه آن شد که شما به پشتوانه اندیشیدید و نه با مادگی همان افرادی که در اختیار داشتید. این گفته را ننگی گذرا به آرایش تیمهای ایران از المپیک ۱۹۶۸ مکزیکو تا ۱۹۷۱ جهانی صوفیه روشن می کند یعنی شما نیز با خوردن از همان سرمایه حتی یک نفر را بعنوان چهره دیدید باز تازه شناخته به تیم ملی تعوییل ندادید. و این نبود مگر عدم توجه به مسائل بنیادی کشتی.

اگر خاطرتان باشد مجله کیهان ورزشی برای احیاء این ورزش و ویرای خدمت به فدراسیون شما بیش از ۵ هزار تومان خرج کرد و پس از چند سال تعطیل، مسابقه های جوانان را براه انداخت و سپس با سرامح مخصوص علیاحضرت شهبانو تیم جوانان ایران راهی ژاپن شد و در مسابقه های جوانان با بمالال طلا و یک نقره در مقام دوم دنیا ایستاد.

چرا شما دنباله آن درخشش را رها کردید و از توجه بان واقعی خودداری کردید و در پیروزی بیشتر آنان قصور ورزیدید انتقاد ساده است ولی نشان دادن راه حل و بصیرت کافی.

گفتی بسیار است ولی در همین جاسخن را در زیر یکرم و از جناب بهمنش هم بخاطر اینکه مبادا چیزی بگزارم گفته باشم عذر میخواهم.

با هو - اسحق رحمانیان

کرده ایم - دور از دید مقامات فدراسیون مربوطه هستیم و در سفرهای خارجی ما را بحساب نمی آورند. ولی انتظار داریم وقتی یک تیم از استان و یا شهر ما راهی خسارج می شود لااقل ما را هم بحساب بیاورند.

فخ آباد رال - تعال با نگاه افغان

## آرایش جلیبا

مردانه

با جدیدترین متد و با ورزیده ترین آرایشگران به زیبایی شای افزایش

فرشگاه سردرگرم زیر نظر متخصصین زن

تلفن ۳۳۱۲۳۱



خبرگزاری فرانسه :

## خانو کارلوس مردسال ورزش محمدعلی نرد هم !

خبرگزاری یونایتد پرس :

### محمدعلی بهترین مرد ورزشکار سال ۱۹۷۵ !

خانو کارلوس دیوالیورا، سرخوسه جوان ارتش برزیل که در بازی های گذشته قاره ای امریکا به دو مقام قهرمانی مسابقه های دو میدانی دست یافت، به عنوان بهترین مرد ورزشکار سال ۱۹۷۵ انتخاب شد.

مقام بهترین زن ورزشکار راه بیلی جین کینگ، امریکایی بست آورد که در دوره گذشته مسابقه های تنیس ویملدون برای ششمین بار قهرمان شد. در این انتخاب که از طرف سرویس های ورزشی خبرگزاری فرانسه انجام شد. است، خانو کارلوس ویلی جین کینگ در صدره برگزیده ورزشکاران ۱۹۷۵ قرار گرفته اند. در شرایطی که ادی رگس و محمدعلی در ده های پانزین جدول قرار دارند

خانو کارلوس در این مقام، برتر از دو ورزشکار امریکایی قرار گرفته است: «بروس جیمز» رکورددار مسابقه های دهگانه جهان و «نیم شاول» آفریننده چندین رکورد تازه در شنا. خانو کارلوس قبل از آنکه با به جا گذاشتن رکورد برش سه گام ۱۷ متری و «سانتیتری»، خود را به عنوان غولی تازه در دو میدانی جهان معرفی کند، با برش ۸ متری و «سانتیتیر» در مسابقه های پرش طول، بالاترین رکورد را میان پرند های امریکایی بست آورد و بعد از این مقام بود که در پرش سه گام با ۱۷ متری و «سانتیتیر» رکورد «ویکتور سانیف» شوروی را خرد کرد.

در انتخاب بهترین زن ورزشکار سال ۱۹۷۵، بیلی جین کینگ، برتر از «فاینا منلیک» قهرمان دو میدانی شوروی شناخته شده است. در حالیکه فاینا منلیک اولین زن برتربا کشته های است که دیسک را به بیش از ۷۰ متر پرتاب کرده است و علاوه بر تخصصیت ورزشی به نوعی محبوبیت اخلاقی دست یافته است. دلیل برتری «بیلی جین کینگ» را باید به حساب ششمین مقام قهرمانی اش در مسابقه های ویملدون گذاشت که در ۹ دیدار نهایی صاحب ششم است و این شاهکاری است که این تنیس باز برای همیشه می تواند به آن افتخار کند.

#### رده بندی «بهترین» ورزشکاران مرد:

- ۱ - خانو کارلوس دیوالیورا (برزیل) دو میدانی
- ۲ - بروس جیمز (امریکا) دو میدانی
- ۳ - تیم شاول (امریکا) شنا
- ۴ - نیکی لودا (اتریش) اتومبیل رانی
- ۵ - جان والکر (زلاندنو) دو میدانی
- ۶ - گوستاوو توتینی (ایتالیا) اسکی کوهستانی
- ۷ - سویداندو (ژاپن) جودو
- ۸ - ادی مرکس (بلژیک) دوچرخه سوار
- ۹ - جانی سکوتر (ونزوئلا) موتور سیکلت رانی

### آخرین آهنگ سال از بلاچکوف

۱۹۸ کیلو بکضرب - ۴۳۲/۵۰۰ کیلومجموع

خریستو بلاچکوف وزنه بردار غول پیکر ۲۳ ساله بلغاری هفته گذشته با بلند کردن ۱۹۸ کیلو در بکضرب و ۴۳۲/۵۰۰ کیلو در مجموع دو رکورد جدید جهانی به ثبت رساند. بلاچکوف با این رکورد شکنی در مسابقه های داخلی شوروی آخرین آهنگ سال را در دنیای وزنه برداری سال ۱۹۷۵ نواخت. او این رکوردها را سه روز مانده به پایان سال ۱۹۷۵ مسیحی به ثبت رساند و به برتری حماسه بی واسیلی آلکسیف (قهرمان شوروی) پایان داد. بلاچکوف نخستین رکورد جهانی خود را با بلند کردن ۱۹۸ کیلو در آزمایش چهارم (خارج از حرکات قانسونی) بست آورد. در این حرکت او مهارت خود را از شش ماه پیش بارها ثابت کرده بود و برای پنجمین بار بود که رکورد جهانی را در حرکت بکضرب شکست بدینتر از: ۱۹۰، ۱۹۲/۵۰۰، ۱۹۵، ۱۹۷/۵۰۰ کیلو گرم.

- ۱ - آرتوراش (امریکا) تنیس - محمدعلی (امریکا) شش زنی . اولک بلوخن (شوروی) فوئبال . کی دروت (فرانسه) دو میدانی . جان ستراسی (بریتانیا) تنکه جانب شش زنی اینکه به این انتخاب خبرگزاری فرانسه در شرایطی است که خبرگزاری یونایتد پرس محمدعلی را بعنوان نفر اول انتخاب کرده است!

#### رده بندی زنان:

- ۱ - بیلی جین کینگ (امریکا) تنیس
- ۲ - فاینا منلیک (شوروی) دو میدانی
- ۳ - کورنلیا اندو (جمهوری دموکراتیک آلمان) شنا
- ۴ - آن ماری پروئل (اتریش) اسکی کوهستانی
- ۵ - لودمیل توریچوا (شوروی) ژیمناستیک
- ۶ - شرلی باباشوف (امریکا) شنا
- ۷ - کریستین چانلیچ (جمهوری دموکراتیک آلمان) قایقرانی
- ۸ - تیبک لوبما (هلند) دوچرخه سوار
- ۹ - کریستین اهرارد (جمهوری دموکراتیک آلمان) پاتیناژ هنری
- ۱۰ - نادبا کویانس (رومانی) ژیمناستیک . رنات استجر (جمهوری دموکراتیک آلمان) دو میدانی . لئلا لوبباردی (ایتالیا) اتومبیل رانی.



در مسابقات قهرمانی جهان در مسکو (هین اسمال) اتفاق افتاد. آلکسیف مثل همیشه مغرور است و با پانزین تر از خود (بلاچکوف متواضع) دست میدهد. در موتورال وضع چه خواهد بود؟ بهین شکل؟ با این بار بلاچکوف بجای آلکسیف خواهد ایستاد؟

در حرکت دوزرب برعکس گذشته که قطعه ضعف او بود در حد متوسط ظاهر شد و با بلند کردن ۲۳۵ کیلو وزن شکنی رکورد ملی بلغارستان سنگین ترین مجموع عالم را با بست آوردن ۴۳۲/۵۰۰ کیلو (۲/۵۰۰ کیلو گرم بیشتر از واسیلی آلکسیف) برپا کرد.

### افتخاری دیگر برای محمدعلی

دوم برگزیده شد.

#### ده مرد ورزشکار برتر سال ۱۹۷۵

- ۱ - محمدعلی - شش زن امریکایی
- ۲ - آرتوراش - تنیس باز امریکایی
- ۳ - نیکی لائورا - قهرمان اتومبیلرانی اتریشی
- ۴ - خانو دو اولیورا - پرش سه گام برزیل
- ۵ - تیم شاول - شناگر امریکایی
- ۶ - جان واکر - قهرمان دو میدانی زلاندنو
- ۷ - گوستاوو توتینی - اسکی باز ایتالیایی
- ۸ - پیتربیش کالب - قهرمان قایقرانی آلمانی
- ۹ - جانی سکوتو - قهرمان موتورسواری ونزوئلا
- ۱۰ - فرانتز کلارمر - اسکی باز اتریشی

#### ده زن ورزشکار برتر سال ۱۹۷۵

- ۱ - آن ماری پروئل - موزر - اسکی باز اتریشی
- ۲ - کورنلیا اندر - شناگر جمهوری دموکراتیک آلمان
- ۳ - فاینا منلیک - قهرمان پرتاب دیسک شوروی
- ۴ - کریس اورت - تنیس باز امریکایی
- ۵ - بیلی جین کینگ - تنیس باز امریکایی
- ۶ - لودمیل توریچوا - ژیمناست شوروی
- ۷ - شرلی باباشوف - شناگر امریکایی
- ۸ - ایرینا ژویسکا - قهرمان دو میدانی لهستان
- ۹ - رنات استاجر - دهنده جمهوری دموکراتیک آلمان
- ۱۰ - لوسیندا پرپور بالمر - قهرمان اسب سواری انگلیسی

# تد یا شوپلی قوی ترین کشتی گیر روز دنیا



«لوان تد یا شوپلی» در حال حاضر بهترین کشتی گیر جهان است. تد یا شوپلی از سال ۱۹۷۱ وارد مسابقه های جهانی شد و تا به امروز در کلیه مسابقه های بین المللی بدون شکست بوده است. او تنها یک باخت در دیدار خانگی برابر هموطنش ولادیسیر کلودکین داشته است که این شکست نمی تواند از ارزش پیروزیهای درخشان تد یا شوپلی بکاهد. چون تد یا شوپلی در مسابقه های قهرمان کشتی آزاد اتحاد جماهیر شوروی از وزن ۹۰ کیلو به وزن ۱۰۰ کیلو صعود کرد. که این یک آزمایش برای او و ولداسون کشتی شوروی بود. چون شورویها می خواستند از یک رقابت مثلث بین تد یا شوپلی، با ریگین و کلودکین سه چهره ناسور کشتی جهان نتیجه بگیرند که در این رقابت کلودکین پیروز شد و تد یا شوپلی با موفقیت در برابر با ریگین قهرمان المپیک مونیخ و جهانی تهران تنها به کلودکین با استیلا باخت و دوم شد.

تد یا شوپلی در سال ۱۹۷۱ برای اولین بار وارد مسابقه های جهانی صوفیه شد و مقام اول وزن ۸۲ کیلوگرم را بدست آورد. او این مقام را در بازیهای المپیک مونیخ نیز تکرار کرد. در مسابقه های جهانی ۱۹۷۳ تهران وزن ۹۰ کیلو صعود کرد و پانزدهم قهرمان شد. در مسابقه های جهانی ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ استانبول و مینسک نیز مدال طلاي وزن ۹۰ کیلوگرم را برگردن او بست. در عکس تد یا شوپلی را به همراه یک دختر خردسال هموطنش روی سکوی قهرمانی وزن ۹۰ کیلوگرم مسابقه های جهانی ۱۹۷۳ تهران می بینید که در کنار او هورست اشتوت مایستر از جمهوری دموکراتیک آلمان (نفر دوم) وین پترسون از آمریکا (نفر سوم) قرار دارند.

# تاج با آبشارهای کوتاه موفق شد



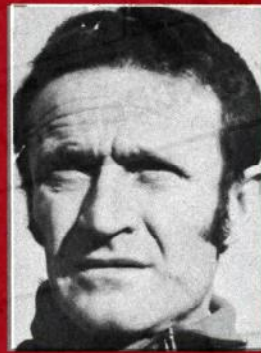
دیدار تاج تهران و آبگینه قزوین یکی از سه دیداری بود که در نخستین روز از هفته سوم بازی های برگشت والیبال جام پاسارگاد برگزار شد.

تاج به دیدار تیمی رفت که در شهر خود هم از تاج شکست خورده بود و این بار هم نتیجه ۳ بر صفر به سود تاج به ثبت رسید. تاج در این دیدار با آگاهی، به نقطه ضعف حریف بیشتر روی پاس های کوتاه و سریع آبشار زد و موفق شد. اما هرگاه مدافعان آبگینه همچون این صحنه به دفاع می رفتند، ثبت امتیازهای تاج به تأخیر می افتاد.

در اینجا محمدرضا علیخانی (شماره ۵) و جعفر میرزا قواسی مهاجم خوب آبگینه، آبشار احمد پور کاشیان را سد کرده اند. در حالیکه ذوقی دورتر از همه و رسول آوازی و مهدی ضا برپور (در زیر تور) منتظر نتیجه هجوم پور کاشیان هستند.

# رایکوف:

## چرا حجازی و مظلومی خود را بت میدانند؟



## کار من تمام نیست، من هنوز بهترینم!

وقتی گردونه جام سوم از حرکت ایستاد، تاج یک مهربان بازنده بود که برای نخستین بار سه پله از قهرمان جام و رقیب دیرینه خود عقب ماند. تاجبها با وجود این شکست معنوی، در حدود نیم میلیون تومان از جام سوم سود مالی بردند و این رقمی است که در دوره جام تخت جمشید، هرگز به کسیه تاج نرفته بود و حالا آنها با این پول قصد سرمایه گذاری در راه جوانان دارند و از اینکه در این دوره زیر ضربات سنگین قرار گرفتند، کمتر چهره تلخ بخود می گیرند.

تاجبها روزگار را بروفق مراد خود نمی دانند اما از اینکه بعد از پرسپولیس، هما و پاس قرار گرفتند، بدنبال بهانه جوئی نیستند. آنها خیلی ساده می گویند: بسا علیه هیچ تیمی جبهه نمی گیریم. ورق برگشته، اما سادرتعقب هدفهای تازه هستیم؟

این هدفهای تازه کدام است؟ تاجبها در توضیح بیشتر این هدفها همه برکهای خود را رونمی کنند. زیرا فکر میکنند که هنوز در پشت سر آنها عدای مواظب هستند ولی وقتی قصد گفت و شنود و مباحثه دارند، کمتر سخت گیری می کنند و تکیه کلاسهان این است که فوتبالتاج هنوز تماشاگرترین فوتبال ایران است. هرچند کوله بار ما از شکستهای اتفاقی پر و سنگین شود. با اینهمه برای باشگاه بزرگ پایتخت، شمارش حدود نیم میلیون تومان سود از یک درآمد یک میلیون و سیصد هزار تومانی، تسکین خوبی برای لیخند زدن است و این میرساند که هنوز بعد از پرسپولیس، تاج یک وزنه معتبر است که باعث حساسیت

در نزد تماشاگران مست و انتخاب این تیم برای گفت و گوی این هفته بهمین دلیل است و حال آنکه اگر به نتایج ورده بندی نگاه میکردیم، مبیایست بعد از پرسپولیس ها بسراغ تیم همایرقتیم.

### ستاره با پد برای تیم کار کند

برای گفت و گو با مسئولین فوتبال باشگاه تاج، بسراغ کوزه کنانی و رایکوف رفتیم. ایندو درست سرپرست تیم و مربی تیم، هنوز وظایف محکم دارند. در شروع مصاحبه تکلیف خود را روشن کردند و بآنها گفتیم:

اینجا میز محاکمه نیست اما بیایند صریح و قاطع حرف بزنیم. در جام سوم، تاج مانند یک گلونه در سراسر اقتصاد، هر تیمی بپدیدار تاج آمد بهشما آسیب رساند. نظم تیمی نداشتید و آنچه ستاره و پاران ملی پوش ناپیدا بودند. تیم تاج آنقدر کم گل زد که انکار فقط برای دفاع میماند. مشکل تیمی شما چه بود؟

رایکوف پاسخ میدهد: نه اینطور نیست. تاج اگر نتیجه نگرفت این به دلیل ضعف تیمی نبود. ما خوب شروع کردیم اما بعد چند ضربه بی دربی خوردیم. وقتی جام سوم شروع شد، به بچه ها گفتیم: ما قهرمان هستیم. همه بسرای ما دندان تیز میکنند و لازم است کسسه با قدرت ظاهر شویم. با این روحیه برای خرد کردن همه تیمها آمدیم اما پیش بینی های ما بوقوع نه پیوست و گرفتار مسائلی شدیم که دور از تصویرمان بود.

— روحیه قدرت طلبی و خودنمانی خطرناک است. تاج با تجربه بود و باید میدانست که خرد کردن استخوانهای بقیه تیمها کار آسانی نیست. چطور شما نتوانستید به این واقعیت بیاندیشید؟

رایکوف: این قبول، اما تیم ما یک اشتباه دیگر هم کرد. وقتی در برابر تراکتورسازی شکست خوردیم، من مصمم شدم که تیم را جوان کنم. زیرا مقام قهرمانی را بسیار دور از دسترس می دیدم اما برای نشانیدن یاران بزرگ روی نیمکت ذخیره ها، تردیدهایی بوجود آمد و حالا من متاسفم که هم در زمینه نتایج شکست خوردیم و هم برای جوان کردن تیم بموقع دست بکار نشدیم.

### آقای رایکوف! این اشتباهات متوجه

شماست. خیلی ها در گذشته می گفتند: رایکوف اشتباه نمی کند. اما در جام سوم دیدیم که تیم شما میل به گلزنی نداشت و حال آنکه بهترین گلزنان مانند مظلومی، سوزدهی، عادلخانی، روشن و جباری را در اختیار داشتید. چرا نتوانستید از وجود آنها بهره لازم را ببرید؟

رایکوف: ما بد اقبال ترین تیم این دوره بودیم. تیم ما صاحب موقعیت های زیادی برای گل زدن شد که همه را از دست داد و بعد در میان موج غافلگیری، تویی پدرون دروازه ما رفت. در طول ۹۰ سالگی مظلومی در تاج بود، هیچگاه او را ما نمانند این دوره پراشتباه و ضعیف ندیده بودم. جباری که کلید تیم بود، نشانی از آمادگی نداشت. عادلخانی امیدهای ما را برآورده نکرد و مژدهی اغلب مریض و در خدمت نظام بود. تنها یک روشن را در خط حمله داشتیم که همه مسئولیت بدوش او بود. شما اگر بجای من بودید چکار میکردید؟

— یک کار خیلی ساده آقای رایکوف! پاران جوان را از روی نیمکت ذخیره ها بداخل میدان مفرستادم. بعنوان نمونه نگارش را به بازی نگرفتید و بعد هم مانند کهنه خیس دور انداختید. چرا؟

رایکوف: این استنباط شماست اما نگارش و بقیه باید خود را در زمین نشان بدهند تا لیاقت رفتن به میدان مسابقه را داشته باشند. هر بازیکن و هر ستاره باید برای تیم کار کند و به تیم نیرو بدهد. در غیر اینصورت مورد قبول مربی تیم نیست. حجازی، مظلومی و نگارش را بهمین دلیل رها کردیم.

### روش من هنوز بهترین است

— از اینها بگذریم، بیایند صادق باشیم. شیوه

تمرینی شما برای تیم تاج نه براساس بازی روی زمین و عملیات کوتاه به روش تیمهای اروپای شرقی است، برای تاج بعد از ۹۰ سال تا کنیک چندان موثر نبوده است، در فوتبال ما با آمدن چند مربی انگلیسی، روش پاسهای بلند و قدرت بدنی و درگیری رواج یافته و با یک نگاه مینییم که آنها موفق تر بودند. فکرنمی کنید کار شما تمام است؟!

رایکوف: بنظر میسرند ما نما هم فاصله داریم. تیم تاج همیشه یک تیم زیبا و تماشاگرانی بوده و فوتبال را در سطح و کلاس بین المللی ارائه داده و این تیم حتی اگر شکست بخورد تماشاگران را راضی می کند. در حالیکه تیمهای دیگر « ضد بازی » دارند و تنها روی اتفاق و شانس و اشتباهات حریف صاحب گل میشوند و این شیوه در فوتبال دنیا مردود است. من برای مقابله با روش انگلیسی تیمهای ایرانی — که البته بدرستی آنرا پیساده نمی کنند — بارها تکرر کردم اما بعداً متوجه شدم که این کار غلط است زیرا وقتی طرح و نقشه تیمهای فوق پایه و اساس ندارد، فکر کردن در این مورد منطقی نیست. همیشه بزرگترین مسأله برای مربی این است که تیش چرا گل نمیزند و موقعیت برای زدن گل پیدانی کند؟ اما ما در تیم تاج، موقعیت های فراوان داشتیم ولی از آنها نتوانستیم استفاده کنیم اما برای جام چهارم، من در تیم تغییراتی خواهم داد تا به هدف گل زدن نزدیگر شویم چون حالا که در فوتبال ایران خدیجی نتیجه میدهد، پس باید راه مقابله — یا همتاگی — با آنرا پیدا کرد.

## کوزه کنانی: شهباز اصلت شاهین را ندارد



## مربی تیم کلن را برای کمک به رایکوف استخدام می کنیم

— شما برای جام چهارم مظلومی، حجازی، عادلخانی، نگارش و تنی چند از یاران خوب خود را از دست دادید. بویزه قضیه رفتن حجازی و مظلومی غافلگیر کننده بود. تاج خیلی راحت آنها را از دست داد. آیا اختلافاتی در بین بود؟

کوزه کنانی: من این را تکذیب می‌کنم. رفتن آنها ما را متأسف کرد حجازی همیشه برای ما یک سنگرمحکم بود. مظلومی هم گلکهای حساسی برای تاج زد و رفتن آنها از باشگاه تاج بدرخواست خودشان بود. ایندو حشق دارند که آزاد باشند و پیراهن باشگاه دیگری را بپوشند البته ناگفته نماند که آنها برای ماندن در تیم خود، شرایطی هم داشتند که چون با امکانات ما تطبیق نمی‌کرد به توافق نرسیدیم. متأسفانه در فوتبالیست ما دیگر عشق به باشگاه و یک پیراهن همیشگی معنی ندارد.

— اما آنطور که ما شنیدیم، دعوت مجدد شما از رشیدی در رفتن حجازی بی تأثیر نبود و علاوه بر این، یک دروازه‌بان بزرگ طالب قرارداد ویژه است که شما بان توجه نکردید.

کوزه کنانی: حجازی و رشیدی دو دروازه‌بان با کلاس ایران هستند که متأسفانه ما نتوانستیم هیچوقت ایندو را باهم داشته باشیم و وقتی مشکلی پیش بیاید، طبعاً باید یک نفر را انتخاب کرد.

رایکوف: چرا باید یک بازیکن چاقو زیر گلو آدم بگذارد و بگوید یا . . . هزار تومان من بدهید و یا من میروم؟ خوب بگذارید برود! ما که در ایران فوتبالیست‌ها استثنائی نداریم که با او قرارداد ویژه امضاء کنیم من همیشه تعجب می‌کنم که چرا در این مملکت حجازی‌ها و مظلومی‌ها خود را یک بت میدانند. در اروپا این مسائل بندرت دیده میشود و رفتن بازیکنان سرشناس سقف باشگاه را روی سر کسی پالتین نمی‌آورد بگذارید یک مثال ساده بیاورم.

وقتی مظلومی پاتیم تاج میماند میرفت و شانسیها را از بین میبرد و گل نمیزد، تماشاگران و مفسران ورزشی ما بخند می‌گرفتند که چرا مظلومی را بیرون نمی‌کشید. مظلومی دیگر بدرد تیم تاج نم‌خورد و از این قبیل. اما حالا که به مظلومی گفته‌ام خدا حافظ بازرقمیدم، دوباره عده‌ای بنا حمله میکنند که چرا تاج مظلومی را رها کرد و او را دودستی نچسبید. این یک قضاوت منطقی نیست.

### شهباز اصالت شاهی را ندارد

— اگر حجازی و مظلومی شهباز ب میدان بیایند، تاج چه احساسی خواهد داشت؟ این بدان معنی نیست که آنها باشگاهی را انتخاب کردند که از مکتب شاهی است و سابقه نشان میدهد که تاج شاهی میانه خوبی نداشته است؟

کوزه کنانی: شهباز بهیچ وجه اصالت شاهی را ندارد و این مکتب شاهی نیست بلکه از مکتب تاج و باشگاههای دیگر نرسیده است و خواهی دید که عاقبت اینهمه‌ها چه خواهد شد؟ از نظر باشگاه تاج، هیچ نوع حساسیتی وجود ندارد بلکه برعکس اگر یک شهباز قدرتمند میدان بیاید مسلماً نفع فوتبال ایران است و یکااش این تیم بتواند در دریف سه تاج‌ها هم تیم بویسته ایران قرار بگیرد این راهم بگویم که ماعلیه هیچ تیمی جبهه نخواهیم گرفت. حالا اگر شهباز بیاید و یک کوزه تماشاگر را بظرف خود بکشاند این مورد مخالفت ما نیست. اما در اینجانبیور به از یک نکته حرف بزنم و آن این است که قدراسیون فوتبال به تیمهای تازه وارد اجازه میدهد که هر تعداد بازیکن میخواهند از تیمهای جام تخت جمشید بگیرند و در واقع، تیمهای دیگر را غارت کنند. این بعقیده من روش درستی نیست یا باید همه تیمهای جام تخت جمشید این حق را داشته باشند و یا هیچ تیمی نتواند بیش از دوازده بازیکن بگیرد. چون بهرحال تیمی که — وارد یک می‌شود.

خودش دارای سرمایه و بازیکنانی است.

رایکوف: کار شهباز در جام چهارم بسیار مشکل است زیرا به تجربه برای من ثابت شده که جلب تماشاگر در ایران بسیار سخت است.

### رایکوف چر آنرف؟

— برای جام چهارم شما هدفیانی دارید. یکی از آنها استفاده از یاران جوان است. آیا جام چهارم کوره آزمایش جوانان شماس؟

آیا بدنبال آن نتسید که از گذشته پند بگیرید و آینده‌تاری برای خود بسازید؟

رایکوف: ما بازیکنان جوانی مانند پیربازاری، عاشوری، نوروزی، حاجی‌لو، معروفچیان و غیره را بعدت گرفته‌ام. با اینها کار کردن براتب آسانتر است و سخت بانها امید بسته‌ام. و تنها از کمبود تجربه رنج می‌برند که خود را باز یابند. ما در جام چهارم مطمئناً یک قدم جلوتر از امسال هستیم. خیلی هم خوشحالیم که در بازار سیاه نقل و انتقالات خود را بطور جدی گرفتار نکردیم. بگذارید دیگران با رقمهای درشت صاحب یک مجموعه تیمی شوند.

آقای کوزه کنانی! قبلاً قرار بود که باشگاه تاج طرح دیگری را بجای رایکوف بکار گیرد ولی بعداً منصرف شد و شما اعلام کردید که یک هموطن رایکوف برای کمک باو به ایران می‌آید. قضیه چه بود؟

کوزه کنانی: رایکوف یک قرارداد دوساله با باشگاه تاج داشت، که چندبار تجدید شد. مابهرحال فکر کردیم که بالاخره روزی رایکوف از ایران خواهد رفت و باید یک سربدیگر را کاندیدای جانشینی او کنیم تا بعد از رفتن او دچار مشکل نشویم اما متأسفانه جستجوی ما برای یافتن یک سربدی همطراز با او به نتیجه نرسید و از طرفی رایکوف یک عده جوان را ساخته است که باید ثمره آنها را امسال ببیند و پس از مطالعه بسیار، ما این نتیجه رسیدیم که اگر رایکوف بماند بهتر است. منتها برای کمک باو تصمیم گرفتیم که «حجیک» سربدی بگسلای لاسل آلمانی تیم «اف-ا» کتن» را بخردند که چرا مظلومی را بیرون نمی‌کشید. او هنوز باسخت خود را نداده است و در حال مطالعه است که با این شرایط با ایران بیاید یا نه؟

### نیم میلیون تومان سود در جام سوم

حالا به درآمد باشگاه تاج در جام سوم برسیم. درآمد شما چقدر بود؟ میزان درآمد را چگونه تقسیم کردید و چقدر سود و زیان داشتید؟

کوزه کنانی: باشگاه تاج در حدود یک میلیون و سیصد هزار تومان از جام سوم تخت جمشید درآمد داشت که پس از هزینه و مخارج تیم فوتبال و حقوق و قرارداد بازیکنان، در حدود نیم میلیون تومان سود داشته است. این در طول سه دوره جام، بهترین بیلان مالی باشگاه است. در دوره اول دو دوم مقداری هم مقروض شدیم و با لاجبار از بانکها وام دریافت کردیم و این بخاطر تعهداتی بود که گردن گرفتیم. اما امسال هوشیارانه عمل کردیم و خود را گرفتار سفرها و مسابقات خارجی نمودیم ضمناً بزرگترین رقم قرارداد در باشگاه ما ۳ هزار تومان است و بالاترین رقم حقوق ما هانه ۲۰۰۰ تومان می‌باشد. همه قراردادها دوساله است و ضوابط و انضباط باشگاه طوری است که هیچ درگیری بین بازیکنان و باشگاه بوجود نیاید زیرا درگیری مالی وقتی بروز می‌کند که بازیکنان قرارداد نداشته باشند و تقسیم درآمد عادلانه نباشد! ما درآمد فوتبال را تا دینار آخر در راه فوتبال خرج می‌کنیم و بیشتر سعی ما این است که با درآمد بدست آمده روی جوانان مستعد سرمایه گذاری کنیم.

— چند سالی است که باشگاه تاج بجام میلز هندوستان نیروود این بخاطر مسائل مالی است یا مشکلات دیگری پیش آمده؟

کوزه کنانی: زمان انجام مسابقات جام میلز درست در روزهای است که جام تخت جمشید در اوج است. بعد از

جام هم بازیکنان ما در اختیار تیمهای ملی است و تنها در شرایطی میتوانیم با این جام برویم که فدراسیون فوتبال بما فرصت این سفر را بدهد. نظیر همان برنامه‌ای که برای ما در نظر گرفته شد تا بکره جنوبی برود.

— تاج امسال از پرسپولیس رقب همیشگی خود سه پله عقب مانده. آیا این برای تاج یک ضربه روحی نبود؟

رایکوف: ما در دیدار دوم با پرسپولیس، ضعف ترین مسابقه خود را برگذار کردیم و این برای ما پایان کار بود و نتوانستیم بفهمیم که آنهمه روحیه را پرسپولیس از کجا آورد؟ اما هنوز فرصت های زیادی باقی است. ما با هم یکدیگر را ملاقات خواهیم کرد!

برای باشگاه تاج این ملاقات آرزو است اما اگر شهباز مطابق انتظار هاشود، تاج مجبور است که یک چشم به پرسپولیس و یک چشم به شهباز داشته باشد چند چشم هم باید قرض کنیم که سایر تیمها را زیر نظر بگیریم و در آنوقت این ملاقات ها دیدنی و دلپذیر است. باید منتظر جام چهارم بود و امیدواریم که در دوره آینده وضع داوری ها هم بهتر از گذشته باشد و جنجال های جام سوم تکرار نشود.



مهندس مهدی هندبال را بطور پایه‌یی و اصولی آغاز می‌کنیم

هفته گذشته بنا به فرمان شاهنشاه آریامهر و استدعای تیماسار سپهبد حجت کاشانی معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی ایران، مهندس مهدی ساعد هارون مهدی به ریاست فدراسیون جدید اتانسس هندبال ایران منصوب شد.

مهندس مهدی ده ۳۳ سال دارد متولد تهران است و تحصیلات عالی خود را در رشته مهندسی ماشین در آلمان فدرال گذرانده است. او تا بحال در پست های شهرداری مشهد، مشاور عالی و مدیریت کل دفتر امور مدارس عالی وزارت آموزش و پرورش فعالیت داشته و هم اکنون نیز در پست بازرسی وزارت آموزش و پرورش مشغول کار است.

او در باره سابقه ورزشی خود می گوید: « از زمان تحصیل در دبستان، دبیرستان و دانشگاه در رشته های ژیمناستیک، کشتی، تنیس روی میز، فوتبال و اسب-سواری فعالیت داشته‌ام و حتی تا سطح قهرمانی آموزشیگاه‌های پیش رفته‌ام.»

مهدی در مورد هندبال گفت: « این رشته‌یی است که به تازگی صاحب فدراسیون میگردد و هنوز صاحب قوانین و مقررات نشده است هر چند که چند سالی است این رشته در مدارس ایران جریان دارد.

هندبال رشته‌یی است شیرین برای همه طبقات که بسزودی جای خود را در میان سایر رشته‌ها باز خواهد کرد. زیرا هندبال حاو تمام نظرات بازی تا توپ است در شرایطی آسانتر از فوتبال، والیبال، بسکتبال و دیگر رشته‌ها که هم در هوای آزاد و هم در تالار قابل اجرا خواهد بود و به همین سبب تصویری کنیم ما هم بزودی در این رشته خود را نشان دهیم.»

مهدی افزود: « تصمیم دارم با انتخاب افرادی آگاه، دلسوز و علاقمند برای همکاری، هندبال را از سطح مدارس و بطور پایه‌یی و بگونه‌یی وسیع و اصولی آغاز کرده و به همین سبب امیدوارم در چند سال آینده بتوانیم این رشته را در سطح مدارس، باشگاه‌ها و تیم‌های ملی توسعه دهیم.»

# نتایج فوتبال باشگاههای کشورهای اروپا

انگلستان

## لیورپول و منچستر یونایتد در صدر،

### لیدرز نزدیک میشوند

این هفته بخاطر تعطیلات کریسمس مسابقات باشگاههای فوتبال انگلیس در دو روز بی دربی انجام شد و تیمهای این کشور طی روزهای جمعه و شنبه هر یک دو بازی انجام دادند. در مسابقات روز جمعه لیورپول و منچستر یونایتد، دو صدرنشین هفته گذشته با حریفان خود مساوی کردند و همچنان در صدر رده بندی باقی ماندند.

لیورپول در خانه استوک با این تیم یک بر یک مساوی کرد و منچستر یونایتد نیز با همین نتیجه با تیم اورتون مساوی شد. این دو تیم در پایان هفته بیست و سوم با ۳۱ امتیاز در صدر قرار دارند.

لیدز، کوئینز پارک رنجرز و دربی کانتی با ۳ امتیاز این دو تیم را تعقیب میکردند با این تفاوت که لیدز با یک بازی کمتر از بخت مساعده تری برخوردار بود.

روز جمعه لیدز با یک پیروزی دلپذیر روبرو شد و تیم منچستر سیتی را که از مدعیان این فصل است در منچستر با یک گل شکست داد.

دربی کانتی مدافع عنوان قهرمانی دو بر یک از تیم لستر شکست خورد، وستهام با یکی از بزرگترین شکستهای این فصل خود روبرو شد. وستهام که هفته ها جزء صدر نشینان بود چهار بر یک از تیم تازه وارد آستون ویلا عقب ماند و با سه امتیاز کمتر از صدر نشینان دور افتاد. لیورپول در نیمه اول با گل جسیان توشاک، میزبان خود را نگران کرده بود ولی جف سالمونز در نیمه دوم گل برابری استوک را وارد دروازه لیورپول کرد.

۵۱۳۰ تماشاگر - که بیشترین تماشاگران هفته بیست و سوم بودند شاهد پیروزی بی چون و چرا و خرد کننده آستون - ویلا بودند. ویلا که در پایان نیمه اول دو بر یک از حریف نامدار خود پیش افتاده بود در نیمه دوم بیکار ماند و با دو گل دیگر عیدی جالبی به تماشاگران خود داد. با این شکست بنظر میرسد که وستهام بتدریج از دور رقابت قهرمانی خارج شود.



### یک گل کافی نبود

لیتون جیمز بازیکنی که اخیراً در مقابل ۳۰ هزار هوادار از برنلی به دربی آمده است یک گل برای دربی زد ولی این گل به تنهایی برای نجات دربی کافی نبود زیرا قهرمان فصل پیش دو بر یک از تیم لستر شکست خورد و به مکان پنجم سقوط کرد.

در انتهای رده بندی تیم شفیلد یونایتد که از بیست و سه مسابقه شش امتیاز بدست آورده است با تیم میدلز برو یک بر یک مساوی کرد.

### جان کراون با تنها گل خود موجب

پیروزی کاونتری در برابر ولورهمپتون شد این پنجمین شکست بی دربی ولورهمپتون بود. نیوکسل در دقیقه ۷۸ با یک پنالتی بوسیله جان کرگ دروازه برنلی را گشود و با همین گل دو امتیاز گرفت. بیرمنگام با نتیجه شگفت آور سه بر یک در خانه تاتنهام هاتسپرز این تیم را شکست داد. تریرو فرانسس در سی دقیقه نخست بازی دو گل زد و پاس عالی او به پیتسرایت گل سوم بیرمنگام را بدنبال داشت. مارتین چپورز در دقیقه ۶۶ از نقطه پنالتی تنها گل تاتنهام را بثمر رساند.

ارنستل همسایه دیگر تیم لندن تاتنهام نیز با شکست روبرو شد. کلیوودز و آن هانتز با گلهای خود دو بر صفر ایپسویچ تاون را پیروزی رساندند.

### فانوس بدست ما

در پایان هفته بیست و سوم شفیلد یونایتد با ۵ امتیاز در انتهای رده بندی قرار داشت. پس از شفیلد ولورهمپتون با ۳ امتیاز، برنلی با ۵ امتیاز، بیرمنگام با ۱۷ امتیاز و ارنستل با ۱۸ امتیاز از فانوس بدستها هستند.

### نتایج روز بیست و سوم:

استون ویلا	۵	وستهام	۱
برنلی	۱	نیوکسل	۱
ایپسویچ	۲	ارنستل	۱
لستر	۲	دربی	۱
منچستر سیتی	۱	لیدز	۱
کوئینز پارک رنجرز	۲	نورویچ	۱

شفیلد یونایتد	۱	میدلز برو	۱
استوک سیتی	۱	لیورپول	۱
تاتنهام	۱	بیرمنگام	۳
ولورهمپتون	۱	کاونتری	۱
منچستر یونایتد	۱	اورتون	۱

### روزی دلپذیر برای لیدز

مسابقه های روز شنبه با پیروزی صدر نشینان دنبال شد. لیدز در هر گل ترین بازی روز، چهار بر صفر لستر را شکست داد و بعنوان یک مدعی جدی جام، خود را نشان داد.

لیورپول و منچستر یونایتد نیز پیروز شدند و هر یک با ۳۳ امتیاز در صدر قرار دارند. لیورپول یک بر صفر منچستر سیتی را شکست داد و منچستر یونایتد با نتیجه دو بر یک برنلی را ناکام کرد.

دری کانتی دو بر صفر از سد آستون - ویلا گذشت و حالا با ۳۳ امتیاز پس از لیدز در مکان چهارم جای دارد. لیدز همچنان با یک بازی کمتر در مکان سوم است.

الکس استپنی که تا کنون در ۳۵ بازی از دروازه منچستر یونایتد حفاظت کرده است در نیمه اول دوبار مغلوب باران برنلی شد و بار دوم شوت «ری هندکین» در اعلام شد و بار دوم شوت «ری هندکین» در دقیقه سی ام پیام آورشادی تیم برنلی بود. نیمه اول با همین نتیجه پایان یافت. در دقیقه ۵۱ الکس فورسایت گل برابری را زد.

پس از این گل مهاجمان منچستر بارها فرصت گل یافتند و به آن نرسیدند تا اینکه در دقیقه ۸۰ دفاع پرکار برنلسی تسلیم شد و «لوپا کاری» گل پیروزی

میزبان را بثمر رسانید. آن گلارک در دقیقه ۲۲ برای لیدز گل زد. مکنزی بازیکن با ارزش لیدز که پس از برخورد با جف بلکلی - بازیکن لستر - از ناحیه سر آسیب دیده و دو بخیه خورده بود در نیمه دوم بصورت آقای بازی جلوه گر شد. او در دقیقه ۵۷ با یک شوت زیبا دومین گل لیدز را بثمر رسانید. سه دقیقه بعد پیتربورنر گل سوم و پس از او مکنزی با استفاده از اشتباه مدافعان حریف چهارمین گل تیم خود را وارد دروازه لستر کرد.

شفیلد یونایتد تیم انتهای جدول از تساوی یک بر یک با نیوکسل یک امتیاز دیگر گرفت. ولورهمپتون نیز با همین نتیجه به

فرانسس کاپتن کوئینز پارک رنجرز در دوازدهمین دقیقه از استال جایگیری کرده است ولی «استوری» دروازه بان حریف با آگاهی بسیار این خطر و همه خطرهای دیگر را دفع کرد. ارنستل دو بر صفر پیروز شد.

دیدار شنبه با نورویچ خاتمه داد. ارنستل دو بر صفر کوئینز پارک رنجرز را شکست داد و وستهام نیز دو بر یک از ایپسویچ شکست خورد. با این ترتیب تیمهای کوئینز پارک و وستهام که هفته ها از مدعیان صدر نشینی بودند از دور رقابت بدور افتادند.

### نتایج هفته بیست و چهارم:

ارنستل	۲	کوئینز پارک رنجرز	۲
بیرمنگام	۱	استوک سیتی	۱
کاونتری	۲	تاتنهام	۲
دری کانتی	۲	استون ویلا	۲
لیدز	۳	لستر	۳
لیورپول	۱	منچستر سیتی	۱
منچستر یونایتد	۲	برنلی	۱
میدلز برو	۱	اورتون	۱
نیوکسل	۱	شفیلد یونایتد	۱
نورویچ	۱	ولورهمپتون	۱
وستهام	۱	ایپسویچ	۲

### رده بندی در پایان هفته بیست و چهارم

۱ - لیورپول	۳۳	۲ - منچستر یونایتد	۳۳
۳ - لیدز یونایتد	۳۳	۴ - دربی کانتی	۳۲
۵ - کوئینز پارک رنجرز	۳۰	۶ - وستهام یونایتد	۲۷
۷ - منچستر سیتی	۲۷	۸ - استوک سیتی	۲۷
۹ - اورتون	۲۷	۱۰ - میدلز برو	۲۶
۱۱ - ایپسویچ	۲۶	۱۲ - نیوکسل	۲۳
۱۳ - آستون ویلا	۲۳	۱۴ - ارنستل	۲۳
۱۵ - لستر	۲۲	۱۶ - کاونتری	۲۲
۱۷ - ارنستل	۲۰	۱۸ - نورویچ	۱۸
۱۹ - نورویچ	۱۸	۲۰ - بیرمنگام	۱۸
۲۱ - ولورهمپتون	۱۵	۲۲ - برنلی	۱۵
۲۳ - شفیلد یونایتد	۱۵	۲۴ - ارنستل	۱۵

# آهنگهای روز و ورزش

از عبد الله نیا

ورزشکار شهرستانی: بنویس دردهای من که گفتم نیست بنویس  
بنویس نامه بنویس...  
بنویس نامه بنویس...



ورزشکار: کاش تو هم حال مرا داشتی  
سینه ای از کینه جدا داشتی !!



مربی خارجی: سخته دل کردن از این  
شهر و از این دلبستگی هاش !!



غنیمته... غنیمته...  
بودی پادم پیاد !!  
اون جورى که قدیم



دووبیدانی - خوشگله از سرتاها  
ز سونه خوبه باهاهات ! ز سونه خوبه باهاهات !



گریه هم درد نمود یکه دو انمیکنه  
غم با من زاده شده سنور هانمیکنه !!



# نیازمندیهاک تنها

## وام

روی سند اتومبیل . تلفن

## ملک

۲۵۷۵۳۵

۲۵۷۲۹۴

## شامپیون

فروشگاه بزرگ ورزشی و تناسب اندام

انواع مشهورترین لوازم و وسایل اسکی

و ورزشهای زمستانی را عرضه مینماید

عباس آباد - ۴۴ خیابان آپادانا (مهرشاه)

تلفن : ۸۴۲۳۶۸

برای مراجعین محترم از نظر پارکینگ مشکلی وجود ندارد

## کرایه

انومبیلهای لوکس کرایه  
با راننده و بدون راننده  
برای داخل و خارج تهران

۲۵۷۵۳۵

۲۵۷۲۹۴

## انگلیسی

## مقدماتی عالی

در منزل یا محل کار تلفن

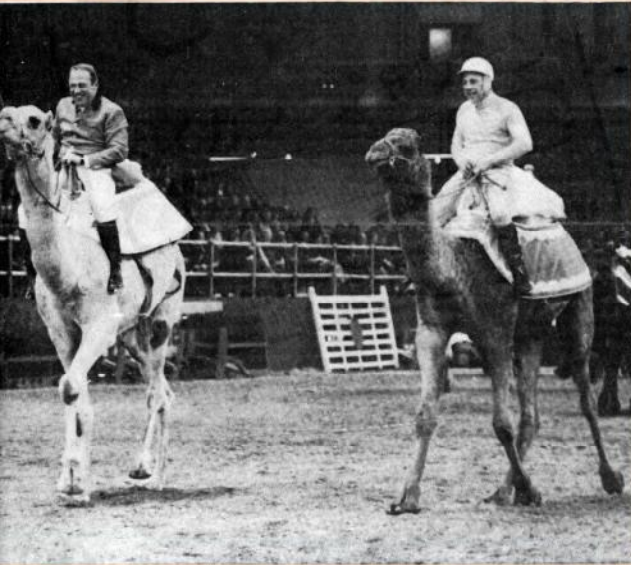
۶۵۵۷۰۵

## دفتر هنرمندان

رابطه کتیه هنرمندان

جهت جشنها - عروسیها و ضیافتها  
خیابان شه مقابله نیگا لا تلفن ۴۱۳۲۲

تعدادگار قهرمان سابق برش با  
اسب انگلستان (چپ) و استرلیتنگ  
سوز انگلیسی قهرمان سابق موتور سیکلت  
سواری جهان، در دوران بازنشستگی  
بهتر دوانی برداخته اند که میگویند  
هم از اسب دوانی سخت تر است و هم



لئونو سیو اورتیز از مکزیک (سمت راست)  
بخوبی حفظ کرد. اورتیز در دور  
بازدهم مسابقه با دو هوک بی در بی  
چپ و راست نقش زمین شد.

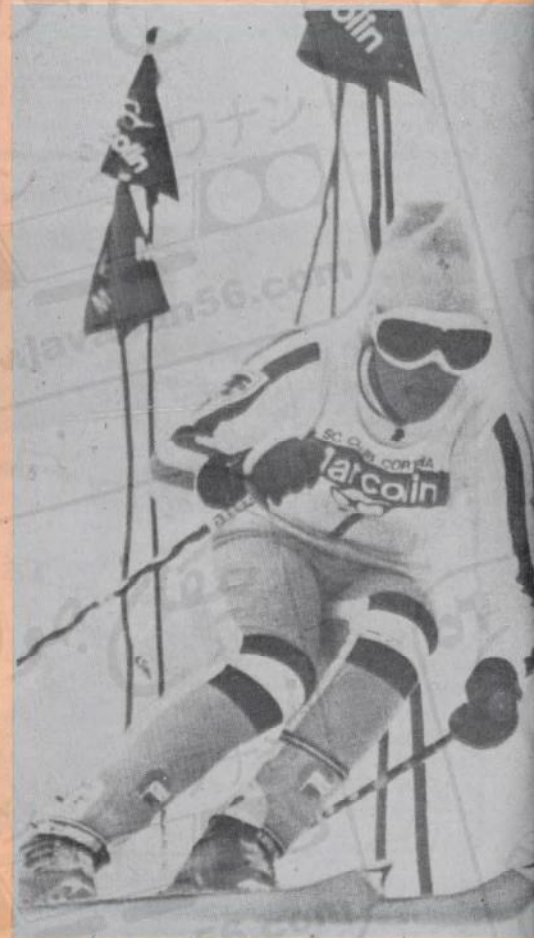
## بازتاب رویدادها





لندن در پنجمین دوره مسابقات بین‌المللی دو صحرای نوردی انگلستان، جوس هرمنس هلندی (شماره ۵) با یک فشار فرار کرد و از دیگران فاصله گرفت تا به خط پایان رسید. این مسابقه ۸/۵ کیلومتر بود که در کریستال بالاس صورت گرفت. هرمنس ضمناً رکورد دار جهان در دو ۱۰ میل است او مسافت ۸/۵ کیلومتر را در ۳۰-۲۱ دقیقه طی کرد.

در آستانه سال تازه مسیحی فوتبالیست‌های انگلیسی دست به ابتکار جالبی زدند. اینها که محبوب بچه‌های کشورشان هستند به بیسارستانهای مختلف کودکان رفتند و برای بچه‌های بیمار هدیه بردند و بچه‌ها را هم از حضور خود و هم عیدی خوشحال کردند در عکس فرنگ مک‌لنتوک از تیم کونینز پارک زنجرز (چپ) برای شاد کردن این کودک نه ساله و کودک دیگر خود را بصورت بابائونیل در آورده بود. سمت راست استن بولز از همان تیم است.



اولگا رکوروبوت، ژیمناست معروف شوروی همراه تیم ژیمناستیک آن کشور به آمریکا رفته بود تا در شهرهای مختلف آن کشور به مسابقه و نمایش بردازد. عکس او را در یک میهمانی در شهر آتلانتا نشان بدهد. در این شب به اولگا و سایر افراد تیم خیلی خوش گذشت چون تا پاسی از شب رقصیدند یا موسیقی گوش کردند.

دوشیزه «فابی» بین سهرات» فرانسوی در مسابقه‌های بین‌المللی این فصل بسیار خوب درخشیده است. او در مسابقه مارلیچ چند روز پیش که در کورتینا (ایتالیا) برگزار شد مقام اول را بدست آورد. این از جمله مسابقاتی بود که امتیازش برای جام جهانی اسکی حساب میشود.

# گفتار زستانها

## چرا دروازه برق شیراز بازا است؟

بازار نقل و انتقالات اسباب بسیار داغ است. بزرگترها سعی میکنند تا آنجا که میتوانند نیروی نوچکرها را بگیرند و هرگاه در انجام ابتکار موفق شدند، بازیکنان خریداری شده را در روی نیمکت ذخیره‌ها می‌نشانند تا در واقع با یک تیر دو نشان بزنند. در این بازار آشفته، وضع تیم برق شیراز را باید مثال آورد که هر کدام از بازیکنانش بطرفی می‌روند. تور صیادان پایتخت بزرگترین صیدها را از برق شیراز گرفته است و ما شیرازها متحیریم که چرا نماینده شهرمان دست روی دست گذاشته و یاسانی به بازیکنان خود رضایت‌نامه میدهد. مگر رهبران باشگاه بفکر جام چهارم نیستند؟ مگر نمی‌دانند که یک لحظه غفلت، باعث سقوط آنها خواهد شد و در انصورت کدام شیرازی متعصب خاموش می‌شیند؟

شیراز - حمیدفکر آزاد

## وقتی فتاحی هست، هاری کیم چه می‌خواهد؟

نه من، بلکه همه دوستداران فوتبال آبادان چهارشاخ مانده‌اند که چرا صنعت نفت دودستی به هاری کیم چسبیده است و فاروق فتاحی را فراموش کرده است؟ این سؤال برای آنست که صنعت نفت در فصل سوم جام تخت جمشید با شکست‌های بی‌دری رویرو شد و دلیل اصلی این همه باخت هم متوجه مربی انگلیسی است که با روحیه جوان‌آبادانی آشنا نیست و در نتیجه با توصیه این و آن تیم پرغرور آبادان را بیدان فرستاد که هر بار شکست سنگینی در انتظارش بود. ما هم اکنون می‌شنویم که تیمهای بزرگ جام تخت جمشید برای شکار فاروق - فتاحی به تلاش افتاده‌اند. آیا زمانیکه آبادان این چنین مربی کرانهائی دارد، پس چرا یک مربی دست دوم انگلیسی را بخدمت می‌گیرد؟

آبادان - سیدقاسم حسینیان

## نوشاد یکقدم به جلو،

## ایلام یکقدم به عقب

دل‌مان خوش بود که چندسالی جمشید نوشاد درست‌مسئول ورزش ایلام میبماند و ورزشکاران این استان به امتیازات بزرگی دست پیدا می‌کنند اما خیلی زود ترازا انتظار، سازمان تربیت بدنی ایران این قهرمان سابق تیم ملی کشتی فرنگی ایران را به زاهدان منتقل کرد و پشت‌مارا خج کرد. مسلمان زاهدان استان بزرگتری است و برای نوشاد یکقدم جلو، اما ورزشکاران ایلام انتظار داشتند که کارهای ناتمام ورزش ایلام به‌سامان برسد و بعد او را منتقل میکردند که این بمنزله یکعقب کرد برای ورزش ایلام است.

ایلام - علی زاهد

## حق نوجوانان هویزه

## پایمال شد

چندی پیش در مسابقات فوتبال نوجوانان دشت، میشان تیم نوجوانان هویزه با تلاش بسیار بمقام قهرمانی شهرستان رسید ولی اداره تربیت بدنی دشت، میشان از اعزام این تیم به مسابقه‌های قهرمانی نوجوانان استان نه در خرمشهر برگزار میشود، خودداری کرد و خیلی بی‌عدوت از این مسأله گذشت. حالا ما نوجوانان شگین هویزه از تربیت بدنی محل این سؤال را داریم که اگر تیم نوجوانان سونگرد شکست نمی‌خورد و بجام قهرمانی دست می‌یافت، آیا به خرمشهر اعزام نمیشد؟

هویزه - حسن یسی

## برای ورزش کردستان

## باید آستین‌ها را بالا بزند

باغییراتی ده‌اخیرا در کادر ورزش کردستان بعمل آمده است، همه ورزشکاران این استان انتظار دارند که رئیس جدید در حل مشکلات ورزش استان اقدامات اساسی و مؤثری انجام دهد. برای آگاهی رئیس جدید ورزش کردستان باید بگوییم که وایبال این منطقه دیرزمانی در کشور امتیازاتی داشت، همچنین کشتی‌گیران کردستان صاحب‌ارزش و اعتبار بودند ولی فقط تیم بسکتبال این منطقه به‌مراتب بهتر از سابق شد که این روی‌همیت بچه‌ها و تنها یک اشتباه بود. از فوتبال کردستان هم باید گفت که در جام غرب بمقام قهرمانی رسید اما هیچ حمایتی از آن نشد.

کردستان - طالب‌سامری

## قانون سقوط فقط گریبانگیر

## تبریز است

در طی ده‌سالی که از خلق جام تخت جمشید گذشته است، بزرگترین تبعیض در حق تیمهای تبریز صورت گرفت. بدین طریق که در دوره اول، وقتی تیم ماشین‌سازی بچکم قرار گرفت در آذربایجان سقوط کرد کسی از آن تیم حمایت نکرد. در دوره دوم، تبریزها نماینده نداشتند اما فدراسیون فوتبال تبریز و راه‌مازند تبریز در آخر جدول قرار گرفته بود، حذف نکرد و حتی تیمهای ابوسلم و برق شیراز را هم اضافه نمود و اما در این دوره که ترا کنوسازی نماینده تبریز بود و در ته جدول است، با اعلام شد که این تیم سقوط کرده است و امکان ندارد در جام تخت جمشید باقی بماند. ما تبریزها نمیدانیم که چه هیزم تری فدراسیون فوتبال فروخته‌ایم که قانون سقوط فقط گریبانگیر ماست و حال آنکه تجربه سه‌دوره جام تخت جمشید نشان داد که اگر عزیزان ترا سازی تیم دیگری آخیمیشد، حتماً فدراسیون فوتبال آرا حفظ کرد.

تبریز - اسماعیل سعیدی

اینهمه بدبینی از یک جوان ورزشکار باور شد و دست بعبداست.

## در ورزش گیلان غرب

## هر کس بر اهرمی می‌رود

کمبود امکانات و مسابقات از یکطرف و دودستگی و مخالفت بعضی از افراد از سوی دیگر، باعث رکود ورزش در بخش گیلانغرب از توابع استان کرمانشاه شد. متصافاً اینکه بی‌مهری اداره کل تربیت بدنی استان به ورزش گیلانغرب لطمه زیادی زد. در این میان، بیشترین مشکل عدم همکاری تربیت بدنی آموزشگاهها با مسوول ورزش گیلانغرب است و این اختلاف بر حله‌ای رسیده که همه ورزشکاران آبرو میدهند ولی کاری از آنها ساخته نیست. اگر چه ورزش در این بخش دور افتاده و رو سامان نگردد و اتحاد و صمیمیت و توجه بیشتر بیش نباید، همین ورزش تیم بند هم فراموش خواهد شد.

گیلانغرب - مهدی نوری

سرا پدار تربیت بدنی بوانات فارس فقط روزهای بارانی به بازیکنان توپ میدهد



چی شده حسن آقا نصفه شبی دست به دعا برداشتی چه آرزوی داری؟  
آرزویکمکم که شب و روز با رون بیاد تا ما چشمون به جمال توپ روشن بشه !!

## انتخاب درگوشی!

زمانیکه وارد دانشگاه شیراز شدم، فکر کردم که میتوانم ورزش فوتبال براحتی نقشی پیدا کنم. چون سرب فوتبال دانشگاه را آدم صالح و باتجربه‌ای میدانستم اما سرب دانشگاه که خود زمانی طولانی‌سر پرست ورزش دانشگاه مهندسی بود، این تصویر را نقش بر آب کرد و بعداً فهمیدم که در اینجا هم تبعیض وجود دارد.

اوائل که آقای سرب در دانشگاه مهندسی سمتی داشت، چندان ایرادی می‌گرفتم زیرا میدانستم که او در انتخاب تیم تحت تاثیر بچه‌های دانشگاه مهندسی است. اما در عرض دو سال اخیر، که او از دانشگاه مهندسی بیرون آمده و تنها بعنوان سرب فوتبال دانشگاه شروع بکار کرده، باز هم همان نحوه انتخاب دیده میشود و این دیگر کاسه صبر ما را لریز کرد. یادم هست یکبار با او گفتم: آقای کباب، این روش شما در انتخاب تیم دانشگاه درست نیست. او در پاسخ گفت: درست میکنی اما از این بعد وضع فرق می‌کند چون در دانشگاه مهندسی سمتی ندارم، خیانتان راحت باشد.

اما افسوس که باز خیال ما ناراحت است چون همان آتش است و همان کاسه. تبعیض علنی این سرب باعث آن شد که سرب فوتبالیه‌های دانشگاه‌های دیگر نیز زنجیره خاطر شوند و در نتیجه در مسابقات دانشگاه‌ها، مهندسیها بهم پاس میدادند و ادبیا تنها بهم وغیره...

این وضع باعث شد که اسامیل تیم فوتبال دانشگاه شیراز در این ۱۴ تیم شرکت کننده در مسابقات دانشگاه‌های کشور دهم شود!

خلاصه آخرین برگ این سرب - طرز جدید انتخاب فوتبالیه‌ها برای انتخاب تیم دانشگاه است که درگوشی و یواشکی چند نفر را دعوت کرد و اصلاً اسامی را آگهی نکرد. اگر او فارغ این را بداند، حتماً از روش او استفاده می‌کند!

شیراز - علی اصغر دهقانی

## توجه به فوتبال خوزستان

تبعیض است من ندانم تا کی باید در فوتبال مسلکت ماتبعیض وجود داشته باشد؟ آیا این تبعیض نیست که فدراسیون فوتبال همه توجه خود را به فوتبال خوزستان دوخته و از تیمهای جوانان و جوانان تهران، کرمانشاه و غیره غافل مانده است؟ باید این را دانست که در مسابقات جوانان ایران (جام خاتمی)، تیمهای اهواز و آبادان از جدول حذف شدند اما باز از این دو تیم باران بیشتری انتخاب شد. تهران - بابرام کهنسال

## ملالی نیست جز دوری شما

ازنا - علی حسین گودرزی  
متأسفانه برای صفحات محدود ما چاپ اسامی دو تیم ملی انتخابی شامقندور نیست.

کویت - زال مرادی  
دستخط شما را زیارت کردیم. اگر میخواهید مانند «روشن» یک فوتبالباز خوب شوید، بهتر آنست که بیشتر کار کنید و کمتر خواب ببینید. از اینکه نمیتوانیم جواب شما را در تلویزیون بدهیم، ما را به بخشید. تلویزیون به توصیه ما بین ساعت ۷ تا ۸ به شما جواب نمیدهد.

شهبه - جواد وجدانی  
با پیشنهاد شما موافقم که اگر فرج‌وشی به ۶۲ کیلو برود و خدر در ۵۷ کیلو بماند، بسیار بهتر است اما باید دید که نظر سرب تیم ملی کشتی ایران چیست.

سفر کلیانی - محمد عالیان  
ما در ایران مسابقات اتومبیل رانی نداریم که برای شما تاریخ انجام آنرا بنویسیم. ضمناً بازار اتومبیلهای کورسی در ایران رواج ندارد.

بهبهان - عبدالرحمان برکت رفائی  
نمیدانم اسم شما را درست نوشتیم یا نه، بهرحال نامه شما خوانا نبود. بهتر است که واضح تر در دل خود را درباره ورزش بهبهان بنویسید.

تبریز - علی اسماعیلی  
متأسفیم که این گونه یکطرفه به قاضی رفته‌اید. کیهان ورزشی هیچگاه نباحق سنگر کسی نبود. آیا راضی شدید؟

شهید - محمد محمدی  
بادو کشتی گیر ژاپنی میتوانید از طریق سفارتخانه مربوطه تماس بگیرید. برای «آن کلارک» هم میتوانید به نشانی انگلستان - لیدز - باشگاه فوتبال لیدزیونایتد نامه بنویسید.

کویت - عوض فوزان  
بازها گفتیم که ماهیچگونه دخالتی در انتخاب قلیچ خانی برای تیم ملی نداریم این او فارغ و دستیارش هستند که برای تیم ملی او را نه بسند بدند. اما اگر قلیچ خانی خودش بخواد، واقعاً هیچ سرب آگهی روی نام او خط نمی‌کشد.

## این هم زمین

### ورزشگاه را بسازید

مدها بیش از سوی تربیت بدنی لاستان وعده داده شد که در «دانش» ورزشگاه ساخته میشود و مشکل آنها فقط نداشتن زمین کافی است. اما اینک که اعلام شده از طرف اوقاف زمینی به تربیت بدنی واگذار شده، چرا باز هم وعده خود را عملی نمی‌کنند؟  
کراس - قاسم پور

## اگر بودجه نیست چرا مسافرت هست؟

همیشه سخناتیم و می‌شنویم که مسئولین ورزش و فدراسیونهای از کمبود بودجه و عدم بضاعت مالی می‌نالد ولی در عمل خلاف گفته خود را ثابت میکنند و گروهی از ورزشکاران قدیمی را می‌برودند و به عناوین مختلف بمسافرتها خارج می‌فرستند و خودشان هم با رو بندیل سفر بسته و بدبختی آنها می‌روند. سوال من این است که چرا این بودجه کم سالیانه را بطور منطقی صرف نمی‌کنند و آنرا در راه تعمیر و گسترش ورزش در بین جوانان و نوجوانان بکار نمی‌گیرند؟

تهران فرض اله اسدی

## ورزش مدارس بهبهان

### «علاج پذیر» نیست؟

نام مسئول تربیت بدنی آموزشگاههای بهبهان «علاج» است که تا کنون هیچ نوع علاجی برای ورزش آموزشگاهها انجام نداده است. از کارهای این جناب، بسکی وعده‌های سرخوشی است که مرتباً به ورزشکاران میدهد و مثلاً میگویی: بچه‌ها نگران نباشید، جوایز شما را در یک مراسم باشکوه ورزشی در حضور رؤسای ادارات دولتی میدهم تا تشویق شوید. اما نشان بهمان نشان که این وعده‌ها هیچگاه عملی نمیشود. این اقدام ۸ سال است که زینس تربیت بدنی است و تا کنون بهبودی در وضع ورزش مدارس بهبهان بوجدود نیاورده است. ما از مدیر کل تربیت بدنی آموزشگاههای ایران تقاضای رسیدگی داریم.

مسعود کاظمی - مراد محمودی و ده اسماضه دیگر

## اگر سه‌مان تیم برازجان

### هستید گچ یادتان نرود!

شاید خنده‌تان بگیرد و بگویند یاورد - نردنش مشکل است. اما این عین حقیقت است که هرگاه تیمی به برازجان می‌آید، در وعده نخست وظیفه دارد که زمین فوتبال برازجان را خط نشی کند و در صورت لزوم، آنرا آبشاری نماید این موضوع را من در جریان دعوت از تیم فوتبال پرسپولیس ندیده‌ام! چستو دیدم و فهمیدم که فوتبال برازجان برای خودش قانون تازه‌ای وضع کرده که در هیچ لجا‌ی دنیا دیده‌نشود. جانشر اینجاست که شنیده سرب پرسپولیس نشاوه با هزینه شخصی خود پول لچ میدان را هم خرید. در این میان آدم چهار شاخ میماند که پس نقش اداره تربیت بدنی برازجان چیست و انهمه دارمند و ژانر این اداره به چه ناری مسئول هستند؟!

برازجان - عباس زنگونی

## درفوتبال لا هیجان باید باج داد

غایب بود و در موعد مسابقه به ورزشگاه نیامد؟ «قی قدسی» سرب پرست تیم ستاره لا هیجان در این باره گفت: این بار اول نیست که من با خون دل و با هر هزینه شخصی تیم دعوت میکنم وعده‌ای مانع انجام مسابقات میشونند. من یک کارگر ساده هستم که توانائی مادی برای دعوت همه تیمها را ندارم.

لا هیجان - هوشنگ جهانگیری

## قاب عکس یادگاری واترپلو

تیمی این بچه‌ها، در بازیهای آسانی افتخار افرید و بطور رئیس فدراسیون شنا از ذوق بیروزی با لباس بدخل شنا شنا شیره رفت و بقیه قضا، وقتی دوباره به عکس نگاه کردم قطره اشکی از گونه‌ام چکید.

اصفهان - کمال کیان نژاد

دعوت تیم فوتبال ستاره لا هیجان، تیم پرسی بخش خمام رشت به لا هیجان آید اما قبل از شروع مسابقه، چند بازیکن محروم شد لا هیجان، برهبری حسن رحیم پور وارد میدان شدند و مانع انجام مسابقه گردیدند بفر صورت، مسابقه برگزار نشد و تیم بهمان ناراضی بازگشت. حالا سخ ما با مسئولان ورزش لا هیجان است که چرا جلوی این بی نظمی رانی گیرند و چرا مسئول ورزشگاه

در جانی عکس تیم واترپلو ایران فیرمان آسیا را دیدم و غم بزرگی من دست داد. با خود گفتم: حالا این تیم کجاست و چه می‌کند و باز یکناش بکجا رفته‌اند؟  
یادم می‌آید که چگونه هستگی

## پذیرش

### دانشجوی کامپیوتر

موسسه آموزش کامپیوتر شاخص (CEC) اعلام کرد از بین دارندگان دینیمه‌های ریاضی، طبیعی وادی تعداد معدودی دانشجوی برای دوره برنامه نویسی کامپیوتر از طریق امتحان

انتخاب می‌کند و مواد امتحانی شامل تست هوش میباشد و از دیگر شرایط، علاقمندی کامل داوطلبان بفرآگیری این رشته و اجرای مقررات آموزشی این مؤسسه است. نتایج دفتر نامنویسی موسسه شاخص، خیابان کاخ شمالی بالاتر از بلوار الزابت موسسه کامپیوتر شاخص (سی.ای.سی) میباشد.   
۴ قطعه عکس ۳×۴ رفوتونی شناسنامه بدقت نامنویسی مراجعه نمایند. و برای امتحان ورودی کارت بگیرند. برای راهنمایی بیشتر مراجعین تلفن ۲۴۹۵۸۱ اختصاص داده شده است.

# عکس و خبر



## قوی ترین مرد دنیا

تنهایی جابجا کند ولسی راه دوش بگیرد و یک کیلومتر آنطرف تر زمین بگذارد! دانشمندان آمریکائی او را مظهر یک انسان ماقبل تاریخ میدانند وی گویند قدرت بدنی بریان حداقل برابر با ۵۰ قوه لیب است! تا کنون سیرک های بسیاری حاضر شده اند بریان را برای شرکت دادن در نمایشات خود استخدام نمایند. لیکن اوزیر بازنفته و گفته من حاضر نیستم از راهی غیر از راه کشاورزی نان بخورم.

« بریان اسکات » کشاورز آمریکائی اهل اوهایو، قوی ترین مرد دنیا است. او اتومبیل سواری راه آسانی بلند میکند. تراکتور را به سهولت از رفتن باز میدارد و درخت های هشت تا دصالحه را از ریشه میکند، دودسته ورق بازی را در یک چشم برهم زدن از وسط دونیم میکند و در مقابل روزی هشت تا ۱۰ کیلو غذا میخورد. بریان قادر است گاو میشی را با یک ضربه مشت بکشد. او قادر است یک تیر آهن نمره چهارده راه

## مسابقه شبه ماراتن، برای ۵۷ ساله ها

در آلمان غربی، مسابقه دوئی برگزار شد که در آن بیش از ۶۰۰ پیر مرد بازنشسته ۶۰ تا ۷۵ ساله شرکت کردند. طول مسابقه که « شبه ماراتن » لقب گرفت ۴۰۰ متر بود. از میان شرکت کنندگان تنها ۳۰ نفر شبیه قشون شکست خورده به مقصد رسیدند. بقیه نفس نفس زنان بین راه ماندند و یک نفر نیز دچار حمله قلبی شد و با آمبولانس به بیمارستان انتقال یافت.

## اسکی روی

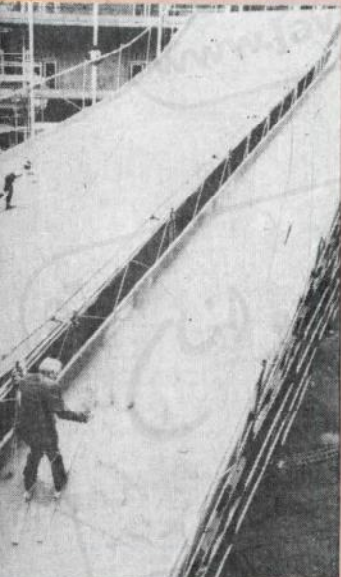
### پیست تخته ای!

استو به انگلیسی یعنی برف، ولی در «نمایشگاه استو ۷۰» که در شهر بال سوئیس برگزار شد همه چیز وجود داشت جز خود برف.

استو ۷۵ در حقیقت نخستین نمایشگاهی بود از انواع لوازم و فرآورده های مربوط به ورزش اسکی، معدنک اسکی بازان از نعمت ورزش اسکی محروم نماندند و روی یک پیست اسکی ۸۰۰ متری تخته ای و پلاستیکی اسکی کردند. « میانجی » اسکی باز سوئیس و عضو گروه « هات داکرز » نیز جزو کسانی



بود که روی این پیست اسکی کرد.

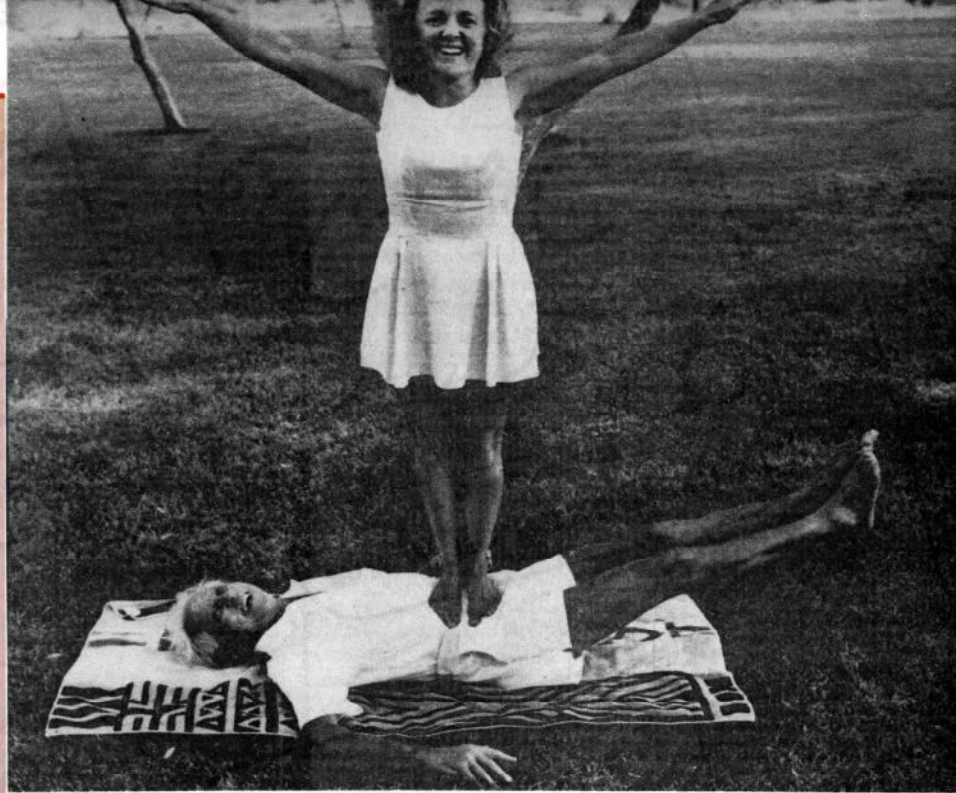


## تلویزیون ایران الکترونیک

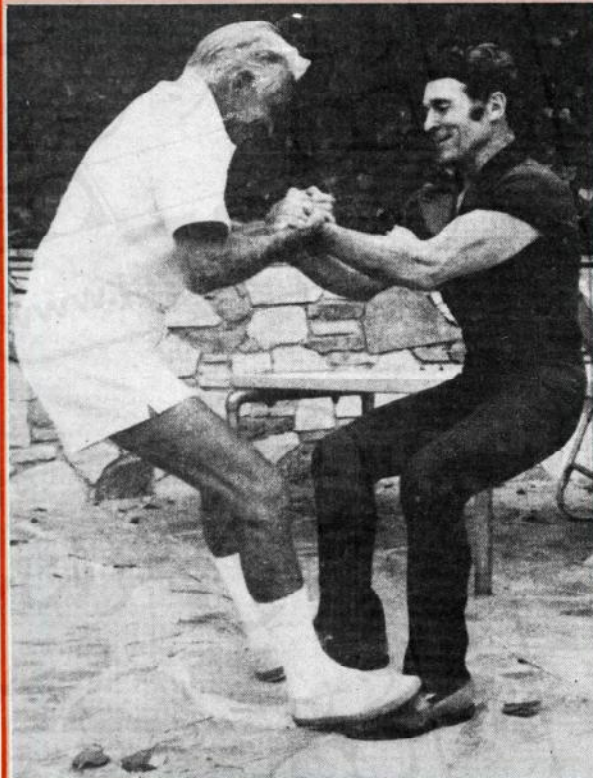
آر-تی-ای. شاپو لورنس. فلیپس تلفنکن و سایر مارکها ۲۳۶۹۴۴



حد اقل روزی ۲۰ بار طول استخر را شنا می کند



عضله های شکم براگ در ۹۴ سالگی آنقدر قوی است که وزن یک انسان کامل را تحمل می کند



با جوانها دست و پنجه نرم می کند و قدرت بازویش را به آنها نشان میدهد

## ۹۴ ساله و ۴ ساله!

براک از کوهنوردان معروف آمریکا است و در سن ۷۰ سالگی به قله بلند و خطرناک «ماتر هورن» صعود کرده است.

براک می گوید:

«من ورزش را از سال ۱۸۹۷ با ازن سن ۱۶ سالگی شروع کردم. در آن ایام جوان نزار و مسولونی بودم که حتی افراد خانواده سرگم را انتظار می کشیدند. اما من با پناه بردن به ورزش از چنگ سرگم قطعی گریختم. مدتی در سوئیس تحت معالجه بودم و وقتی خوب شدم به آمریکا برگشتم. در رشته های فلسفه و علوم تغذیه از دانشگاه نیویورک دکتر گرفتم و ضمناً به عنوان قهرمان کشتی رشته میان وزن آمریکا در بازی های المپیک ۱۹۰۸ و ۱۹۱۲ شرکت کردم.»

براک که از ۳۵ سال قبل همسر خود را از دست داده ۵ فرزند، ۱۲ نوه، ۱۴ نیره و ۲۱ نتیجه دارد. و خود او تنها بازمانده نسل خویش است. خودش میگوید: آخرین دوستان و همشاکردی هایم عمرشان را بیست و سی سال پیش به من بخشیدند. براگ که از ۷۵ سال پیش به این طرف نه فقط مریض نشده بلکه حتی سرما هم نخورده است گفته:

«من هیچ مرضی ندارم. فشار خونم طبیعی است. در وجودم از مرض قند، اوره، و اینگونه عوارض دوره کهولت خبری نیست. میتوانم ادعا کنم که سالمترین انسان روی زمین هستم.»

دکتر بل براگ آمریکائی از اعجوبه های دنیای ورزش است زیرا در طول عمر یک قرن اش نه تنها بدفعات قهرمان ورزش شد و حتی در بازی های المپیک شرکت کرده بلکه هم اکنون یعنی در سن ۹۴ سالگی نیز به اندازه ای ورزش کرده است که ۴ ساله میشماید. عجیب اینکه قدرت عشق بازی او هم ذره ای فروکش نکرده است.

مثلاً تابستان امسال وقتی خبرنگار ورزشی «اسپورت نیوز» از او پرسید: آخرین بازی که عشق بازی کردید کی بود: نیم قرن پیش؟ براگ جواب داد: این سؤال را بروید از یک نفر دیگر بپرسید، چون من تازه ۴ ساله هستم. همین دیروز برنامه عشق بازی داشتیم و فردا نیز با دوستم وعده ملاقات دارم!

براک که بسال ۱۸۸۱ در «فرنا کس کانتی» واقع در ایالت ویرجینیا بدنیا آمده است تصمیم دارد حداقل ۱۲۰ سال عمر کند. وی میگوید: «راز سلامتی و طول عمر من در آن است که از رژیم غذایی معینی پیروی می کنم ورزشم هیچ روزی ترک نمی شود، غذای مرا مواد طبیعی و گیاهی تشکیل میدهد. برای نوشیدنی فقط شیر بز و آب معدنی می نوشم و هر ماه دست کم پانزده روز روزه می گیرم، روزی چند کیلوستر شنا، چند کیلوستر پیاده روی و یک ساعت تنیس بازی می کنم. روزی شش کیلوستر میدوم و هر وقت هم که فرصتی گیر بیاید کوهنوردی می کنم.»

# در جستجوی تیم ملی

بقیه از صفحه ۱۱

چه حدودی از روش عمومی بازی تیم ملی باشگاهی خود استفاده کنند و بخاطر گسترش این نفوذ است که چون استفان کوا کس رفتی شد فدراسیون فوتبال سه تن را نه کاندیدای رهبری تیم ملی بودند برگزید و مربیان باشگاهی دسته اول و دوگروه دسته دوم را گرد آورد و انتخاب این سه کاندیدار را به رأی آنها نهاد. سه کاندیدای عبارت بودند از: میشال هیدالگو - معاون اول استفان کوا کس «آلبرت باتو» مربی سابق تیم ملی و «ژوست فونتن» مربی شهبانیت تیم ملی بعد از هانری گرین که از این میان سه فوتن پیش از رأی گیری کنار رفت و آلبرت باتو که در مراسم شرکت نکرده بود هیچ رأی نیاورد و هیدالگو برگزیده شد. فدراسیون این انتخابات را نهائی ندانسته و حق انتخاب نهائی را که از قدرت خویش است برای خود نگه داشته بود ولی بطور نهائی همان کسی را انتخاب کرد که مجمع مربیان برگزیده بودند. مربی تیم ملی بطور دائم با مربیان باشگاهی صاحب بازیکنان در تیم ملی تماس دارد و معمولاً آخرین کلام را در باره زینش بازیکنان از زبان مربی باشگاهی میگیرد. با این وجود مربیان باشگاهی میدانند که مربی تیم ملی در کار خود واقعاً مستقل است و به این استقلال احترام می نهند تا پیش از انتخاب در سکوت اند و هرگز از شرایط خوب هیچ بازیکن خودی در رهگذر تیم ملی سخن نمی گویند ولی چون مربی تیم ملی ستوال کند و اذیت را بیان میکنند و بعد از انتخاب هرگز انتقاد نمیکنند یعنی می فهمند که با نظرات پیش از انتخاب نباید مربی تیم ملی را در محضر بیاورند و نظرات بعد از انتخاب نباید تردید بوجود آورند اینها به استقلال مربی تیم ملی احترام می نهند چون میخواهند دیگران نیز به استقلال آنها احترام نهند.

**چون سخن از استقلال رفت، پیش از آنکه بحث امروز با بان گرد یادآوری میکنم که استقلال بی مهار و بی نظارت را در هیچ امری نمی پسندم بلکه استقلال را در محدوده وظایف و مسئولیت ها همراه با نظارت مستمر و دقیق می پسندم بنوعی که فرد مسئول از محدوده خود تجاوز ننموده و با در انجام کارهای مربوط بحدود تمل نورزد، بک مربی مستقل آزاد است هر که را میخواهد برگزیند ولی آزاد نیست از حق سوء استفاده نماید، بک مربی مستقل آزاد است هر روش یا هر رفتار را که میخواهد به بازیکنان دستور دهد ولی ایس روش و این رفتار نباید مغایر با اصول اخلاقی و روحیه عالی ورزش بوده و نباید در جهت خلاف منافع ملی حرکت کند، بک مربی آزاد است هر چه در توان دارد در راه انجام وظایف خود بکوشد ولی آزاد نیست که تبلی کند و تمام اینها نظارت میخواهد بدون اینکه عنوان دخالت در کار مربی تیم ملی یابد.**  
در شماره آینده پیرامون شرایط کار مربیان خارجی در ایران بحث میکنم.

## «سپید رود» ورزشگاه ۲ هزار نفری میسازد

رشت - در پی بازدید نمایندگان فدراسیون فوتبال از امکانات تیم دهی شهرستانی فوتبال داوطلب ورود به دسته دوم باشگاه ها، محمد زنجیر روز چهارشنبه گذشته از امکانات ورزشی سپید رود رشت بازدید کرد.

رشت - در پی بازدید نمایندگان فدراسیون فوتبال از امکانات تیم دهی شهرستانی فوتبال داوطلب ورود به دسته دوم باشگاه ها، محمد زنجیر روز چهارشنبه گذشته از امکانات ورزشی سپید رود رشت بازدید کرد.

## اطلاعیه

فدراسیون اسکی ایران با اطلاع علاقمندان به اسکی و باشگاه ها و مؤسسات ورزشی و دانشگاه ها و دبیرستانها میسراند که از روز سه شنبه ۱۳۷۰/۰۹/۰۵ بایستی برای دریافت کارت سرپرستی کاروان و پروانه عبور از ساعت ۸ صبح به بعد از ظهر به دفتر فدراسیون اسکی ایران واقع در انتهای خیابان لاله زار اول میدان سپه پلاک شماره ۷ طبقه سوم با در دست داشتن معرفی نامه رسمی و دو قطعه عکس و یک برگ فتو کپی شناسنامه مراجعه نمایند.

از روز پنجشنبه ۱۳ دیماه ۵۵ کاروانهایی فاقد پروانه باشند از عبور آنها به هیستهای اسکی جلوگیری بعمل خواهد آمد.

## فدراسیون اسکی ایران

## غذای آماده میهمانی - ۱۹۹ ریال

۲ نوع غذای خوب. انواع سالاد. دسرهای جوسرد  
ساختارهای تزئینی. تعویل و بدترانی در منزل - تلفن ۶۴۳۴۳

## اولگاجانی، دوستدارم

اولگا کوربوت ستاره هنرمند و ممتاز ژیمناستیک شوروی - که در آمریکا و سراسر جهان مانند کشور مشهور و محبوب است - هفت گدشته به همراه تیمی از کشورش وارد آتلانتا آمریکا شد. در آتلانتا با کسی از دوستداران او عاشقان خود روبرو شد مدعی بود که تاکنون ستاره ۲۰ ساله شوروی را ندیده، ولی سه سال است که عاشقانه دوستش داشته است.

این جوان ۱۹ ساله - که کابل - کبک نام دارد - مجموعه ای از موفقیت ها و شاهکارهای اولگا را از وقتی که در بازی المپیک ۱۹۷۲، مونیخ مدال طلا گرفت تا کنون، گردآوری کرده است و به او تقدیم کرد.

کابل که شدت از بیماری سرطان رنج میرسد گفت: «در سه سال گذشته اولگا تمام زندگی من بوده است. من تا قبل از اولگا هرگز بیک دوست دختر واقعی نداشته ام. فکر میکنم میتوانم با حقیقت بگویم که دوستش دارم... عشق برای اشخاص مختلف معانی و مفاهیم مختلفی دارد. ولی اگر برایه اسکان داشت، بطور قطع با او ازدواج میکردم. میدانم که در سراسر جهان دوستان را دارد ولی فکر نمیکنم هیچکس پیش از من بفکر او باشد.»

اولگا - که با توافق همراهمان خود طی ۱۴ روز در شهر آمریکا برنامه هائی اجرا میکرد - پیش از چند لحظه نتوانست در کنار کابل باشد و کابل که از این جهت متأسف بود گفت: «چه میتوان کرد همین بحضات هم برای من عزیز دلبند بر بود.» اولگا که از هدیه گیپ خوشحال بنظر میرسید بوسیله مترجمش گفت: «خیلی متشکرم. این روزی است که همیشه آن را بخاطر خواهم داشت.»

اولگا با ۱۵۰ سانتی متر قد و ۴۹ کیلو وزن، در بازیهای المپیک ۱۹۷۲، سه مدال طلا و یک مدال نقره گرفته بود و بطوریکه سکوید لااقل تا بازیهای المپیک ۱۹۷۶ بعد ندارد ژیمناستیک را رها کند و هنرپیشه سینما شود. اخیراً گزارش هائی انتشار یافته بود که اولگا خسته و بیمار است ولی مدیر گروه گفت نه خبرنگاران متوجه منظور اولگا نشده اند.

**اولگا گفت: «من علاقه ای به مدال ندارم زیرا احتیاجی به آن ندارم» به علاقه و عشق مردم نیاز دارم و بخاطر آن مبارزه میکنم. اگر بتوانم با تماشاگرانم رابطه برقرار کنم، موفق هستم.»**

## جورج فورمن با ضرب فنی

### پیروزشد

جورج فورمن قهرمان سابق مستثنی زنی سنگین وزن حرفه ای جهان - که پس از شکست از محمد علی هنوز هم روحیه و قدرت بدنی خود را باز نیافته است - ادی بروکز مستثنی زنی هموطنش را در دور چهارم از بازی در آورد. این مسابقه قرار بود در آور ادامه یابد ولی بدلیل اینکه بروکز دو بار در دور سوم و دو بار در دور چهارم زمین افتاد، داور مسابقه از ادامه آن جلوگیری نمود و فورمن را با ضربه فنی برنده اعلام کرد.

فورمن دو دور اول را با بروکز - که

زمانی مستثنی زنی تمرینی او بود - به مشق و گروه بازی گذراند تا جانی که تماشاگران اندک این مسابقه هم او را هو کردند. آنگاه به ناچار چند ضربه کاری وارد کرد که بروکز را به کف صحنه انداخت. تکرار بزوانه در آسند ها داور را وادار کرد که بک دقیقه و ۲۰ ثانیه از دور چهارم گذشته مسابقه بکطرفه را تمام شده اعلام کند. این مسابقه در سانفرانسیسکو انجام شد.

## یک زن و شوهر میلیون

### تومان جایزه گرفتند

یک زن و شوهر ایرانی در مسابقه مسابقه های اسب دوایی این کشور مبلغ ۸۴ هزار دلار (حدود پنج میلیون و هشتصد هشتاد هزار تومان) برنده شدند.

خانم اتل گاولینک ۷۰ ساله که با تفاق شوهرش بطور ناگهانی باشروتی باک آورده و برنده شده اند، نمیدانند باین پول چه کنند. آنها پنج سپردارند و هنوز نمیدانند پولها را به چه مصرفی برسانند.

خانم اتل گفت: «من هنوز در آسناها سر میکنم. نمیتوانم باور کنم که چنین اتفاقی برای من روی داده باشد. ممکن است برای دیدن پسر ۴۰ ساله ام به بوکوتا نسیما بروم.»

## رقیب محمد علی

### شکست را پذیرفته است

ژان پی دووین قهرمان مستثنی زنی سنگین وزن بلژیکی - که قرار است روز اول اسفند بر سر عنوان قهرمانی مستثنی زنی سنگین وزن جهان با محمد علی مسابقه دهد - روز گذشته گفت که بختی برای خود قائل نیست.

مفسران ورزشی بلژیکی علاقه چندانی به این مسابقه نشان نمیدهند. یک نویسنده ورزشی مسابقه بین این دورا بعنوان یک «جنایت» توصیف کرد.

قهرمان ۳۸ ساله بلژیکی که از چهار سال پیش به مستثنی زنی حرفه ای روی آورده است در مصاحبه ای گفت: «چنین بنظر میرسد که هنوز به صحنه مسابقه نرفته شکست خورده است. ولی قول میدهم خود را در شرایط جسمی و روحی قوی قرار دهم تا مسابقه بصورت یک بازی تشریفاتی برای محمد علی در نیاید. این تنها برای من بلکه برای ورزش مستثنی زنی بلژیکی یک افتخار بزرگ است.»

یک روزنامه بلژیکی نوشت «وقت آن رسیده است که مدیران مستثنی زنی بلژیکی بجای اینکه مستثنی زنان خود را به دستارگاه بفرستند، حقایق را به بینند.»

نارل دوچارگر مدیر و مربی دووین تا این حد بدبین نیست. «ژان پیر مرد سر سختی است. او از محمد علی نمیترسد. او هم مانند فورمن و فریزر با قهرمان جهان مبارزه خواهد کرد.»

دووین از ۲۷ مسابقه حرفه ای پیش، ۲۴ بار پیروز شده است. را لی شپیل انگلیسی، برنت اوگوست آلمانی و تری دانیلر آمریکائی از جمله کسانی هستند که مغلوب دووین شده اند. او از دوامه پیشند که «آنبه به به» تنگونی را شکست داد، دیگر در مسابقه ای شش لت نکرده ولی به تهرینات خود ادامه داده است.

مظروف بزرگتر از ظرف است

« در حال حاضر مظروف فوتبال ایران بزرگتر از ظرف آن است و این بزرگترین ایرادی است که می‌توان به فوتبال ایران گرفت.

«ضعف اما توری و ضعف زیر بنا نیز محسوس است.»

«علاقه بیشتر از امکانات است. نسبت تعداد تماشاگر به زمین فوتبال محسوس نیست. سطح معلومات بازیکنان خیلی بالاتر از سطح لازم معلومات برای مربیان، داوران و سرپرستان است.»

«نسبت به ده سال پیش پیشرفت درک و فهم و معلومات فوتبال بازیکنان اختلافی فاحشی با دانش و بینش داوران و مربیان و سرپرستان پیدا کرده است. و برای همین است که می‌گویم مظروف فوتبال ما بزرگتر از ظرف آنست.»

فوتبال را از زمین بسیار پائین تر از این که هست باید آموخت. باید آموزش مهارت های فردی به بازیکنان، در ۱۴ سالگی کامل شود یعنی در یک فوتبال راستین بچه ها باید وقتی ۱۴ ساله می‌شوند، از نظر مهارت و کار با توپ چیزی کم نداشته باشند و قادر به انجام تمام مهارت های فوتبال باشند و این نشان می‌دهد که باید کار را از ده، یازده سالگی آغاز کنند.

آئین اخلاقی بجای اتحادیه باشگاه ها

پیدایش یک آئین اخلاقی در داخل باشگاه ها مهمتر از پیدایش اتحادیه باشگاه ها است.

وشت اینست که اگر اتحادیه بی در حال حاضر بوجود آید، تحت تاثیر باشگاه های بزرگ و در جهت منافع آنها باشد.

در زمینه های مختلف فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی در ایران، اتحادیه ها به تجربه درخشانی بدست نمی‌دهند و برای همین امکان پیدایش اتحادیه باشگاه ها فعلا نیست. اتحادیه باید در جهت بالا بردن معنویات تلاش کند در صورتیکه در ایران مسلماً نخواهد توانست چنین کند.

بطور کلی اتحادیه چیزی است که بنا به طبیعت موقعیت ها و امکانات خود بخود و بنا به ضرورت بوجود خواهد آمد.»

تا کنیک چیزی نیست که به تیم تحویل شود. البته هر کس قالبی آرمانی برای خود می‌شناسد و معتقد به پیشرفته ترین شیوه‌ها در فوتبال است اما تمام این خواست ها باید با ارزشها و امکانات بازیکنان هماهنگ باشد.

برای تیم جوانان دنبال آرمان خود هستیم ولی برای تیم بزرگ همه چیز بنا به خواص بازیکنان از پیش ساخته شده و تنها می‌توان این چیز از پیش ساخته شده را در هر اندازه که هست کامل تر کرد.

ما برای تیمهای آرمانی خود دنبال مبانی بدنی و مبانی اخلاقی هستیم. اخلاق نه بمعنای خاص کلمه، بلکه منظور آن روح اطاعت، آن وجدان آگاه و پدیرنده و آن فضیلت ورزشی است.

فوتبال مورد پسند ما یک مقداری رنگ و جنبه انگلیسی دارد. منتهی ما بدنسال اخلاط نظم و سرعت و تشکل سازمانی و گروهی بودن فوتبال انگلیسی با جنبه های هنری فوتبال لاین هستیم.

رقیب بزرگ همه بزرگان

تخصیص توفیق برای تیمی که اولین بار به دسته بالاتر صعود می‌کند اینست که سقوط نکند. البته این حداقل است. وما اگر پنجمین تیم تهران هم در روز پستی باشیم. بنظر خودمان موفق شده‌ایم اما این قول را می‌توانیم بدهیم که برای تمام تیمها و برای تمام بزرگان حریف خوبی خواهد بود.

در ردیف بهترین ها

سهای مقام و نتیجه، ایجاد سطح فوتبال یا فوتبالی متکی بر پسند تماشاگر و فوتبالی متکی بر زیبایی، از آرزوهای ماست که همیشه به سوش خواهیم رفت و برای نتیجه آنرا فراموش نخواهیم کرد.

تیم اسمال، مدیون با رسالی ها

در تر سبب تیم اسمال ما که قدم به جام می‌گذارد، اولویت با کسانی است که تیم ما را با رسال قهرمان تهران کردند و دروازه جام را به روی ما گشودند.

۱۲ یا ۱۳ بازیکن از این زده یا بجام می‌گذارد. در کنار اینان ۵ بازیکن از گروه با تجربه ها یا شناخته شده ها که با ما قرارداد بسته اند، قوامی گیرند سایر بازیکنان شهباژ در این فصل از گروه ناهای جدید و نوچهره ها خواهند بود.

همین قدر می‌توانیم بگوئیم که خط حمله ما سریعترین یا یکی از سریعترین خطوط حمله تیمهای جام و خط میانی ما یکی از محکم ترین خطوط میانی جام خواهد بود.

در اختیار قدراسیون

در مورد همکاری ما با تیم ملی، ما در اختیار قدراسیون خواهیم بود و چون به این قدراسیون اعتقاد و اطمینان داریم، از هر گونه کمکی که از ما بخواهند و ما قادر به انجام آن باشیم، دریغ نخواهیم کرد.

در جواب آخرین سؤال شما در مورد انتشار سهام بیشتر برای افزایش سرما به باشگاه، باید بگوئیم که فعلا نیازی به آن نمی‌بینیم و برای کارهای فعلی به اندازه کافی سرما به در اختیار هست. اما با آغاز فعالیتهای ساختمانی ورزشگاه که تنها مخارج یک ضلع از سکوها آن بیشتر از چهار میلیون تومان بر آورد شده، سهام بیشتری منتشر خواهیم کرد.

از شاهین تاشهباز

پیدایش

آموزنده این مکتب ورزش را برای مدتی بست.

شاهین با نام شهباژ بدیدار شد.

شاهینی ها دو سال پیش با انگیزه بهره برداری از زمین ورزشی که در نارنگ دارند، تقاضای رسیدگی به پرونده بسته شده شاهین را کردند و چون خود را بی گناه می‌دانستند و آسان ورزش ایران را از ابر-های سیاه خودخواهی خالی می‌دیدند، علاوه بر روشن کردن وضع ورزشگاه خود، درخواست فعالیت مجدد کردند.

سهبید حجت سرپرست سازمان تربیت بدنی با اندیشه های سازنده خود به این-خواست جواب مساعد داد و بررسی شاهین ارسر گرفته شد و سرانجام وقتی معلوم شد که شاهین مقصر نبوده و خطایی نداشته جریان این درخواست و بررسی به سر فمرض بلوکانه رسید و شاهنشاه فعالیت جدید باشگاه ورزشی و فرهنگی شاهین را با نام شهباژ در تاریخ نهم آبانماه ۵۴ تصویب فرمودند.

اسانامه جدید

اسانامه جدید شاهین با نام گروه ورزشی و فرهنگی شاهین تهران (شرکت سهامی خاص) در تاریخ ۵۳/۱۰/۲۸ تکمیل و به ثبت رسید. مشخصات اصلی این شرکت اینطور است:

نماد و نوع شرکت: گروه ورزشی و فرهنگی شاهین تهران (شرکت سهامی خاص)

موضوع شرکت: فعالیت در امور آموزشی و ورزشی و تربیت بدنی و ایجاد باشگاه و استادبوم و زمینهای ورزشی و تهیه وسایل مربوط به آن طبق روشهای جدید

مرکز اصلی شرکت: تهران خیابان نارنگ خیابان ستگان دفتر باشگاه شهباژ

مدت شرکت: از تاریخ ۵۳/۸/۱ به مدت نامحدود

تابعیت شرکت: ایرانی

سرمایه شرکت: مبلغ ده میلیون ریال

متقسم به یک هزار سهم ده هزار ریالی که ۸۰۰ سهم آن با نام و ۲۰۰ سهم بی نام می باشد.

موسسان شرکت: آقایان مهندس داروش شهردار، دکتر قاسم لنگرانی، خسرو غفاری، سید حسین رضی، دکتر حسن حسینی مدنی

اولین مدیران شرکت: آقایان خسرو غفاری، دکتر قاسم لنگرانی، دکتر حسن حسینی مدنی بسمت اعضاء اصلی هیئت مدیره و آقایان سید حسین رضی و مهندس داروش شهردار بسمت اعضاء علی البدل هیئت مدیره.

شهباژ قهرمان تهران

فعالیت مجدد شاهین با نام شهباژ از

پاییز بارسال با فوتبال و رشته های دیگر ورزشی آغاز شد و تیم فوتبال این باشگاه در فصل گذشته با احراز مقام قهرمانی فوتبال دسته اول باشگاه های تهران، جواز ورود به جام تخت جمشید را بدست آورد.

روز ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ (سی و دو سال پیش) دکتر عباس اکرامی به اتفاق چهارتن از شاگردانش در مدرسه البرز و آنگاه در مدرسه فیروز بهرام طرح یک تیم فوتبال متکی بر اصول و آموزه های آرزوی فوتبال جهان را ریخت.

این تیم در خرداد همانسال با نام شاهین با بمیدان گذاشت و به دیدار بزرگان آرزوگاری یعنی دارایی و تاج رفت.

تیم کتانی ها

فکر و ضرورت تشکیل چنین تیمی از دکتر اکرامی سرچشمه گرفته بود انگیزه اکرامی احساس کمبود یک کلاس برای فوتبال ایران بود.

دکتر اکرامی می‌گوید: «این را به عنوان «جولگ» فوتبال بپذیرید، غیر از دو دروازه بان، هر جا که توپ بود تیم بازیکن بر سرش می‌ریختند و این تنها تا کنیک شناخته شده فوتبال ایران بود.

«نه هده، نه استوپ، و نه پاس دادن، همه چیز در فوتبال فقط با زور و قدرتی پیش می‌رفت و در حقیقت فوتبال آرزوی نوعی راکی منهای دخالت دست بود»

دکتر اکرامی که اهل مطالعه بود زبان انگلیسی می‌دانست، برای اولین بار یک کتاب سریگیری فوتبال از انجمن فرهنگ انگلستان در ایران گرفت و مطالعه کرد

و همین سرعاز فوتبال نوین در ایران بود. بطور همین کتاب و آموزش فوتبال از روی کتاب، تیم شاهین را تیم «کتانی ها» و «بچه کتانی ها» می‌گفتند.

دکتر سعود برومند می‌گوید: «روزی که برای بار نخست با تیم دارایی روبرو شدیم و شکست خوردیم، تماشاگران و طرفداران تیم دارایی دم گرفته بودند که کتابهایمان را باز کنید و بهتر ببخوانید.»

۴۴ سال فعالیت با یکمحروریت ۴ ماهه

شاهین تا سال ۱۳۶۶ - که در اوج قهرمانی متعل شد- ۴۴ سال فعالیت با یک وقفه سه ماهه داشت. این وقفه سه ماهه سرسقوط بیسه زمان پیش از المیکک توکیو بود که در جریان سفر تیم ملی به شوروی اختلافی بین رهبران این باشگاه با رهبران قدراسیون و تیم ملی بر سر انتخاب بازیکنان پیش آمد و منجر به -محروریت سه ماهه شاهینی ها شد.

قبل بردر مکتب

شاهین بخشوده شد و فعالیت خود را تا آخرین هفته فصل فوتبال ۱۳۶۶ ادامه داد اما خودخواهی و خودرایی رهبران آرزوی ورزش که ورزش ایران را تبول شخصی خود می‌پنداشتند و می‌خواستند عقده های روحی و کمبود های اخلاقی خود را با انحصارطلبی در ورزش تخلیف دهند اوج گرفت شاهین را نپسندیدند و با توطئه وصله چسباندن ها به پیکر این باشگاه، شاهین را از اوج به زیر کشیدند و در های سازنده و





# مربی خارجی یا مربی ایرانی؟

## حاصل کار مربی روسی چه بود؟

هفته گذشته فدراسیون کشتی ایران مربی روسی خود را مرخص کرد. «کنستانتین گری گروبیچ» که فروردین ماه سال جاری به ایران آمده بود، پس از ۵ ماه اقامت در تهران روز چهارشنبه گذشته با قطار تهرانجلفا راهی شوروی شد.

این سومین مربی روسی در رشته کشتی فرنگی بود.

آ دروشیدزه، اولین مربی شوروی که حاصلی برپه برای کشتی فرنگی ما داشت ده سال پیش در خدمت فدراسیون کشتی ایران بود. بدنبال او «سرگی سرگیف» به خدمت فدراسیون کشتی ایران درآمد. «سرگیف» از نظر تجربه و کارایی در حد آکروشیده نبود. ولی در طول اقامت خود در ایران هر چه در چرته داشت رو کرد. سرگیف را در جریان مسابقه های جهانی مینسک در لژ مخصوص خبرنگاران دیدیم که مرتب مشغول تهیه خبر بود.

اما کنستانتین که سومین مربی صادراتی شوروی محسوب می شد چیزی برای گفتن نداشت. او که آرام و بی سروصدا وارد تهران شده بود همان آرامی نیز کشور ما را ترک کرد و در طول ۵ ماه همکاری با فدراسیون کشتی ایران با بهتر بگویم «اقامت در تهران» همچنان آرام و بی سروصدا بود. نه تنها ما بلکه کشتی گران فرنگی کارهم از او چیز تازه ای ندیدند. البته این را هم باید اضافه کنیم که نه مربیان ما به او فرصت خود نمایی دادند و نه خود او میل به کار کردن داشت.

هر چه بود گذشت، ما قصد بدگویی یا غیبت از کسی نداریم بلکه می خواهیم به فدراسیون کشتی و سایر فدراسیون های ورزشی ایران یادآور شویم که هنگام استخدام مربی خارجی باید دقت بیشتری کنند و روی مربیان مورد نیاز خویش مطالعه لازم را بنمایند تا بعدها دچار پشیمانی نشوند.

البته فدراسیون کنونی کشتی ایران در مورد استخدام کنستانتین گری گروبیچ هیچگونه نقشی نداشت. بلکه فدراسیون قبلی با موافقت سازمان تربیت بدنی ایران طی تشریفات معمول اداری از فدراسیون کشتی شوروی تقاضای استخدام یک مربی در رشته کشتی فرنگی کرده بود که چند روز پس از تغییر و تحول در فدراسیون کشتی ایران و بروی کار آمدن دکتر توکل مربی مورد درخواست فدراسیون قبلی به تهران رسید.

### اشکال کار چه بود؟

اشکال کار این بود که فدراسیون کشتی ایران در مورد استخدام مربی شوروی

### بقیه از صفحه روزی

بیرونی حریف برابرتم شیراز دارد که این نیم هم از نظر کیفیت کار در وضعی مشابه گمرک قرار دارد و غیر از این، شکست های بی بی گمرک حتی در برابر پس عمدا (در دور رفت) که نتیجه حضور ناقص و نرزانست، پیش از هر چیز، نشانه اجباری است که گمرک اهواز برای شرکت در مسابقه ها احساس می کند و یا از نظر اخلاقی خود را موظف به شرکت می داند.

گمرک که این اواخر، همیشه با م یا تن به میدان می آید، همه اسدش را به دوره آینده جام پاسارگاد و تقویتی که در گذشته آن است بسته تا شاید کیفیت از دست رفته و لیبالیان اهواز را جبران کند. با این حال، گمرک، در دیدار هفته گذشته، چیره ای چندان مغلوب نداشت و نشان میداد که با وجود گرفتاریها و نارسایی های داخلی و کمبود بازیکن، باز هم می تواند دست کم برابر حریفان نه چندان نوی، چیزی برای نمایش ارائه دهد اما این برای روبرو شدن با حریفی چون ذوب آهن که از زوایدی به مراتب بهتر برخوردار است کافی نبوده دلش شکست در دست ست متوالی گمرک بود.

گمرک در آغاز ست اول این دیدار، خوب کار کرد و تا امتیاز ۳ بر ۰ از حریفش پیش گرفت. ولی آمدن فرخ منش یار

اهواز اسحق رحمانیان!

بوسه خدا حافظی مربی روسی با ملاقاتی بر معنی بود. ملاقاتی یک جفت کفش کشتی را به او هدیه میدهد که یعنی به باد ما باش! کنستانتین گری گروبیچ مربی کشتی فرنگی ایران هفته پیش از مسکلت ما رفت. وظایف او هر چه بود به پایان رسید.

### انگشت روی فرد بخصوصی نه نهاده بود.

در چنین شرایطی طبیعی است که فدراسیون کشتی شوروی و با سالنکند بگر مربیان خوب و بدر بد بخور خود را در اختیار ما نمی گذارند و معمولاً کسانی را به خارج اعزام می دارند که برای خود بی حاصل باشند.

اما اگر فدراسیون کشتی ایران و با سایر فدراسیون ها قبل از آنکه تقاضای استخدام مربی از کشوری می کنند. در مورد مربیان آن کشور مطالعه و بررسی دقیق بعمل آورند و بعد انگشت به روی نام فرد بخصوصی بگذارند، دیگر با چنین مشکلاتی مواجه نخواهند شد.

گری گروبیچ طول ۵ ای و ماه اقامت در تهران نزدیک ۵۰ هزار تومان برای فدراسیون نسبی ایران هزینه داشت. البته ما میانه فقط ده هزار تومان حقوق او بود که به این مبلغ هزینه تامین مسکن و غذا نیز اضافه می شد.

### بکسوال

در اینجا یک سوال پیش می آید و آن این است که آیا مربیان ما از نظر معلومات و سابقه کاریا افتخارات جهانی چه چیزی کمتر از مربیان خارجی دارند؟

البته منظور من همه مربیان ایرانی نیست بهمین دلیل تمام مربیان کشتی شوروی یا سایر کشورها نیز در یک ردیف نیستند. ما خیلی از مربیان کشتی شوروی را می شناسیم که از نظر کار و معلومات در ردیف همین کنستانتین هستند. و نظیر آکروشیده، شامهراد، ربانکو، دپا کین، آیدین ابراهیم اف و... بسیار کم اسحتی علی علی اف کشتی گیر بر سابقه روس ها در وزن ۵۴ و ۵۷ کیلو با همه تجاربی که از سابقه های بین المللی اندوخته است و از نظر من نیز خیلی غنی می باشد ولی هنوز توانسته جزو مربیان خوب شوروی باشد.

یا الکساندر سدود که تروتمندترین کشتی گیر شوروی از نظر مدال طلا است هرگز در رده مربیان درجه سوم شوروی هم نمی تواند باشد.

مربیان کشتی ایران نیز شرایطی مشابه شوروی و سایر کشورهای صاحب کشتی دارند. این وظیفه فدراسیون ها و سازمان تربیت بدنی ایران است که مربیان خوب و بد را از هم جدا کنند و آنها بی را که قصد خدمت و عشق به کار کردن دارند زیر چتر حمایت خویش قرار دهند. یعنی از نظر مانی آنها را تامین کنند تا مربیان ما هم مانند سایر کشورها بطور تمام وقت در اختیار ورزش مورد علاقه خویش باشند.

وقتی به یک مربی درجه چهار شوروی ما میانه نزدیک به بیست هزار تومان میدیم، چرا یک چهارم این مبلغ را به مربیان خوب و درجه یک خود نمی پردازیم؟

خوشبختانه ما در ایران مربیانی در اختیار داریم که هم از نظر کسب افتخارات جهانی و هم از جهت آگاهی به این ورزش و فنون آن، از مربیان خوب خارجی حتی بوری شامهراد مربی تیم قهرمان جهان نیز چیزی کم ندارند فقط باید برخی از مربیان ما با روش علمی جدید آشنا شوند و این شکل هم با شرکت در کلاس های بین المللی مربی گیری خیلی آسان بر طرف می شود.

همانطوریکه قبلا هم نوشته ام، فدراسیون کشتی ایران با پدیدست کم ده تن از مربیان درجه یک خود را بطور تمام وقت در اختیار بگیرد. وزندگی اینها را تامین کند. و بعد از این ویریه خود بخواهد تا صن انجام وظایف آموزشی، مربی در حال مطالعه و بررسی های علمی این ورزش باشند.

### کمیته مربیان

در متن فدراسیون کشتی ایران باید یک کمیته بنام کمیته مربیان تشکیل شود. استخوان بندی این کمیته را همان مربیان برکزیده فدراسیون کشتی تشکیل دهند. این کمیته هیچگاه نباید رابطه خود را با مربیان تهران و شهرستانها قطع کند آنچه را لازمست در امر آموزش تغییر یابد با تشکیل سمینارهایی با سایر مربیان در میان گذارند تا کار آموزش کشتی در ایران بر اساس یک فرمول و روش دنبال شود و مشکل آموزشی کشتی ایران بر طرف گردد.

این میسر نمی شود مگر آنکه فدراسیون کشتی ایران دست کم ۱۰ الی ۱۵ تن مربی تمام وقت با پرداخت حقوق مکفی در اختیار داشته باشد. و هر روز که لازم بود یکی از چند تن از این مربیان را به شهرستانهای کوچک و بزرگ برای مدت کوتاهی اعزام دارد تا به این ترتیب رابطه خود را با شهرستانها برقرار سازد.



# صحنه‌هایی از بسکتبال جام ولیعهد



بعدازانکه محمد رضا و کیلی بازیکن پرسپولیس تهران بدنبال رسول جوادری و سنجهر مرادی دیگر بازیکنان این تیم با پنج خطای شخصی زمین را ترک کرد. حسن اشتری مربی پرسپولیس، بعنوان بازیکن وارد زمین شد و دفاعی آخر را در کنار بازیکنان خود بازی کرد. اشتری که اینک سالهای میانی عمر خود را آغاز کرده با این عمل نشان داد که هنوز هم خود را جوان به حساب می‌آورد و معتقد است که میتواند در کنار جوانان و با بیای آنان در زمین فعالیت داشته باشد تا عقیده‌شما چه باشد؟

باشین سازی تیریز درد بدار تماشایی خود با پهلوی تهران از وجود چند مهره با ارزش و کارساز سود برد که جملگی در برابر بازیکنان سرشناس و برجسته تیم پهلوی خوش درخشیدند، از جمله سنجهر ناصرزاده (۹) که در اینجا او را در مصاف با مظفر بنی‌هاشمی بازیکن ملی پوش پهلوی ملاحظه می‌کنید.

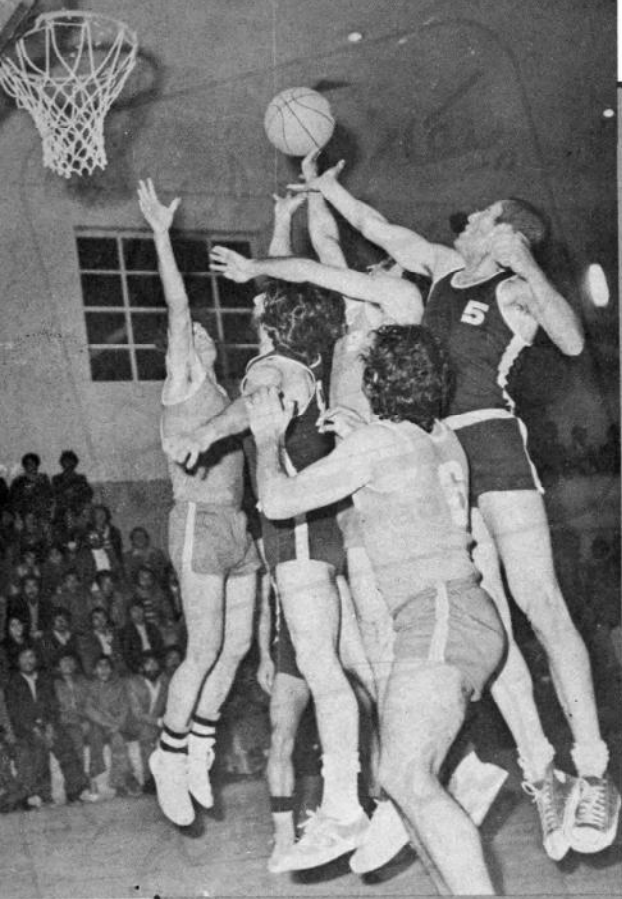


«امیر ایلپای» بازیکن معروف و شناخته شده تیم پهلوی در دیدار با باشین سازی تیریز توسط دو بازیکن مراقبتی شد یکی از این دو مراقب روییک جورجیان شماره ۱۲ تیریز بود که بحق یکی از بازیکنان موفق این دیدار بود. در عکس امیر ایلپای را در حالتی می‌بینید که در محاصره روییک جورجیان سنجهر ناصرزاده (۹) و سرژیک مختاریان قرار گرفته و سعی دارد توپ را روانه‌سید حریف سازد.

## آغاز مسابقات نهایی بسکتبال دختران

انجام خواهد شد و تیمهای اول و دوم به جمع تیمهای دسته اول باشگاههای تهران خواهند پیوست.  
**برنامه مسابقات نهایی بشرح زیر است:**  
**دوشنبه ۵ دیماه:** شامعزیز با دانشگاه تهران - سازمان آب با صنعت نفت  
**چهارشنبه ۱۷ دیماه:** شامعزیز با سازمان آب - صنعت نفت با دانشگاه تهران  
**شنبه ۲۰ دیماه:** شامعزیز با صنعت نفت، سازمان آب با دانشگاه تهران.  
 (این مسابقات از ساعت ۵ بعد از ظهر آغاز می‌شود).

هیئت بسکتبال تهران اعلام کرد که مرحله نهایی مسابقات بسکتبال دسته دوم باشگاههای بانوان تهران از روز دوشنبه ۱۵ دی ماه پس فردا در تالار شماره یک ورزشگاه محمدتصیری آغاز خواهد شد.  
 در این مرحله چهار تیم از باشگاههای صنعت نفت، سازمان آب، دانشگاه تهران و شاه عزیز شرکت دارند که بعد از انجام مسابقه‌های مقدماتی برای حضور در بازیهای مرحله نهایی برگزیده شده‌اند.  
 دیدارهای نهایی بصورت دوره‌ای



عکس گوشه بی از این تلاش همه جانبه و وسیع را در حالی نشان میدهد که شجاع دستگیر (۵) و خسرو یحیاقان از تاج شیراز سعی دارند توپ را داخل سبد گرگان کنند. بازیکنان گرگانی که در عکس حضور دارند عبارتند از: علیرضا ندافی (۶) حمید رضا منصوریان (۹) وحسن طیبی ←

سباززه تیمهای پرسپولیس گرگان و تاج شیراز قریب دو ساعت بطول انجامید و جالب اینکه بیشتر این مدت توپ روی سبد دو تیم سرگردان بود و بازیکنان دو سوی میدان برای عبور دادن آن از سبد یکدیگر با مستهای تلاش و از خودگذشتگی بازی میکردند.

«احمد بغیایی پور» یکی دیگر از غربانیان دیدار پرحادثه پرسپولیس تهران با راه آهن مشهد بود. در اینجا او را در حالی که پزشک مخصوص مسج های آسیب دیده اش را معاینه میکند، مشاهده می کنید. ↘



است. علیرضا زهی بعد از این حادثه قادر به ادامه بازی نشد. بازیکنانی که در عکس مشاهده می شوند عبارتند از: مرتضی شریعت (۱۵) مسعود شفا، احمد بغیایی پور (۴) امیر سیکتکن و احمد محمدپور (۱۴) عباس مقدس زاده سردار و این مسابقه نیز در تصویر مشاهده می شود.

↑ دیدار تیم های پرسپولیس تهران و راه آهن مشهد، همراه با خشونت فراوان از ناحیه بازیکنان دو تیم برگزار شد. در این دیدار به خصوص گرفتگی دوازده این تعداد ۲۷ خطا سهم بازیکنان تیم پرسپولیس بود. در عکس علیرضا زهی بازیکن برتر راه آهن مشهد را می بینید که در تعقیب یک درگیری جزئی با یکی از بازیکنان پرسپولیس نقش زمین شده



سزاحت سیدحسین سجادی (۱۳) از گرگان توپ را روانه سبد حریف کرده اند. درست راست شجاع دستگیر (۵) بازیکن ارزش تاج شیراز نیز چشم به صحنه دوخته است.

↑ تاج شیراز در خانه خود پرسپولیس گرگان را در وقت اضافی با اختلاف یک شکست (۸۲ بر ۸۴) شکست داد. در عکس اسدالله رحمانیان (۱۵) و خسرو یحیاقان (۸) از تاج شیراز را می بینید که با وجود

# بسکتبال جام والاحضرت ولیعهد

برنامه پنجمین هفته مسابقات بسکتبال جام ولیعهد

\* پنجشنبه ۱۸ دیماه ۵۴ ساعت ۵ بعد از ظهر

راه آهن مشهد با پرسپولیس تهران، در مشهد (تهران)  
 باشگاه اهواز با پاس کرمانشاه (درا اهواز)

قرار اطلاع در حدود ۵ و ۷ ورزشکار ایرانی در المپیک مونترآل شرکت میکنند. در برنامه تدارکاتی فدراسیونهای ورزشی دو تماس خارجی نیز گنجانده شده که یکی بصورت سفر به خارج است و دومی دعوت تیم های خارجی به تهران.

## تدارک برای بازیهای المپیک مونترآل آغاز شد

شکل اردوهای تیم که کمیته تدارکاتی برای آماده شدن ورزشکاران ایران پیش بینی کرده دارای سه مرحله است: یکی از حالا تا ۲ اسفند که این اردو مخصوص کمک به تغذیه قهرمانان سراسر ایران در هشت رشته کشتی آزاد و فرنگی، دو و میدانی، وزنه برداری، فوتبال، دوچرخه-سواری، واترپولو، شمشیر بازی و مشت زنی است. قهرمانانی که از شهرستانها می آیند در اردوهای داویده و آریا مهرسکونت خواهند کرد. اردوی دوم از ۱۵ فروردین تا ۱۵ خرداد برای کلیه کسانست که نتیجه بی هم ارزش مقام سوم بازیهای آسیائی تهران هستند و اردوی سوم (۲۴ خرداد تا حدود بیستم تیر) برای کسانست که بطول قطع در بازیهای مونترآل شرکت خواهند کرد. تاریخ حرکت تیم ایران به کانادا بطور تقریب حدود بیستم تیرماه خواهد بود.

ساعت ۷ صبح پنجشنبه جلسه تدارک برای بازیهای المپیک مونترآل با حضور سبهد حجت نایب رئیس کمیته المپیک، اصغر پیروی دبیر کل این کمیته، اعضای هیئت اجرایی تدارکاتی برای المپیک ۱۹۷۶، و همچنین روسا یا نمایندگان فدراسیونهای هشت رشته بی که بخت شرکت در المپیک مونترآل را دارند در سازمان تربیت بدنی تشکیل شد و دو ساعت و نیم بطول انجامید. سبهد حجت اطلاع داد که از روز یکشنبه گذشته اردوی داویده در اختیار کمیته المپیک گذاشته شده و از همانروز هشت کشتی گیر در آن اقامت کرده اند که بتدریج بر تعداد شرکت کنندگان افزوده میشود.

نایب رئیس کمیته مسلی المپیک همچنین اطلاع داد که مهمانخانه پست آبعلی را برای تمرین قهرمانان ایران در ارتفاع آماده کرده که روی برنامه معین فدراسیونهای شرکت کننده میتواند به تناوب از آن محل و اردوهای داویده و آریا مهر استفاده کنند.

**توضیح**  
 در صفحه ۲ از مصاحبه رهبران فوتبال ناج نوشته شده که بالاترین رقم حقوق ماهانه ... تومان است که صحیح آن ... تومان میباشد.

مغز شده بود و با وجود کمکهای فراوانی که بیمارستان وزارت اقتصاد کرد و اینکه باغبانیهای هرچه داشت خرج کرد تا همسرش را نجات دهد اما مسرت تمام چهارشنبه شب دعوت حق را لیکه گفت.  
 \* سوین ضایعه از دست رفتن محمودوزیده یکی از قدیمی ترین معلمان ورزش ایران بود. ما خود را در غم بازماندگان و دوستان این سه شادروان شریکه میدانیم و ضمن عرض تسلیت صمیمانه از درگاه خداوند بسمای همه آرزوی عمر دراز و وسالم و شکیبائی و رضا به ندای حق داریم.  
 هیئت تحریریه کیهان ورزشی

**تسلیمیت به چند دوست**  
 هفته پیش از مرگ نزدیکان چند دوست ارجمند خود بسی غمگین شدیم. اولین سمرهدی ووزنده (پدر ورزش ایران) بود که فرزند ارشد خود مهندس سمعد ووزنده را از دست داد. نامبرده کسه تعمیل کرده آمریکا بود، هنگام شرحه درآب سرش به لبه استخر اصابت کرد و مدت چندسال بود که الفلیج بود.  
 \* دومین حادثه ناگوار برای علی باغبانیانی قهرمان و رکورددار معروف دوومیدانی ایران بود که همسر گرامیش برحمت ایزدی ایوست. شادروان دوسال بود گرفتار سرطان

**بقیه از صفحه ۷**  
**ماتین ساری تبریز:** حسین کوشاور (۴) فرهنگ ارغوانی (۶) مسعود قنوت (۷) غلامرضا نوری (۸) علیرضا پورعددی (۱۰) جمشید پورواحد (۱۱) روییک جورجیان (۱۲) سرژیک مختاریان (۱۳) و کریم ماهوتچی (۱۴)

## آغاز خشونت و ضد بازی تبریز

در شروع نیمه دوم روحیه دو تیم تحت تأثیر شکست قرار گرفت و چون ماتین سازی تبریز از اختلاف امتیاز خود با تیم میزبان به وحشت افتاده بود، بناچار برای مقابله با اراده تیمی سنندج شروع به ضد بازی کرد و از همینجا تعادل بازی بهم خورد و خشونت آغاز گردید. در چنین شرایطی، تعداد خطاهای دو تیم افزایش یافت و بازی از سرعت و هیجان اولیه افتاد. بطوریکه چند مهره با ارزش دو تیم پنج خطایی شدند و از بازی خارج گردیدند. در قایق پایان که هر دو تیم بهم چنگ و ناخن نشان میدادند، سنندجها بهتر کار کردند و عاقبت با سود بردن از شتاب و عصبانیت بازیکنان تبریزی موفق شدند که با نتیجه ۵۷ بر ۵۳، یعنی با ۳ امتیاز اختلاف به پیروزی دست یابند. تیم تاج سنندج بعد از این پیروزی صاحب روحیه و استحکام بیشتری شد و در این هفته در برابر تیم پهلوی تهران با نیروی بهتر حاضر خواهد شد.

**سری: علی عطائی.**  
 این دومین دیدار دو تیم تاج سنندج و ماتین سازی تبریز بود. در دیدار رفت که بسیار جنجالی بود، تبریزها برنده شده بودند اما در دیدار برگشت، یاران با ارزش بسکتبال سنندج سعی کردند بهر قیمت که شده، پیروزی را متعلق بخود کنند. کیفیت این مسابقه بر مراتب بهتر از دیدار قبلی بود و هر دو تیم با سرعت بسیار به سید یکدیگر حمله ور میشدند. ضمن اینکه در قایق پایان خشونت تیم مهمان به زیبایی سابقه لطمه زد. در قایق نخست این دیدار، دو تیم با احتیاط و پارگیری بسیار آغاز کردند و این تبریز بود که اولین امتیاز را نصیب تیم خود کرد. اما سنندجها که مصمم و پرتوان بنظر میرسیدند، خیلی زود خود را جمع و جور کردند و با امتیازاتی بی دردی از حریف فاصله گرفتند. تیم ماتین سازی تبریز که با اعتراضات تاج سنندج، از مهره کار سازی چون منوچهر ناصرزاده سود نمبرد، در همه مدت نیمه نخست از این ضربه رهایی نیافت و تنها گهگاه، سرژیک مختاریان، فرهنگ

## جدولهای چهار گروه مسابقات بسکتبال جام ولیعهد

تهران	پرسپولیس	اهواز	پاس
تهران	پرسپولیس	اهواز	پاس
پاس	پرسپولیس	اهواز	پاس
پاس	پرسپولیس	اهواز	پاس
پاس	پرسپولیس	اهواز	پاس
پاس	پرسپولیس	اهواز	پاس

## گروه الف

راه آهن	دردان	پهلوی	تهران
راه آهن	دردان	پهلوی	تهران
دردان	دردان	پهلوی	تهران
دردان	دردان	پهلوی	تهران
دردان	دردان	پهلوی	تهران
دردان	دردان	پهلوی	تهران

## گروه ب

توضیح: در هر قسمت نتیجه مسابقه رفت در بالای خط و نتیجه دیدار برگشت در پایین نوشته شده و امتیاز تیم برنده در قسمت راست خط تیره ذکر شده است.

جناب آقای هوشنگ گنجی مدیر کل تربیت بدنی استان خوزستان  
 مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت میکنیم.  
 سری و دبیر هیئت کشتی شهرستان آبادان - حاجی مؤمن

جناب آقای هوشنگ گنجی ریاست محترم اداره کل تربیت بدنی استان خوزستان  
 با اندوهی فراوان مصیبت وارده را بسر کار و خانواده گرامی تسلیت عرض مینماید.  
 از طرف کارکنان اداره تربیت بدنی و سرپرستان ورزش و هیئتها و باشگاههای ورزشی شهرستان بهبهان - محمد حسن طهمورثی

تعمیم صفری عزیز منم در غم تو شریکم یوسف مهدوی  
 آقای غلامرضا توانائی سری تبه والیبالی پرسپولیس با کمال تلف و تألم فوت ابوی گرامیتان را تسلیت عرض نموده و سلامتی آن خانواده شریف را از درگاه خداوندی مستثلت دارد.

باشگاه ورزشی پرسپولیس



۴۴ (نیمه اول ۱۸-۴۰) سازمان آب ۶۶  
 افسر ۴۷ (نیمه اول ۲۷-۳۳ به سود  
 سازمان آب)  
**برنامه مسابقات روز ۲۲ دیماه بخش زیراست**  
 ژاندارمری با به نام آارات با شاه عزیز  
 شهباز با صنایع نظامی  
 این مسابقات از ساعت ۵ بعد از ظهر  
 در تالار محمد رضا شاه پهلوی آغاز می شود.



**ورزنده بعد از قبول بک شکست تلخ**  
 از تیم دارایی در برابر تیم صدری با تمام  
 قدرت ظاهر شد و موفق شد این تیم جوان  
 و پر تحرک را با نتیجه ۶۶ بر ۴۴ شکست  
 دهد. در عکس یکی از بازیکنان صدری  
 را می بینید که در محاصره انور آلو شاهی (ب)  
 عبدالخالق طباطبایی (ه) فرزان فکرتی  
 (۱۴) و علی شکوری (۱۳) از تیم ورزنده  
 سعی دارد توپ را وارد سبد حریف سازد.

( فردا ) انجام شود اما بخاطر حساسیت  
 فراوان به آخرین روز مسابقه های مقدماتی  
 ( ۵ بهمن ) موکول گردید.  
 در گروه دوم، شرایط با هفته گذشته  
 هیچ تغییری نکرده و تیمهای شهباز و  
 کارگران همچنان در شمار تیمهای صعود  
 کننده هستند.

با توجه به شرایط تیمهای یاد شده،  
 میتوان از هم اکنون تیمهای آارات،  
 شهباز، کارگران، دارایی، ورزنده و  
 سازمان آب را در شمار هشت تیم شرکت  
 کننده در مسابقه های مرحله دوم به  
 حساب آورد.

دنباله این مسابقات که قرار بود  
 بعد از ظهر فردا انجام شود به روز ۲۲ دیماه  
 موکول گردید.

نتایج مسابقه های هفته گذشته  
 بشرح زیر اعلام شد:  
 فردوسی ۵۹ صدری ۵۰ (نیمه اول  
 ۲۷-۳۰ به سود فردوسی) افسر ۴۷  
 ژاندارمری ۴۴ (نیمه اول ۱۳-۲۵ به  
 سود افسر) آارات ۹۷ سیان ۴۴ (نیمه  
 اول ۲۴-۳۹) شهباز ۹۳ کارگران ۴۰  
 (نیمه اول ۲۲-۴۷) ورزنده ۷۶ صدری

## در فاصله یکماهه پیاپی مسابقات بسکتبال دسته دوم باشگاههای تهران صعودشش تیم از هشت تیم شرکت کننده در مرحله دوم قطعی شد

تالار محمد رضا شاه : مسابقه های  
 بسکتبال قهرمانی دسته دوم باشگاههای  
 تهران ( در قسمت پسران ) با انجام شش  
 دیدار دنبال شد و طی آن تیمهای فردوسی،  
 افسر، آارات، شهباز، ورزنده و سازمان آب  
 برحرفیان خود پیروز شدند.  
 این مسابقه ها با شرکت شانزده تیم  
 در چهار گروه به شکل دوره ای انجام  
 میشود و در پایان از هر گروه دو تیم به مرحله  
 دوم صعود می کنند تا در دو گروه چهار  
 تیمی با یکدیگر یکبارنمایند.  
 در میان دیدارهای هفته گذشته ،  
 مسابقه میان تیمهای فردوسی با صدری  
 از هیجان و حساسیت قابل ملاحظه ای  
 برخوردار بود.

این دو تیم اگر چه بخت چندانی برای  
 صعود به مرحله دوم را ندارند ولی با ارائه  
 یک بازی خوب در برابر یکدیگر نشان  
 دادند که در حد خود حرفهایی برای  
 گفتن دارند و میتوانند در آینده نزدیک  
 با خصوصیات در حد تیمهای بزرگ در صحنه  
 مسابقات بدرخشند.

علاوه بر این بازی — که در گروه  
 سوم انجام شد — یک دیدار دیگر نیز در این  
 گروه میان تیمهای ورزنده با صدری انجام  
 گرفت که طی آن تیم ورزنده به پیروزی  
 رسید و با این موفقیت عملاً نشان داد که  
 با وجود پذیرفتن یک شکست سنگین در  
 برابر دارایی ، نسبت به دو حریف دیگر  
 گروه خود ( صدری ، فردوسی ) بخت  
 بلندتری برای صعود دارد.

در گروه چهارم سازمان آب با کسب  
 دو پیروزی با ارزش در برابر تیمهای پهل  
 و افسر صعودش حتی است و در حال حاضر  
 مقام اول گروه خود را در اختیار دارد.

تیم افسر نیز امید شماره ۲ گروه چهارم  
 به حساب می آید و بنظر میرسد که همراه  
 با سازمان آب به جمع تیمهای شرکت  
 کننده در مسابقه های مرحله دوم راه یابد.

این تیم در حال حاضر یک بازی  
 باقیمانده با پهل دارد که موفقیتش چندان  
 دور از انتظار نیست.

با این ترتیب اینک در فاصله دو هفته  
 به پایان مسابقه های مقدماتی ، چهره کلیه  
 تیمهای صعود کننده به مرحله دوم مشخص  
 شده و تنها در یک مورد نقطه ابهام باقیمانده  
 که آنهم برای شناخت دو تیم گروه اول  
 میباشد.

در این گروه تیمهای آارات ،  
 تهران جوان ، شاه عزیز و سیان حضور  
 دارند که آارات بخت صعودش حتی  
 است در حالیکه سیان هیچگونه شانس  
 برایش باقی نمانده است.

دو تیم این گروه یعنی شاه عزیز و  
 تهران جوان اینک در شرایطی هستند که  
 برای صعود ، احتیاج به پیروزی در دیدار  
 با یکدیگر دارند.  
 این دیدار قرار بود روز یکشنبه آینده

## مدرسه عالی ورزش قهرمان جام دو صحرانوردی ژانته کهنصدق شد



ششم را کسب کردند.  
 در مسابقه دو صحرانوردی جام  
 ژانته کهنصدق ۷۴ دانشجو از ۱۶  
 دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی شرکت  
 داشتند . این عکس گوشه ای از تلاش  
 دانشجویان شرکت کننده در این مسابقه را  
 برای تصاحب این جام نشان میدهد

مؤسسه آموزش عالی به مسافت ۵ کیلومتر  
 در اطراف دریاچه مجموعه ورزشی آریابهر  
 انجام شد و در نتیجه تیم مدرسه عالی ورزش  
 به مقام قهرمانی رسید و تیمهای دانشگاه  
 آذربایجان ، دانشگاه تهران ، مدرسه عالی  
 ترجمه ، دانشگاه تربیت معلم و دانشکده  
 علم و صنعت به ترتیب مقامهای دوم تا

به ابتکار امور تربیت بدنی دانشگاه  
 تهران به منظور بزرگداشت قهرمانیهای  
 ژانته کهنصدق قهرمان مرحوم دوویدانی  
 دانشگاه تهران و تیم ملی ایران دومین  
 دوره مسابقه های دو صحرانوردی دانشگاه  
 ها و موسسات آموزش عالی ایران  
 با شرکت ۷۴ دانشجو از ۱۶ دانشگاه

**جناب آقای بهروز سرشار**  
 انتصاب بجا و شایسته شما را به ریاست فدراسیون جودو را از صمیم قلب  
 تبریک می گویم و موفقیت شما را آرزو مندم

**محمد علی صنعتکاران**

---

**سرداران محبوب هما**  
 نیابت قهرمانیتان را تبریک گفته امیدوارم در جام چهارم مقام قهرمانی را بدست  
 آورید.

**مریم تیمی همای سامن ملایر - حسین باقرزاده**

---

**جناب سرهنگه سعید خلیفایی**  
 ارتقاء درجه جنابعالی را از صمیم قلب تبریک عرض مینمایم  
 کمیته دوران فدراسیون فوتبال - جعفر نامدا و وحسینعلی خلیفایی

---

**جناب سرهنگه سعید خلیفایی**  
 ارتقاء درجه جنابعالی را تبریک عرض می نمایم  
 از طرف کارکنان دبیرستان دایت - حسینعلی خلیفایی و اسفندیار سپهسالاری

**بسکتبال مصر قهرمان**  
**جام ملت های افریقا**  
**قاهره - خیرگزاری فرانسه : تیم**  
 بسکتبال مردان مصر با دست یابی به مقام  
 قهرمانی بسکتبال جام ملت های افریقا  
 صلاحیت حضور در بازی های بسکتبال  
 المپیک مونترآل را بدست آورد.

مصر این مقام را با پیروزی ۷۰ بر ۶۱  
 برابر تیم سنگال بدست آورد و مقام سوم را  
 سودان با پیروزی ۹۳ بر ۶۲ برابر ژیبوتی  
 شد.

**فروشگاه ورزشی حمید**  
**اهواز - خیابان سعدی -**  
**چهار راه سیروس**

# تناج فوتبال باشگاههای کشورهای اروپا

## اسپانیا بارسلون، رئال را با شکست آشنا کرد

پانزدهمین هفته مسابقه های باشگاه های اسپانیا هفته نبرد بزرگان، نبرد دو رقیب نامدار ولدینی، «رئال مادرید، صدر نشین فصل جاری و قهرمان فصل پیش و تیم بی شکست این فصل با «بارسلون» تیم پرافوازه این کشور بود. این مسابقه که در زمین بارسلون انجام میشد از جهات فراوانی حائز اهمیت بود و همین جهت از چند روز پیش توجه همه فوتبالدوستان این کشور را جلب کرده بود.

بارسلون که واین وایلر آلمانی را بعنوان بریگ و کروئیف و نیسکنس دو ستاره بزرگ هندی را بعنوان کاپیتان و بازیکن در اختیار دارد، به نبرد رئال بزرگ میرفت که با مربی یوگسلاو خود میلیانیچ و دو ستاره آلمانیش برایتر و تترز پس از قهرمانی فصل پیش در این فصل هم چهارده هفته بی شکست را پشت سر گذاشته و با ۲۰ گل زده و ۱۰ گل خورده سه امتیاز از نزدیکترین حریفش پیش بود. بارسلون که برای انتقام شکست یک بر صفر فصل پیش بر زمین آمده بود این بار دو بر یک به پیروزی رسید. این پیروزی علاوه بر تصفیه خرده حسابها و مسایل دیگر باعث شد که چهار تیم نخست با اختلاف چهار امتیاز بدین حال به فرار گیرند و رقابت ها شدیدتر شود.

تیم اتلتیکو مادرید که پس از رئال در مکان دوم جای دارد بازم پیروز شد و زمین شکست دادن سه بریک تیم اسپانول اختلاف خود را با صدر نشین به یک امتیاز رسانید. هر کولس فرصت مناسبی را از دست داد این تیم که میتوانست با پیروزی به مکان دوم تکیه زند با رئال بیستین یک بر یک مساوی کرد و همچنان لاس پالماس یک بر دو شکست خورد و راسین دو بر صفر از رئال سوسیداد گذشت. کرانادا با همین نتیجه و النسیا را ناکام کرد. سالامانکا یک بر صفر اسپورتینگ را شکست داد و سویلا با دو گل تیم الش را مغلوب ساخت.

پس از دو فصل ده مسابقات باشگاههای اسپانیا معمولا در نیمه فصل میخان قهرمانی را از دست میداد اسال تا پایان دیدارها جدول رده بندی میخان خاصی خواهد داشت زیرا اگر فصل گذشته رئال مادرید از هفته ها پیش از پایان فصل با برتری مطلق قهرمان شده بود و فصل پیش از آن برای بارسلون چنین وضعی

وجود داشت اسال چهار تیم صدر رده بندی همچنانکه گفته شد تنها چهار امتیاز از هم فاصله دارند و با توجه به اینکه هر چهار تیم در شرایط آلمانی قرار دارند سهولت حاضر به خالی کردن میدان بنفع رقیبان نخواهند شد. در حال حاضر بارسلون با ۳۰ گل زده صاحب بهترین خط حمله و رئال مادرید با ۱۱ گل خورده صاحب محکمترین دیوار دفاعی است.

**رده بندی پس از ۱۰ هفته**  
۱- رئال مادرید ۲۳ امتیاز - ۲ اتلتیکو مادرید (۲۱) امتیاز - ۳ هر کولس (۲۰) امتیاز - ۴ بارسلون (۱۹) امتیاز.

**سلیتیک پیروزشد**  
سلیتیک بدنبال پیروزی با ارزش هفته پیش این هفته نیز پیروز شد حرف سلیتیک تیم ایرلندی بود که در مکان هشتم جای دارد. این تیم بر راحتی ویا نتیجه سه بر یک مغلوب شد تا سلیتیک همچنان در صدر باقی بماند. از طرف دیگر تساوی زنجرز نزدیکترین رقیب سلیتیک نیز باعث شد که فاصله دو تیم بیشتر شود. زنجرز با تیم دندی یونانی یک بازی بی گل داشت پیروزی مادرول و تساوی هیرنیا باعث شد که سه تیم با ۲۲ امتیاز در مکان دوم و سوم و چهارم جای گیرند. مادرول در یک بازی داغ و پر گل سه برد دانندی یونانی را مغلوب کرد و هیرنیا نیز با آبرین به نتیجه مساوی ۲-۲ رسید. هارتز تیمی بود که با یک پیروزی آسان در برابر سنت جانستون تیم آخر رده بندی موقعیت خود را در کمر کش جدول تثبیت کرد. سلیتیک با ۳۷ گل خورده و زنجرز با ۱۸ گل خورده صاحب بهترین خط حمله و دفاع هستند.

**رده بندی**  
۱- سلیتیک ۲۵ امتیاز - ۲ زنجرز ۲۲ امتیاز - ۳ مادرول ۲۲ امتیاز - ۴ هیرنیا ۲۲ امتیاز - ۵ هارتز ۲۱ امتیاز - ۶ آبرین ۱۷ امتیاز.

**آتشبازی در پرتغال : ۱۰ گل در یک مسابقه**  
خوش بحال پرتغالیها و خوش بحال تیم بوویستا! خوش بحال پرتغالیها که در یک مسابقه شانزده گل دیدند و خوش بحال بوویستا که در این مسابقه ۱۰ گل زده مهمترین دلیل شادمانی بوویستا تنها پیروزی و بر ۷ نمیتواند باشد بلکه این تیم بیشتر از این جهت شادمان شد که دو حریف نیرومندش یعنی بنفیکا و اسپورتینگ که یکدیگر را دیدار میکردند با نتیجه مساوی

به کارشان خاتمه دادند. هفته گذشته سه تیم فوق هر یک ۲-۲ امتیاز پشیمان بودند. حالا پیروزی دلپذیر بوویستا و عقب نشینی دو رقیب باعث شد که بوویستا به تنهایی در صدر رده بندی قرار گیرد.

رقیب سختکوش بوویستا تیم «سی یو اف» بود که هفته گذشته نیز با نتیجه سه بر صفر از اسپورتینگ شکست خورده بود. بنفیکا و اسپورتینگ با تمام تلاش خود نتوانستند دروازه ها را باز کنند و دو تیم در پایان با نتیجه صفر بر صفر به کار خود پایان دادند.

هر قدر که مهاجمان و دروازه بانهای دو تیم بوویستایی یوفاف سخاوتمند و دوست داشتی بودند و تماشاگران خود را سرشار از شاشو شادمانی بدرقه کردند، بازیکنان اسپورتینگ و بنفیکا خست نشان

تونس - خیرگزاری فرانسه: تیم ملی فوتبال جمهوری عربی مصر با پیروزی بر تیم ملی عراق به مقام قهرمانی سوئین دوره مسابقه های جام فلسطین دست یافت. در دیدار رده بندی این مسابقه ها، تیم های سوئان و سوریه با هم روبرو شدند که پیروزی یک بر صفر سوئان (گل دقیقه دوم وسیله «اوالکی»)، این تیم را در مکان سوم قرارداد.

**سوئین دوره مسابقه های فوتبال جام فلسطین که در دوره دوم به قهرمانی تونس انجامید، اسال با شرکت دوازده تیم از آنجمعه ۲۸ آذرماه گذشته در تونس آغاز شد. تیم های شرکت کننده اسال عبارت بودند از: عربستان سعودی، مصر، امارات متحده عربی، عراق، لیبی، موریتانی، فلسطین، سوئالی، سوئان، سوریه، تونس و جمهوری دموکراتیک خلق یمن.**

این تیم ها در چهار گروه دیدارهای مقنساتی را به صورت رفت و برگشت برگزار کردند. در پایان این مرحله تیم های مصر (از گروه ۴)، سوریه (از گروه ۳)، سوئان (از گروه ۲) و عراق (از گروه یک) به مرحله نیمه نهایی رفتند. در این مرحله (هوشنبه ۵ دی ماه) عراق و سوریه با هم روبرو شدند و دیدار دیگر با مصر سوئان برگزار کردند که دیدار عراق و سوریه، چهار بر صفر به سود عراق پایان یافت و عراق صلاحیت حضور در دیدار نهایی را بست آورد. ۳ گل از ۳ گل این دیدار را کاظم خدام بازیکن سرشناس عراق به ثمر رساند (دقیقه ۲۰ از قطعه پنالتی و دقیق ۳۰ و ۷۳) گل

دادند و تماشاگران را در حسرت یک گل نگه داشتند. بلنسنز و اتلتیکو نیز بدون گل مساوی کردند. سئوال و پورتو هم مساوی شدند ولی در این دیدار چهار گل بمر رسید. دیدار کیمارز و تومار هم چهار گل داشت ولی آنها کلها را با هم بطور مساوی قسمت نکردند: کیمارز با پورتو ماریکه بار گل زدند. لیمز ۲ بر صفر برگا، ویرامار نیز با همین نتیجه فارسی را شکست داد. استوریل و آکادمیکو نیز امتیازها را قسمت کردند آنها بدون گل مساوی شدند.

**رده بندی پس از ۴ هفته**  
۱- بوویستا ۲۴ امتیاز - ۲ بنفیکا ۲۳ امتیاز - ۳ اسپورتینگ ۲۳ امتیاز - ۴ بلنسنز ۱۹ امتیاز - پورتو ۱۷ امتیاز

## مصر قهرمان جام فلسطین شد

دیگر عراق وسیله «فلاح» (دقیقه ۳۳) وارد دروازه سوریه شد. دیدار دیگر مرحله نیمه نهایی (مصر - سوئان) ۳ بریک به سود مصر پایان یافت و مصر بعنوان حریف عراق دیدار نهایی انتخاب شد.

دیدار نهایی که به قهرمانی مصر در برابر عراق انجامید کشید به گذشته ترتیب یافت و نتیجه آن یک بر صفر شد. تنها گل این مسابقه را احمد عبدالیک در دقیقه هفتم وقت اضافی به ثمر رساند

**بقیه از صفحه ۱۰**  
تقاضای است که خود باشکا هم سطح آترا بالا بردند. چه بیجک از باشکاها کار سازندگی جوانان خود را جدی نگرفتند و در نتیجه در بی بازیکن دیدن و تور انداختن کار همه باشکاها شد و همین بازار نقل و انتقال ها و به عبارتی بازار تقاضا ها را بالا برد و عرضه ها با نرخ های سرسام آوری رو به افزایش رفت. در این میان فدراسیون هم در کناره گذشته جام تخت جمشید با محدود کردن باشکاها حاضر در جام تخت جمشید (در زمینه به خدمت گرفتن بازیکنان جدید این جام) خود را که جنجالی نقل و انتقال ها را محدود کند اما این هم دردی را دوا نکرد چه هم اکنون می بینیم که شهبازو ساتین سازی تازه وارد این جام هستند و می توانند هر تعداد بازیکن حتی از بازیکنان جام تخت جمشید را به خدمت گیرند و از طرف دیگر سقوط کرده های چو تراکتور سازی هم چنین امکانی را از دست نداده اند و به این ترتیب بازار در هر فصل جام تخت جمشید همچنان گرمای خود را حفظ می کند و آنچه بر جای می اندیشیم نیست ششدهای است برای اینکه سال بعد هم مبلغی بر آن افزوده شود. در این مسیر باشکاها می ما در چند سال آینده به آن بلای دجار خواهند شد که دادو فغان باشکاها را ویا و مخصوصاً انگلستان را به عرش رسانده است. این بی شک وضعی است که رقابت باشکاها برای سود بیشتر بوجود آورده است و زیر لوی آماتورسیم هرگونه عملی را برای خود آزادی دادند و انتظار دارند که تاوان آن را مردم بپردازند. تا بیستم امروز در کناره چه خواهد گذشت؟

**اطلاعیه**  
در تمام مراکز اسکی حق التدریس میخان اسکی کماکان برای یکساعت به شرح زیر است:  
- تدریس انفرادی ۳۰۰ ریال  
- تدریس دسته جمعی از ۲ الی ۵ نفر حداکثر ۴۰۰ ریال  
- سرمربی ۵۰۰ ریال  
خواهشمند است در صورت مشا همدتخلف - متخلفین را به فدراسیون اسکی ایران معرفی نمائید که مورد تعقیب قرار گیرند.

**کلین سرویس آمریکا**  
خشک کن شوئی، مبلمان، موکت، فرش، تشک اتومبیل، نظافت و بویاش هر نوع پارکت و زمین با متخصصین با تجربه  
تلفن ۸۴۷۵۰۲

# پاس

## یک پله بالاتر از دوره دوم



پاس امسال هم بخت قهرمانی را از دست داد در حالیکه شاید از بهار سال و پیرا سال به آن نزدیک تر بود. این درست که پاس یک حریف دیرین یعنی تاج را عقب زد اما از یک تیم تقریباً نو پا عقب افتاد که این هما بود.

آنچه پاس برای قهرمانی کم داشت بدون شک مثل همیشه مشکل خط حمله این تیم بود که علی رغم برتری میدانی پاس در اکثر مسابقات قدرت فتح دروازه حریفان کوچک تر از خود را نداشت. پاس زمانی از جام فاصله گرفت که در بازیهای آخر تیم فصل اول و آغاز نیم فصل دوم سه تساوی ها قناعت کرد و با آنکه در اواخر جام خود را بازیافت ولی از صدر نشین خیلی فاصله گرفته بود بهر صورت جام سوم یک موفقیت نسبی برای پاس همراه داشت زیرا در مسابقاتی طولانی تر خود را یک پله بالاتر از سال گذشته دید.

ایستاده از راست: حسین کازرانی، مانیس میناسیان، مجید حلوائی، کمال خلیلیان، رضا قفلساز و مهدی مناجاتی. نشسته از راست: مهدی دینورزاده، ایرج دانایی فرد، اسماعیل نوربخش، بهروز صحابه و محمد صادقی.

# دانستی‌های جهان در کلکسیونهای برف

بودر برف برای خدمتگزاری بیشتر به مصرف کنندگان عزیز خود و بالا بردن سطح دانش کودکان و نوجوانان اقدام به تهیه کارتهای رنگی از موضوعات مختلف و مورد علاقه آنها مانند ماهیها ، گلها ، انواع اتومبیل ، عجایب هفتگانه ، شخصیتهای ورزشی و دهها موضوع جالب دیگر نموده است .  
 پشت کارتهای برف ، مطالب مربوط به عکس روی همان کارت چاپ شده است و بدین ترتیب فرزند شما با جمع آوری سربهای مختلف کلکسیونهای برف و نگهداری آنها در آلبوم پس از چندی دارای مجموعه‌ای بسیار جالب از دانستیهای جهان و آنچه در اطراف اوست خواهد شد .  
 با جمع آوری کارتهای کلکسیونهای برف فرزندان شما بدون زحمت و خرید کتابهای مختلف و صرف هزینه به دانش و معلومات عمومی خود افزوده و ضمن اینکه این مجموعه سرگرمی بسیار جالبی برای آنها میباشد پاسخگوی سئوالات آنها نیز خواهد بود .

بودر برف با تهیه کتابهای مختلف و مجموعه‌های متفاوت از کشورهای مختلف توانسته است سربهای کلکسیونهای برف را هرچه بیشتر کامل نموده و با کمک متخصصین خود آنها را هرچه بیشتر ساده و جالب برای کودکان و نوجوانان شما آماده نماید .



شما وقتی بودر برف میخرید کارتهای کلکسیونهای برف را از قوطیهای برف بیرون بیاورید و به فرزندان خود بدهید و طریقه نگهداری و سری بندی کارتها را نیز به آنها بیاموزید تا در این خدمت کوچک با ما همگام شوید .

نمونه‌ای از کارتهای کلکسیونهای برف



کلکسیون تابلوهای نقاشی برف 1707  
 نام نقاش: فرانسوا بوشه F. BOUCHER  
 تولد: 1703 در فرانسه ، وفات 1770 میلادی  
 نام تابلو: خانم بومبوردور سال 1757  
 اندازه تابلو: 17x12 اینچ  
 محل نگهداری تابلو: آدنورگ گالری ملی اسکاتلند  
 نوشته یکی از موفترین نقاشان سبک رنکو بوده است .

## کارتهای کلکسیونهای برف عبارتند از:

انواع ماهی ، ماهی های تزئینی (آکواریوم) ، پروانه ها ، پرندگان ، گربه ها ، سگها ، اسب ها ، گل ها ، تابلوهای نقاشی و مینیاتور ، مجسمه ها ، درختها آتاریاستانی ، ساختنهای معروف دنیا ، سبیل کشورها ، عجایب هفتگانه پرجم های دنیا ، نژادها ، سیاستمداران دنیا ، تاریخ دنیا ، نویسندگان وشعرا ، موسیقیدانان ، کاشفین ومخترعین ، شخصیتهای ورزشی ، قضا نوردان ، هنرمندان تانز و سینما ، اتومبیلها ، هواپیماها ، کشتیها ، موشکها ، داستانهای کارتن ، داستانهای حماسه ای، داستانهای فلکلوریک ، آلات موسیقی ، لباسهای محلی نجوم و صور فلکی ، لباسهای رزم ، حیوانات ماقبل تاریخ ، ورزشها ، انواع خانه و ..



کارتهای کلکسیونهای برف در قوطیهای برف



ضیائے

<http://www.javanan56.com>



در ژنر فورمن نیز به محمدعلی حملات خیلی سختی کرد  
و یکی دوبار مدعی عنوان قهرمان جهان را روی طنابها انداخت.



و این ضربه بود که کار جورج را ساخت. می بینید که ضربه هوک راست محمدعلی سرگردن جورج را چنان  
پرت کرده که هرچه قطرات عرق به صورت و موهایش بوده به اطراف پخش شده است. این عکس زیبا را یک  
خبرنگار آلمانی گرفته است.

تکتم که جورج مختار است در دنیا هرکسی را که  
دلش بخواهد مغلوب کند فقط دورن یکی را خط  
بکش، من شکست ناپذیرم!

آنچه تا اینجا خواندید خلاصه بی از مجموع کتاب  
محمد علی بود که مجله اشپیکل و کیهان ورزشی  
توانستند همزمان و پیش از انتشار آن کتاب به  
آوردند. چون ما این مطلب را بعنوان و به صورت کتاب  
چاپ می کنیم، بهمین سبب مطالبی که از اینجا به بعد میخوانید  
آن قسمتهایی از کتاب محمد علی است که من قسمت  
خلاصه شده نیامده است.

به لوئیزویل هنوز... میل مانده. در زیر باران  
شدید کیلوستارها های راه به سختی دیده میشود.  
«هارولد هازارد» راننده ام میگوید حوالی صبح هم  
نمیرسیم. «اوساعت هاست که پشت فرمان نشسته و  
بکی خسته شده است.

— شش... هفت... هشت...  
جورج آهسته، به پهلو غلطید.

— نه... ده...  
جورج بلند شد، اما متاسفانه کسی دیر، داور دست  
سرا گرفت و به علامت پیروزی بلند کرد. ورزشگاه کوئی  
ناگهان زیرو رو شد. تماشاگران زنجیر کماندوهای چتر باز  
را گسستند از روی میز خبرنگاران خود راه صحنه  
رساندند. داور صحنه دستم را بلند کرد، و دنیادم گرفت:

— علی! علی! علی! علی!  
از وسط انبوه جمعیت خبرنگاری خود را به من  
رساند و داد زد:

— قهرمان جهان، چگونه موفق شدی؟ حالا دوباره  
جورج چه نظری داری؟

سرم را جیباندم، تصمیم گرفتم به رخت کنم بروم.  
نخواستم درسهائی را که از جورج گرفته بودم برایش  
تعریف کنم. مثلاً بگویم که بردهای زیاد ضعیف کننده  
هستند، که بعد نیست مغلوبین، از غالبان قوی تر شوند.

حالت دفاع بخود گرفتم، خودم را از سر راهش کنار  
کشیدم. این راند، طولانی ترین راندهای عمرم شد وقتی  
بالاخره به آخر رسید، سرم سوت میکشید، با وجود این  
راند سر به نیست شدن من باز به خیر گذشت، حالا وقت  
آن رسیده بود که برای برگرداندن ورق بازی حواسم را  
خوب جمع کنم. از بطری آبم جرعه ای به دهان ریختم،  
خون دهانم را غرغره کردم و تنف کردم، بوندینی داد  
زد:

— قهرمان! تو باید حرکت داشته باشی! مقاومت  
کنی دنگ راند چهارم.  
دنگ! راند پنجم.  
دنگ راند ششم  
دنگ! راند هفتم.

در هر یک از این راندها روی طناب افتادم و در آخر هر  
راند درست موقعی که جورج دارم را تمام شده تلقی میکرد  
دوباره جان می گرفتم. هر بار که به هم گره خوردیم حس  
کردم که چگونه نفسش سنگین تر، ضربه هایش  
آهسته تر، و مقاومتش ضعیف تر شده بود. جورج ضربه  
سنگینی حواله ام کرد، من آنرا دفع کردم و دوزخ به محکم  
به صورتش زدم و در عین حال گفتم:

— قهرمان، چشهایت را در آئینه تماشا کن!  
عجالت نمی کنی؟ به بین چگونه آفریقائی هاتما شایت  
میکنند و تو چشم نداری آنها را تماشا کنی!

این راندهم به آخر رسید، وقتی به سمت زاویه خودم  
رفتم، در سراسر بدن احساس درد می کردم. ولی در عوض  
ورزشگاه لرزید. حتی دوستان من نیز تحولی را که در  
اوضاع محسوس شده بود، حس کرده بودند.  
دنگ راند هشتم.

جورج در حالیکه فقط فکرناکدان کردن سرادر  
سر داشت به سمت خیز برداشت — اما حالا دیگر  
ضربه هایش بواش تر حواله میشد و بیشتر طول می کشید  
تا به من برسد، خبر داشتم که معلم و ریه هایش را آتش  
و درد آزار میدهد. خبر داشتم که کشیدن هرنفس برای او  
همانند خودم — یک عذاب بود.

چگونه تمام قوایش را جمع کرد. من خودم را کنار  
کشیدم و اولای طناب صحنه افتادم. گفتم:

— قهرمان، خیلی اسفناک بنظر میرسی!  
نگاهم را از چشمهایش برنیداشتم چون چشمهایش  
همه چیز را به من می گفتند.

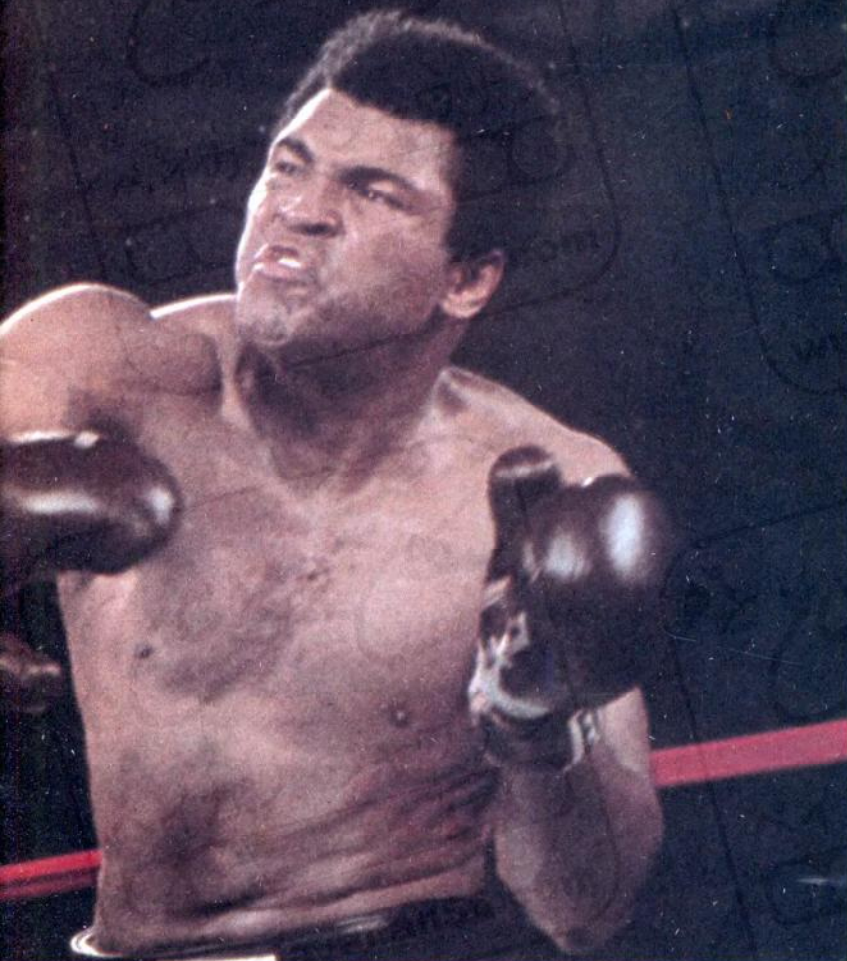
میدانستم تصمیم گرفته تاج قهرمانی را به هرتقدیر  
شده برای خود نگهدارد. اما این را نمیدانستم که آیا  
حاضر است بهای آنرا هم بپردازد یا نه آیا حاضر است  
جانش را هم در آن راه فدا کند یا نه؟  
حالا دیگر وقت آن رسیده بود که کار را بکسره کنم.  
مرد در برابر مرد.

جورج ضربه جپی حواله کرد. من ضربه راست را به  
مقابله آن فرستادم. به خود گفتم اگر می خواهم سلطان  
سنگین وزنها بسوی پس ارژش دارم که شاهنشکسته  
شدن چانه، خرد شدن بینی، تکان خوردن جمجمه و در بو  
داغان شدن صورت باشی.

نتوجه شدم که جورج برای به است آوردن تعادل  
سعی کرد خود را کمی عقب بکشد، با تمام قدرتی که  
داشتم یک ضربه راست به سمت چانه اش فرستادم. این  
ضربه گوئی چانه اش را برپا داد. لختی بی حرکت  
ایستاد، خواستم مجدداً خلمتس برسم که دیدم  
چشمهایش دردم شد فهمیدم برای اولین بار در عمرش  
دارد وارد عالم هیروت میشود.

جورج کف صحنه پتو پهن شده بود. چشمهایش  
شیشه ای بنظر میرسیدند. صدای ارتعاشی را که در  
مغزش پیچیده بود، صدای ساکسیفون نواختن خفاش ها،  
صدای زوزه تساح ها را می شنید، و میدید که نئون ها  
چگونه خاموش و روشن میشوند.

داور صحنه شمارش را آغاز کرد. جورج بعدا دادعا  
کرد که قربانی شماری سریع داور شده بود. من که  
نزدیک جورج ایستاده بودم بالا و پائین رفتن دست داور  
را نظاره میکردم:



« اگر من ماشین را برانم میرسیم . » از اینجا به بعد من تمام پیچ و خمهای جاده را میشناسم . وقتی پشت فرمان می‌نشینم هارولد پیش سایر همراهانم که در قسمت عقب اتوبوس نشسته‌اند ، میرود . پلیندا و ماریوم همسر و دخترم هم آنجا هستند و در خواب سنگین فرو رفته‌اند .

کریس داندی یکبار بن گفته بود « بدترین جا در دنیا شهر قدیمی محل اقامت انسان است بخصوص وقتی که پس از شکست در یک مبارزه به آنجا باز میگردد . بگذار همیشه ترا بعنوان یک برنده ، یک فاتح بیاد بیاورند ، هرگز شکست خورده برنگرد . »

من همیشه مانند شکارچیان شجاع و فاتح بخانه آمده و شکارهای بزرگ باخود آورده‌ام . دو عنوان قهرمانی دستکش طلایی ، چند عنوان قهرمانی آماتوری آمریکا ، یک مدال طلای المپیک ، عنوان قهرمانی مشت‌زنی سنگین وزن جهان . حتی وقتی که بصورت تبعیدی و محروم از مسابقات های مشت‌زنی نیز برگشتم وضعی فاتحانه وشکست نخورده داشتم .

حالا بهار سال ۱۹۷۳ است و من پس از یک شکست که شرح آنرا همه مردان وزنان و بچه های شهر من مانند تمام مردم جهان از طریق تلویزیون ، رادیو یا روزنامه شنیده و خوانده‌اند ، دارم به شهرم باز میگرم . روزنامه ها صفحات ورزشی خود را با این عناوین پرخواهند کرد که : **محمدهلی تمام شده است ، پایان یک دوران ، شکست علی بدست یک « هیچ » دهان کنده علی برای همیشه بسته شد ، تکان دهنده ترین مسابقه تاریخ مشت‌زنی ! ...**

میخواهم به خانه ام برگردم . استراحت کنم . پدرم و دوستان قدیمی ام را ببینم . بدانم کجا هستم . بخاطر بیاورم چه کسی هستم ، از کجا آمده‌ام و به کجا می‌خواهم بروم . من در اینجا دنیا آمده ، پرورش یافته و نیست و یکسال نخست زندگی‌م را در این شهر گذرانده بودم . باید بدانم که آیا اینجا واقعاً «خانه» من است - جایی که انسان پس از شکست هم بتواند به آنجا برود .

باران شد بدتر شده بود ، برای اینکه بهتر جاده را ببینم از سرعت کم کردم . همینطور که به تازگی جاده خیره شده بودم و به جلومیرفتم لحظات مسابقه وقایع پس از آن مانند یک فیلم سینمایی در خاطر من می‌گرفت : تالار ورزشی «سان دیه گو» دور آخر هم تمام شده است . من در گوشه ام ایستاده‌ام . داور وسط دارد آراه دو داور دیگر را میگرد . به آنها نگاه میکند . نتایج را بررسی میکند ، لحظه ای بسمت من خیره میشود ، آنگاه بطرف نورتون میرود . « برنده با امتیاز - نورتون ! »

تالار سفید خرمی میشود . فریادهای دیوانه وار و گوشخراش از هر طرف بگوش میرسد . بعضی ها به داوران اعتراض میکنند و نظر آنها را نمی پذیرند

ولی چیخ ها و فریادهای «نورتون ! « نورتون ! « صدای آنها را خند میکند .

« ما ترا شکست دادیم ، تو حرامزاده را ! « به تماشاگران نگاه کردم . مرد سفیدپوستی روی صندلی خود ایستاده بود و روزنامه ای را بطرف من تکان میداد . « ما ترا سر جایتم نشاندم ! رویت را کم کردیم ! « افراد پلیس به داخل صحنه میریزند ، ولی مردم آنها را کنار میزنند و از زیر طنابها وارد صحنه میشوند .

جوهریز نورتون را که دوست و یار تمرینی او بوده در آغوش گرفته است . یک گزارشگر رادیو با فریاد از من میخواهد که پیش او بروم و چیزی در باره این مسابقه بگویم . ولی آنجولو باندینی دارند مرا از صحنه خارج میکنند . طعم خون را در گلویم احساس میکنم و درد صورت و شانه هام هر لحظه شدیدتر میشود . یادم نباید چند لحظه بکث کردم و بجائی که میدانستم پیدا نشده است ، نگاه کردم . میخواستم برایش دست تکان بدهم و به او بفهمانم که حالم خوب است ، ولی پلیس و جمعیت بهم فشار میاورند و من بطرف اتاق رختکن رانده میشوم .

« حالا زیباترین کیست ؟ .... » حالا زیباترین کیست ؟ « گروهی از زنان سفید پوست با تمام نیروی خود فریاد میکنند و باهایشان را بزمن میکنند .

پلیس آنها را دور میکنند . سرم چنان است که گویی دارد از گردنم جدا میشود . درد سمت چپ آروارام تقریباً بیش از حد تحمل من است . مردی که یونیفورم آتش نشانی بتن دارد صف پلیس را میشکافد و خطاب بن من میگوید : « کارتو تمام شد دهن گشاد ! کارتو تمام شد ! »

پلیس ها دور مرا احاطه میکنند و تماشاگران دیوانه شده از احساسات را کنار میزنند تا بتوانند مرا از آن مهلکه دور نمایند . تماشاگران همچنان ادامه میدهند فریاد میزنند ، شادی میکنند و مرا هومیکنند و در همین حال چند نفر از همراهان من میگویند در اتاق رختکن را باز کنند . سرانجام در از داخل باز میشود و ما یک یک بزور خود را در آن می‌چپانیم : هربرت محمد ، مدیر برنامه های من ، باندینی کمکمربی ، دکتر پاچه گو ، پزشک صحنه من ، کاپیتن جوزف یوسف ، کسی که از روز نخست مسلمانم با او آشنا شدم . آنجلوداندی مربی ، لویدولیز ، یک دوست قدیمی ، یوجین کیلروی و حسن سلامی ، پارتنم ، هاوارد پینگهام ، عنکبم ، دیک و رهام ، نویسنده ام ، رگی پارت ، دوست دگریم ، پات باترسون ، مأمور محافظ ، والتر پاتنگ بلاد ، کمک مربی .....

حتی پس از اینکه داخل اتاق شده‌ایم آنها با فشار در را باز میکنند تا مطمئن شوند که من میتوانم صدایشان را بشنوم : « حالا دیگر بزرگترین کیست ؟ » سرانجام در بسته میشود و آنجولو به آن تکیه میدهد . خستگی از سر تا پایش میبارد . بکلی فرسوده شده است . او نمیتواند خسم و تفری را که در این صداها موج میزند باور کند ، وحشی ها « تنها کلمه ای است که میتواند بگوید .

کیلروی شتل مرا که روی زمین افتاده بود بلند میکند . عبارت « قهرمان مردم » در پشت آن کاملاً بجشم میخورد . وقتی که با جوبا گتر ( برای نخستین بار ) مسابقه میدادم ، الویس بریسی آن را بن هدیه کرده بود . کیلروی بطرف من میاید و حوله ای را دور چانه و سرم می‌پیچد تا به تخفیف درد آروارام کمک کند .

یکی میگوید « اینجا شهر نورتون است و آنها هم همشهریان و دوستان او هستند ، درست مثل لونیویل که شهر تو است ، علی . این فقط یک واکنش طبیعی مردم نیست به همشهریشان است . »

اما من این قیافه ها را میشناسم . این صداها « فقط یک واکنش همشهریان » نیست . این واکنش اغلب سفیدپوستان آمریکا است .

نیسی از تماشاگران هر سابقه من کسانی هستند که فقط به این امید میایند که شش هشتک من باشند برای

این یکی از زیباترین عکسهای است که از محمد علی برداشته شده. شاید یکی از زیباترین عکسهای باشد که در مسابقه مشت‌زنی برداشته شده و یک لحظه بسیار حساس و تکان دهنده از مبارزه محمد علی - فورمن را در کینشازا (زئیر) نشان می‌دهد. به پیشد چه قدرت و چه نشازی در هوک راست محمد علی نهفته است و چگونه فورمن (قهرمان جهان) را تکان داده است و تازه هوک چپش آماده است تا کار را تمام کند!

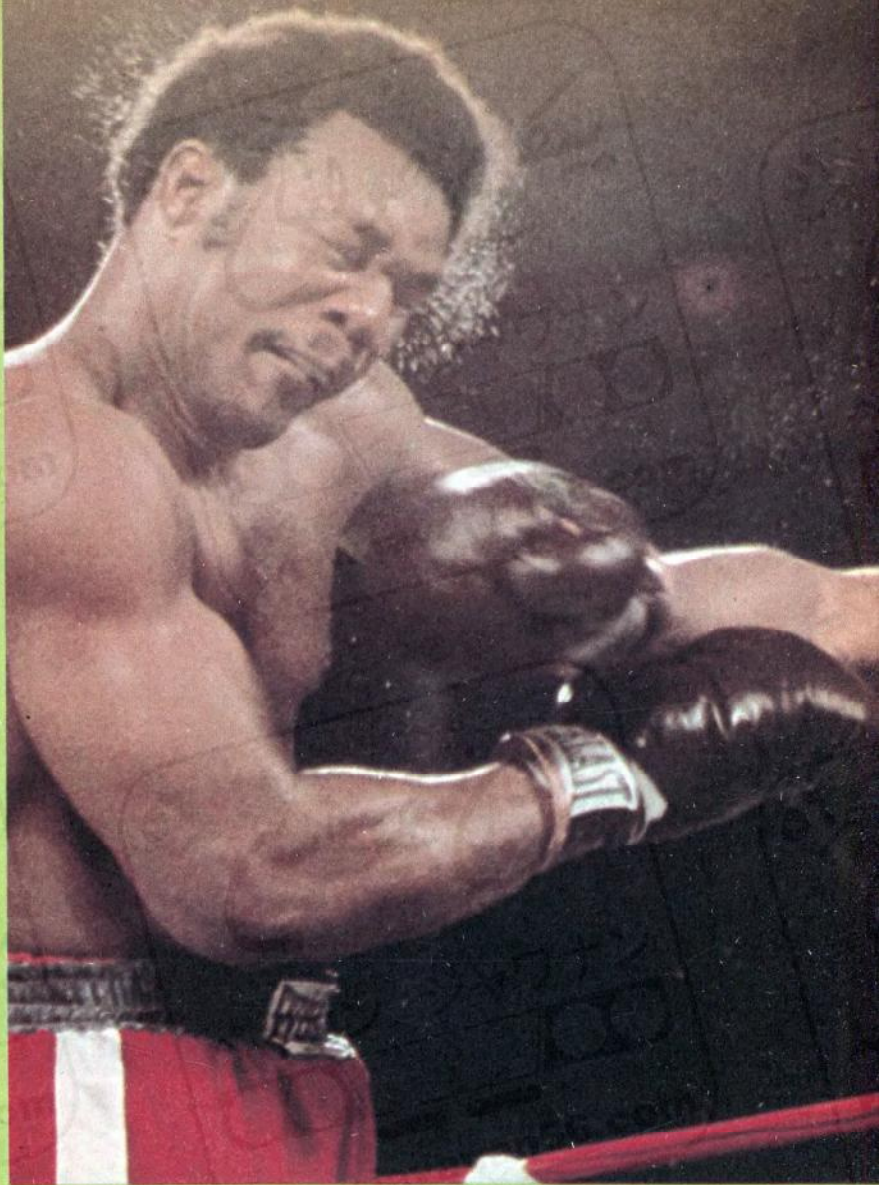


کن نورتون ضربه زیادی خورده بود اما سرانجام در پایان دور دوازدهم با امتیاز برنده شد و خستگی هایش را فراموش کرد. شاید کمتر کسی فکر میکرد که مشت‌زن کمناسی مثل نورتون بتواند محمد علی را شکست دهد. اما او چانه محمد علی را هم شکست!



نورتون خیلی زود فهمید که محمد علی در وضع آسودگی همیشگی نیست و برای بردن از او بخت بلندی دارد و به همین جهت در بیشتر مدت مسابقه بسختی به او ورزش برد و بارها در گوشه صحنه گرفتارش کرد. اگر نورتون صاحب مهارت فنی بیشتر بود میتوانست اولین کسی باشد که محمد علی را کف صحنه بخواهاند.

چرا باختیم؟ به دور دوم فکر میکنم که نورتون از گارد باز استفاده کرد و یک ضربه چپ به چانه‌ام زد. دقیقاً میدانم این ضربه چه وقتی به چانه من خورد. صدای شکستن را شنیدم و مزه شور خون را در کلویم احساس کردم. وقتی به گوشه‌ام آمدم از باندینی و آنجلو پرسیدم: «چه وقت میتوان گفت که آرواره کسی شکسته است؟» باندینی در حالی که دهانش را بشکل مخصوصی باز کرده بود گفت «وقتی شخص دهانش را اینجوری باز کند و صدا بدهد آرواره‌اش شکسته است.»



لافزدهای تو باعث و انگیزه تحریک آنهاست. با این دلیل آنها در برابر تو قدرتی دوچندان می‌یابند و با چنگ و دندان می‌چنگند تا به همه چیز برسند. وقتی موفق نمیشوند شرمگین و خجلت‌زده میگردند که مغلوب یک قهرمان پیرشده‌اند.»

همیشه پیش از یک مسابقه من و هربرت گوشه خلوتی پیدا میکردیم و ضمن ستایش و عبادت خدا، برای آخرین بار شرایط خود و مسابقه را بررسی میکردیم. او پیش از مسابقه با نورتون گفت «تو همه مقررات و شرایط مربوط به آمادگی پیش از مسابقه را ندیده‌گرفته و زیرا گذاشته‌ای. با این جهت فکر کردم بهتر است مسابقه را به وقت دیگری موکول کنیم.»

جواب دادم «برای نورتون آماده‌ام. خواهی دید.»

نیخوایم مسابقه را عقب بیندازیم. روی میز اتاق رختکن نشستم و به چهره آدمهایی که در اطرافم هستند نگاه میکنم. بعضی‌ها آهسته داخل اتاق میلفزند و بعضی دیگر دزدانه خارج میشوند. احساس میکنم در مکان عجیبی گیر کرده‌ام. آنگاه متوجه میشوم که چرا این اتاق برایم عجیب و غیرعادی است: این اتاق برنده نیست، بازنده‌ها را به این اتاق می‌آورند. من قبلاً فقط یکبار در اتاق بازنده‌ها بوده‌ام. در اتاق بازنده‌ها هیچکس نمیدانند چه بگویند.

آنها رقیب من اهمیت ندارد هر که میخواهد باشد. من به این وضع عادت کرده‌ام. مدتی بود که آنها را نادیده میگردتم ولی آنها حالا بهترین فرصت را بدست آورده‌اند. از زمانی که فریزر با یک هوک‌چپ مرا بروی صحنه انداخت تا کنون آنها فرصتی برای خالی کردن عقده‌های خود نیافته بودند. و این شکست برای آنها بسیار شیرین‌تر و خواستنی‌تر است زیرا من مغلوب فریزر یا فورمن، که شهرت جهانی دارند و تمام مردم جهان قدرت آنها را تأیید میکنند، نشده‌ام بلکه «یک بچه‌محل» مرا شکست داده است.

آنها وقتی که با تو مبارزه میکنند دیگر «بچه‌محل» نیستند. این سخن هربرت محمد که لحظاتی پیش از مسابقه بر زبان رانده بود باردیگر در گوشم زنگ‌میزند. تو ۲۲ ساله هستی. این برای یک مشت‌زن عادی سن پیری است، ولی تو برعکس حالا با مشت‌زنانی رویرو میشوی که بر مراتب قوی‌تر و خشن‌تر از مشت‌زنانی هستند که در سال‌های جوانی ات با آنها رویرو میشدی. این بخت و اقبال ساعدی است که در اختیار آنها گذاشته میشود. زیرا اگر بتوانند دهان لاف‌زن بزرگی را که هر روز جهان شاهد لاف‌زدهای فراوان او است به بندند، شهرت و ثروت فراوان نصیبشان خواهد شد. همه مشت‌زنانی که با تو رویرو میشوند بشدت تحریک و ترغیب شده‌اند.

دهانم را همانطور باز کردم و صدا داد. دردی که تا مغز استخوانم اثر گذاشت صورتم را لرزاند. خون دهانم را در سطل خالی کردم و دهانم را شستم ولی خون قطع نمیشد.

باندینی میگوید «اگر آرزوهای شکسته است مجبوریم بازی را قطع کنیم.»

ولی او میدانند که من این کار را نخواهم کرد. سیزده دور دیگر باقیمانده و من میتوانم برنده شوم. به اطراف صحنه نگاه میکنم، جو فریزر و آرچی مورای میبینم که حیرت زده بمن نگاه میکنند. آنها برای رهبری نورتون با اینجا آمدهاند. دوست دارم آنها را با ناامیدی از اینجا بدرقه کنم.

قبل از بصد در آمدن زنگ، باندینی در گوشم زمزمه میکند «شورتی در اتاق نشیمن دارد مسابقه ترا می بیند. این را فراموش نکن.»

«شورتی» نامی است که باندینی برای عیجابه محمد انتخاب کرده است. و در تمام مدتی که تلاش میکنم قبل از اینکه نورتون ضربه دیگری به چانه ام وارد کند، کار او را یکسره کنم، باندینی فریاد میزند «شورتی دارد مسابقه را می بیند! از تلویزیون خانه اش مسابقه را می بیند! او مراقب تو است.»

دوره به دوره مسابقه ادامه میدهم. ولی می بینم که نمیتوانم در گوشه ها بخوابی با نورتون مبارزه کنم. دیگر توانایی رد و بدل کردن ضربه ها را ندارم. حتی وقتی که ضربه ای میزنم که بجا و به هدف میخورد دستم چنان درد میگیرد که گویی بیماری ورم مفاصل دارم.

مردم میخوانند بدانند چرا مسابقه را قطع نکردم. میپرسند آیا نمیدانستم که ممکن بود صورتم آسیب به بیند و زیبایی ام از دست برود؟ حتی حالا هم نمیتوانم دلیل این کار را بدرستی شرح بدهم. شاید با این علت بود که هرگز در زندگیم به حرفی پشت نکرده ام. آن وقت، در داخل صحنه، در گرما و هیجان مسابقه چانه ام مثل حالا که اینجا در اتاق رختکن نشسته ام درد نمیگردد. هر تکان کوچکی به چانه ام مانند درد کشته یک دندان فاسد شده اسانم را میرسد.

یک نفر از پشت در فریاد میزند «در را باز کنید تا دکتر وارد شود!» پزشک کمیته شست زنی کالیفرنیا داخل میشود. بطرف من میآید و سر و گردن و چانه ام را معاینه میکند. اخمهایش در هم میروند از او میپرسم «آیا آرزوهایم شکسته است؟»

اصلا چیزی نمیگوید. اتاق در سکوت محض فرو رفته است. من دست بردار نیستم: «کار تا چه حد خراب است؟» دکتر میگوید «تا عکسبرداری نشود نمیتوان با قاطعیت نظر داد.» و بطرف دکتر پاچه کومیرود. وقتی در گوشی با هم صحبت میکنند، یک نفر دیگر در میزند.

میپرسم «بلیندا کجاست؟» کسی جواب نمیدهد. میدانم که مشکلی پیش آمده است. وقتی که من ناراحت باشم هیچ عاملی نمیتواند او را از من دور کند.

سرانجام کاپیتان جوزف بصد در میآید «او در اتاق دیگری است.» گفتم «برو او را با اینجا بیاور» دکتر پاسخ میدهد «او در اتاقی در آنسوی تالار است. ویس از مکث کوتاهی.» به او ضربه وارد آمده است.

صدای پزشک کالیفرنیایی بگوشم میخورد «محمد! اتومبیل بیرون در منظر تو است. جراح پلاستیک هم هست تو باید فوری همراه ما بیایی.»

ولی من از او دور میشوم و بطرف اتاقی میروم که بلیندا در آنجا است. پزشکان دنبال من میآیند گروه کسانی که از شکست من شادمان شده اند مشکل تر شده است و بدین من فریادشان را بلندتر میکنند: «کار دهن گشاد تمام شد! نورتون این کارها سیاه را شکست داد! نورتون پوزه سیاه زنگی را بست!»

تا همین امروز صبح نورتون مثل من یک کار کاسیاه بود ولی اشتب بصورت امید بزرگ سفیدها در آمده است. فریادها و نازها ها تا اتاق بلیندا مرا همراهی میکنند. پس از ورود به اتاق و بستن در، آنجا می ایستم و نگاهش



تنها یک نفر دیگر توانسته چنین شادمانه از میدان مبارزه با محمد علی بیرون آید و او جو فریزر بوده که در ۸ مارس ۱۹۷۱ طی پانزده دور با امتیاز از او برد و این کن نورتون و آخرین نفر است که از شادی میخواید بروز کند.

## کارنامه محمد علی



میکم. هر کس که میخواست برای همه لاف زدن ها و «خود بزرگ بینی های» من از من انتقام بگیرد، به آرزویش رسیده بود. حالا دیگر ضربه نورتون برایم دردناک نبود. من اصلا درد آرزوهایم را فراموش کرده بودم. بلیندا را با نوار روی یک میز بسته اند و او فریاد میزند، میکوشد از این وضع خلاص شود، سرش را به چپ و راست میکند. پانگ بلاد و چهار مرد دیگر او را نگهداشته اند.

با تلاش فراوان خود را از شر تسمه ها خلاص میکند. چند مرد او را نگه میدارند و تسمه ها را سفت میکنند. در کنارش می نشینم. دکتر پاچه کومیکوید «یک مسکن قوی به او داده ام ولی او مقاومت میکند. میترسم داری بیشتری به او بدهم.»

یک دختر دانشجوی مکزیک بی نام سوزی گومز که همراه بلیندا بود، در کنارم می نشیند. از او میپرسم «برسر بلیندا چه آمده است؟»

سوزی میگوید «من نمیدانم، وقتی که آنها نورتون را برنده اعلام کردند، حال بلیندا بهم خورد. اول همانجا در سر جایش نشست. خیلی آرام بود. خیلی ساکت. ولی پیدا بود که حال مساعدی ندارد.» سوزی آرام میشود و مدتی طولانی خیره به بلیندا نگاه میکند. «قبل از مسابقه بلیندا نگران بود ولی دلیل آن را بمن نمیگفت. بعد وقتی نورتون برنده شد بلیندا کوشید دستهایش را جلوی چشمهایش بگیرد ولی گویی دستهایش بالا نیامد. خیال کردم میخواید از جایش بلند شود و برسدی که در سمت دیگر او نشسته بود همین خیال را کرد.»

هفدهمین مبارزه محمد علی با چارلی پاول امریکایی در پیتسبورگ (امریکا) بود که او را در دور سوم مسابقه از پای درآورد. این مسابقه در ۳ ژانویه ۱۹۶۳ به انجام شد. پس از آن بعنوان هجدهمین مدعی دوگلد جونیور (عکس) در برابر او ظاهر شد که ده دور با پاداری کرد اما به امتیاز باخت. این مسابقه روز ۳ مارس ۱۹۶۳ در نیویورک صورت گرفت. در آن زمان محمد علی از چگونگی این مسابقه ناراحت شد. زیرا در همان روزها اعتصاب روزنامه ها باعث شده بود که هیچ تبلیغی روی مسابقه مذکور صورت نگیرد.